



آیهان جهان

مختصات نظام جهانی عصر ظهور در قرآن و روایات

راضیه مظفری | سجاده سلامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: مظفری، راضیه، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: آرمان شهر پارسایان: مختصات نظام جهانی عصر ظهور در قرآن و روایات /
 راضیه مظفری، سجاد سلامت.
 مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.: مصور.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴۰-۹-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۹ - ۱۴۴.
 عنوان دیگر: مختصات نظام جهانی عصر ظهور در قرآن و روایات.
 موضوع: مدینه فاضله -- جنبه های مذهبی -- اسلام Utopias -- Religious aspects --
 مدینه فاضله -- جنبه های قرآنی Utopias -- Quranic teaching
 شناسه افزوده: سلامت، سجاد، ۱۳۶۳ -
 شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
 رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۲
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۸۶۳۱۴
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

آرمان شهر پارسایان

(مختصات نظام جهانی عصر ظهور در قرآن و روایات)

نویسندگان: دکتر راضیه مظفری | سجاد سلامت

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ: اول | تابستان ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴۰-۹-۳

قیمت: ۶۵,۰۰۰ تومان

قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
 تهران: خیابان طالقانی / میدان فلسطین / شماره ۳۸۷ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۰۰۰۵۹
www.mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir
Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در استان ها پاسخگوی
 درخواست های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز
 تخصصی مهدویت می باشد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۸
فصل اول: در جست و جوی آرمان شهر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۲
واژه شناسی.....	۱۳
نقش آرزوها در شکل گیری ایده آرمان شهر.....	۱۴
آرمان شهرخواهی در ادیان آسمانی.....	۱۷
۱. آرمان شهرخواهی در یهود.....	۱۸
۲. آرمان شهرخواهی در مسیحیت.....	۲۰
۳. آرمان شهرخواهی در اسلام.....	۲۶
۱-۳. ابونصر فارابی.....	۲۹
۲-۳. ملاصدرا.....	۳۱
۳-۳. علامه طباطبائی رحمته الله علیه	۳۲
۴-۳. آیت الله مصباح یزدی.....	۳۶
۵-۳. آیت الله جوادی آملی.....	۴۱
آرمان شهرخواهی در سپهر اندیشه غرب.....	۴۶
۱. آرمان شهرخواهی در عصر باستان.....	۴۶
۲. آرمان شهرخواهی در عصر رنسانس.....	۴۹
۳. آرمان شهرخواهی در دوران متاخر.....	۵۱
جمع بندی.....	۵۲
فصل دوم: آرمان شهر از منظر قرآن کریم.....	۵۷
مقدمه.....	۵۸
«آرزو» در قرآن کریم.....	۶۲

الف. مُنی	۶۳
ب. اَمَل	۶۳
ج. وَدّ	۶۴
د. لَیْت	۶۵
هـ. هَل	۶۶
و. لَو	۶۶
ز. لعل	۶۶
شکل های گوناگون آرزو در قرآن کریم	۶۷
۱. آرزوهای سازنده	۶۸
۲. آرزوهای بازدارنده	۶۸
جمع بندی	۷۰
فصل سوم: مختصات آرمان شهر مورد آرزوی صالحان در قرآن	۷۵
مقدمه	۷۶
مختصات آرمان شهر انبیاء و صلحاء علیهم السلام	۷۸
۱. آرزوی نابودی کفر و تحقق یکتاپرستی	۷۸
۲. آرزوی تحقق توأمان فراوانی نعمت و امنیت	۸۳
۳. تعلیم و تزکیه بشر در راه تعبد و بندگی	۹۱
۴. دریافت حکمت و پیوستن به صالحان	۹۷
۵. عبودیت حقیقی در سایه نماز	۱۰۱
۶. سلب قدرت دشمنان	۱۰۴
آرزوی مشترک همه انبیاء علیهم السلام	۱۰۸
آرزوهای مؤمنان	۱۱۱
۱. آرزوی هدایت بشر	۱۱۲

۲. رهایی بشر از لغزش ها و نزول رحمت الهی.....	۱۱۶
۳. نجات مؤمنان از شرّ ظالمان	۱۱۹
۴. صبر، پایداری و پیروزی	۱۲۴
۵. تحقق پیشوایی واحد برای مؤمنان	۱۲۹
۶. غفران الهی و قلبی عاری از کینه	۱۳۲
ارتباط بین آمال انبیاء علیهم السلام با غایت خلقت	۱۳۴
جمع بندی	۱۳۶
کتاب نامه	۱۳۹
مقالات	۱۴۴

پیشگفتار

همه ما انسان‌ها همواره به دنبال تعریف هدف یا هدف‌هایی برای معنابخشی به زندگی و انتخاب‌های خود هستیم؛ زیرا این هدف‌ها آرزوهای ما را شکل می‌دهند و احتمال رسیدن به همین آرزوها امید ما به آینده را زنده نگه می‌دارد. در نتیجه، در صورت انتخاب هدف‌های زندگی بر اساس ارزش‌های مادی و دنیوی، سطح آرزوهای ما نیز به امور دنیوی تنزل خواهد کرد و در مقابل، در صورت انتخاب اهداف خود در زندگی بر اساس آموزه‌های الهی، آرزوهایمان بر محور تقرب به خداوند و هم سو با آمال و آرزوهای انسان‌های برگزیده خواهد بود؛ تا جایی که ما نیز به بخشی از مسیر حرکت تکاملی بشر در طول تاریخ تبدیل خواهیم شد. از این رو، در ادبیات دینی و قرآنی شاهد دو نوع آرزو هستیم: نخست، آرزوهای بازدارنده از حرکت انسان به سوی کمال و دیگری، آرزوهای سازنده آرمان شهر الهی.

بنابراین، در اثر پیش رو تلاش شده است که نخست، مفهوم آرمان شهر، تعریف و تمایزات و اشتراکات آن در دو جهان بینی دینی و

غیردینی، تبیین و سپس در فصل دوم، نگاه قرآن به آرزوهای انسانی و تاثیر آرزوهای سازنده بر شکل‌گیری مفهوم آرمان شهر الهی تشریح شود. در فصل سوم نیز آرزوهای سازنده نقل شده از انبیا و مؤمنان در قرآن، مطرح و سپس نسبت آنها با ویژگی‌های برشمرده شده در روایات دینی درباره جامعه مهدوی سنجیده شده است.

نتیجه این پژوهش علمی تأکید بر اثبات ایجاد آرمان شهر مهدوی در عصر ظهور است؛ دورانی که ویژگی‌های آن را می‌توان در آرزوها و ادعیه نقل شده از انبیا و مؤمنان در قرآن دید و به نظر نویسندگان این اثر، در صورت توجه مؤمنان هر عصری به این آرزوهای مؤمنانه، بی‌تردید حرکت تاریخ در جهت تحقق آرمان شهر مهدوی سرعت خواهد گرفت و انسان‌ها بیش از هر زمان دیگری به تحقق رؤیای حیات سعادت‌مند نزدیک خواهند شد.

در پایان، ضمن سپاسگزاری از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاطر آماده‌سازی مقدمات چاپ و نشر این کتاب، امیدواریم این اثر ناچیز برای منتظران آخرین ذخیره هدایت الهی سودمند بوده، رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دنبال داشته باشد.

فصل اول:

در جست وجوی آرمان شهر

✱ واژه شناسی

✱ نقش آرزوها در شکل گیری ایده آرمان شهر

✱ آرمان شهرخواهی در ادیان آسمانی (اسلام، یهودیت و مسیحیت)

✱ آرمان شهرخواهی در سپهر اندیشه غرب

✱ آرمان شهرخواهی در عصر باستان، رنسانس و پست مدرنیسم

مقدمه

در بلندای تاریخ، هیچ‌گاه انسان از اندیشه و رؤیای زیستِ آرمانی فارغ نبوده و همواره نگاه او به آینده‌ای بهتر و سامان‌یافته‌تر بوده است. ریشه این کشش درونی بشر در دو واقعیت «آرزومندی» و «سرخوردگی‌های تاریخی» انسان از احوال زمانه اش خلاصه می‌شود. به همین علت آرزوهای «اتوپیایی»^۱ بشر در واقع بازتابی از نابسامانی مقاطع مختلف تاریخی است. به طوری که هرچه ذهن بشر در جوامع گوناگون بیشتر دستخوش خلل و اضطراب شده، اتوپیا‌های بیشتری نیز به وجود آمده است.^۲

این موضوع سبب شده تا بسیاری از اندیشمندان سوژه اندیشه ورزی خود در هر عصری را بر مبنای دغدغه «آرمان‌شهرگرایی مردمان زمانه خود» استوار کنند.^۳ تا جائیکه تصویر ذهنی فلاسفه‌ای همچون

۱. Utopia

۲. «یوتوپیاها»، /رغنون، ش ۲۵، ص ۱۳۹.

۳. اگرچه لفظ «آرمان‌شهر» نخستین بار در کتاب آرمان‌شهر تامس مور در سال ۱۵۱۶ میلادی به کار رفت، با این وجود خاستگاه فکری و مبانی نظری آرمان‌شهرخواهی (topianism) را می‌توان در آرای فلاسفه یونان باستان و هم‌چنین حکمای اسلامی مشاهده کرد.

افلاطون، سقراط، فارابی و حتی فلاسفه متأخر از آرمان‌شهرخواهی را می‌توان در وجه آرمانی و جنبه آرزویی آرمان‌شهر، مشترک دانست. از این رو می‌توان گفت؛ اندیشه آرمان‌خواهی و اعتراض به وضع موجود بشر، صرفاً محصول مدرنیته و رنسانس در غرب نبوده و ریشه‌های تاریخی و اجتماعی آن به قدمت تاریخ تمدن است.

در سوی دیگر ماجرا؛ تصور «آرمان‌شهری» جنبه ایجابی نیز داشته و همچون موتور محرکی جوامع را در مسیر رشد و پیشرفت رهنمون ساخته است. به طوری که برخی از اندیشمندان «آرمان‌شهر‌گرایی» را عامل اصلی ظهور و پیشرفت اندیشه در غرب می‌دانند^۱ و معتقدند؛ آرمان‌شهرخواهی، انگیزه و اراده انسان را برای اصلاح جامعه تحریک می‌کند. این واقعیت تاریخی برای انسان عصر جدید که عرصه‌های حیات آن با تهدیدات و خطرات متعدد زیست محیطی، اخلاقی و رفتاری مواجه است از اهمیت دوچندانی برخوردار است چراکه باید برای مقابله با بحران‌های معاصر، به خلق ایده‌های آرمانی و امید آفرین حرکت کرد.

واژه‌شناسی

لغت‌شناسان، واژه «آرمان» را به معنای آرزو و امید دانسته‌اند؛ البته برخی نیز این واژه را به معنای اندوه و تحسّر قلمداد کرده‌اند.^۲ اتوپیا نیز که واژه‌ای با ریشه یونانی است، از دو بخش OU به معنای

۱. نیاز به علم مقدس، ص ۲۵۰.

۲. فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۴.

«نفی» و TOPOS به معنای «مکان» تشکیل شده، یعنی «جایی که وجود ندارد»^۱ یا به گفته‌ی شیخ شهاب‌الدین سهروردی «ناکجاآباد»^۲. هم‌چنین در برخی از فرهنگ‌های اندیشه‌ی سیاسی، در مقابل واژه‌ی «اتوپیا» نوشته شده: جامعه‌ای آرمانی که در آن هیچ‌گونه شرّ و بدی از قبیل فقر و بدبختی وجود ندارد و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده‌اند.^۳ البته در زبان فارسی اغلب به جای واژه‌های بیگانه «اتوپیا» یا «مدینه فاضله»، از واژه «آرمان‌شهر» یا «خرم‌آباد» استفاده می‌شود^۴ که به معنای جامعه‌ی آرمانی است. جامعه‌ای که در آن ابزار سعادت بشر تأمین و تضمین خواهد شد. لذا در بسیاری از توصیفات موجود از آرمان‌شهر، مفاهیم مشترکی همانند: عدالت محوری، قانون‌مداری و انسجام همگانی نیز به چشم می‌خورد.^۵

نقش آرزوها در شکل‌گیری ایده‌ی آرمان‌شهر

در خصوص علل پیدایش اندیشه‌ی آرمان‌شهرخواهی (Topianism) و گرایش فلاسفه به آن، نظریات متفاوتی مطرح شده، اما با نگاهی تاریخی به سیر تکامل بشر در فرآیند زمان می‌توان متوجه شد که آرزوی دست‌یابی به «آرمان‌شهری جهانی در پایان تاریخ»، همواره جزء اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است. خاستگاه اصلی این ایده

۱. فرهنگ اندیشه‌ی سیاسی (اتوپیا)، ص ۴۱۰.

۲. آواز پیر جبرئیل، ص ۲۱۱.

۳. فرهنگ اندیشه‌ی سیاسی (اتوپیا)، ص ۴۱۰.

۴. جامعه‌شناسی هنر، ص ۵۴.

۵. «چیستی اتوپیا»، کلام و عرفان، ش ۵، ص ۳۶.

نیز در ذات آرزومند بشر ریشه دارد. ذاتی که همواره کوشیده تا طعم شیرین سعادت مندی را در زندگی دنیوی بچشد. از اینرو نمی توانسته بپذیرد که جهان بدون تجربه رسیدن به آرمان شهر پایان پذیرد. لذا موعد دست یابی به آن را در پایان تاریخ، یعنی درست در جایی که گذر زمان تأثیری بر سعادت مندی بشر ندارد، انتخاب کرده و حتی برای خود فرض دانسته برای رسیدن به آن مقطع زمانی سرنوشت ساز، از تلاش و انتظار باز نایستند. تلاشی تاریخی برای زنده نگه داشتن امید و حفظ هویت جمعی از خطر ناامیدی، در قالب طرح واره‌ای بنام آرمان شهر.^۱

از سوی دیگر؛ پیوند دو عنصر کمال گرایی و آرزومندی بشر سبب شده تا آرزوهای آرمانی بشر، وجهی انتقادی به جهان موجود پیدا کند. به بیان دیگر؛ آرمان شهرها سودای ساختن جامعه‌ای را دارند که در اصل پاسخی است به وضعیت نابسامان کنونی. وگرنه چنانچه بشر وضعیت را مناسب می‌دید، همان را تداوم می‌بخشید و دیگر نیازی به جست و جوی آرمان شهر پیدا نمی‌کرد.^۲

با این مقدمه می‌توان گفت، که آرزوها در هر مقطع از حیات بشر وجود داشته‌اند. برخی از این آرزوها در طول زمان محقق شده، نظیر رویای پرواز انسان، اما بسیاری از آنها همچنان تحقق نیافته‌اند مانند رویای عدالت و جهان امن. از اینرو در تبار شناسی نقش آرزوها در

۱. «مقایسه آرمان شهر فردوسی و سعدی»، زبان و ادب فارسی، ش ۲، ص ۱۲۱.

۲. «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، مطالعات سیاسی، ش ۶، ص ۱۲۶.

شکل گیری آرمان شهرها تقسیم بندی های مختلفی قابل ارائه است. از جمله تقسیم بندی بر اساس خط سیر تحقق آرمان شهر که به دو گونه قابل توضیح است:

۱. آرمان شهرهایی که به دنبال ارائه پاسخی به نیاز درونی بشر یا همان آرزوی دیرینه بشر برای ماندگاری و جاودانی هستند که از میان آثار شاخص این گروه می توان به؛ آرمان شهر افلاطون و یا حماسه سومری و افسانه «گیلگمش»^۱ اشاره کرد. آثاری که در آنها بهشتی زمینی ترسیم شده است.

۲. آرمان شهرهایی که در قالب اندیشه «موعودگرایی» و «منجی گرایی» طراحی و تبیین شده اند که از جمله مهمترین آنها می توان به جامعه عصر منجی در آموزه های دینی مسیحیت، یهودیت و اسلام اشاره کرد. جوامعی که با مداخله خداوند در تاریخ، منجی مصلح جامعه ای آرمانی را بنا خواهد کرد. جامعه ای که ادیان مختلف نام اتوپیا و آرمان شهر را بر آن گذاشته اند، اما به دلیل آرمانی بودن عصر ظهور منجی، می توان از مختصات آن جامعه به عنوان الگویی برای توصیف آرمان شهر استفاده کرد.

نوع دیگری از تقسیم بندی آرمان شهرها بر اساس ماهیت پسینی یا پیشینی آرزوهای بشر است که به دو گونه ذیل قابل طرح است:

۱. آرزوهای هبوط یافته (توصیفی از آرمان شهر ماضی که

۱. پادشاه شهر اوروک، در سفر خود به بهشت «دیلمون» می رسد که دارای آرامش همیشگی، طبیعتی زیبا و زندگی جاودانه و نمادی از شهر آرمانی مردم است. آرمان شهر در اندیشه ایرانی، ص ۱۸.

انسان، جامانده از آن است؛ بر اساس اندیشه آگوستین که جزء قائلان آرمان شهر هبوط یافته است، هبوط به منزله تبعید، مجازات و سقوط آدمی به زمین است که به دلیل انتقام خدا از انسان به سبب گناه ابدی و ذاتی که در بهشت مرتکب شده، رخ داده و در جهان مادی غیر قابل اصلاح است.

۲. آرزوهای موعودگرایانه (توصیفی از جامعه آرمانی آخرالزمان که انسان در طلب آن است)؛ بر اساس دیدگاه ملاصدرا که از قائلان به آرمان شهر آخرالزمانی است، هبوط آدم و نزول او به زمین با هدف بازپروری و تقویت عزم و اراده اش بوده است. پس می توان انتظار تحقق آرمان شهر مطلوب انسان در همین جهان مادی را داشت.^۱

آرمان شهرخواهی در ادیان آسمانی

آرمان شهرخواهی همواره بخشی از خواست و میل درونی بشر برای نیل به کمال گرایی بوده و به همین دلیل ادیان توحیدی با توجه به شناخت خالق از نیازهای مخلوق، در مقام تبیین آرمان شهرهای توحیدی برآمده اند. آرمان شهرهایی مبتنی بر زدودن زشتی، خشونت و بی عدالتی. البته در بررسی آرمان شهرهای توصیفی توسط ادیان الهی، اختلافاتی نیز مشاهده می شود که ریشه بخشی از آنرا باید در تحریفات تاریخی و بخش دیگر را در توجه انبیای الهی به دامنه ی مخاطبان آرمان شهر توصیفی خود در یک قوم یا دین خاص خلاصه کرد. تنها

۱. المفاتیح الغیب، ص ۶۴۶.

دینی که از این قاعده مستثنی می شود؛ دین اسلام است. چرا که اولاً دین اسلام و تجسم تام و تمام آن یعنی قرآن از گزند تحریفات در طول تاریخ مصون مانده و ثانیاً اسلام دینی جهانی و پیامبر اسلام خاتم انبیا الهی است و می بایست برنامه خود برای هدایت بشر تا پایان تاریخ را عرضه کند. ثالثاً آرمان شهر توصیفی قرآن در واقع برآیندی از آرزوی تمامی انبیای الهی در طول تاریخ است و مختص پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان نیست. موضوعی که می تواند شاهی بر فطری بودن آرمان شهر اسلامی قلمداد شود. لذا به منظور درک بهتر این واقعیت کافیت نگاهی به مختصات آرمان شهرهای ادیان توحیدی بیافکنیم.

۱. آرمان شهرخواهی در یهود

یهود را باید یکی از ادیان کهن دانست که در تقسیم بندی دین پژوهان همراه دو دین مسیحیت و اسلام، در میان ادیان ابراهیمی تعریف می شود. یکی از مهم ترین موضوعات در دین یهود، مسئله آرمان شهرگرایی است. بطوریکه تاکنون بسیاری از اندیشمندان یهودی از ایمان به آرمان شهر دوران پس از ظهور «ماشیح» و دوره نجات یا «گئولا» به عنوان یکی از پایه های اساسی آیین یهود، یاد کرده اند. این اعتقاد در اصل دوازدهم از اصول سیزده گانه ایمان یهود توسط هارامبام در قالب بحث آرمان شهر و مزده تشکیل حکومت آرمانی بدین شکل مطرح شده است: «من با ایمان کامل، به آمدن ماشیح اعتقاد دارم، اگرچه او تأخیر کند؛ با این حال، هر روز در انتظار او هستم تا

بیاید.^۱

طبق نظر هارامبام، هر فرد یهودی که اصل ظهور ماشیح یا منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی^۲ را قبول نداشته باشد، منکر سخنان حضرت موسی عليه السلام و دیگر انبیای بنی اسرائیل شده است.^۳

دین یهود در ترسیم آرمانشهر خود به پیروانش وعده می دهد در آینده پادشاهی از نسل داوود، بنی اسرائیل را از ظلم و فساد، نجات خواهد داد. اِشعیا وعده می دهد که آن پادشاه مطلوب «بر تخت پادشاهی داوود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد». ارمیا نیز آرزویش را از قول خداوند، چنین بیان می کند: «روزی فرا خواهد رسید که من، شخص عادل را از نسل داوود به پادشاهی منصوب کنم که با حکمت و عدالت، حکومت می کند.»^۴

از این رو می توان گفت، آرمان شهر یهود بر اساس عقیده به ظهور منجی یهود یا همان ماشیح استوار شده است. فردی که به او «پسر انسان» نیز می گویند، زیرا به شکل انسان ظاهر می شود، ولی سرشت وی، آمیخته ای از خدا و انسان است.^۵ این حاکم آرمان شهر وعده داده شده به یهودیان، از نیروها و قابلیت های فرا انسانی برخوردار بوده و تقریباً همه ویژگی ها و توانایی هایی را که در سنت

۱. فرهنگ و بینش یهود، ص ۴۵.

۲. خدا - جهان - انسان و ماشیح در آموزه های یهود، ص ۲۵۷.

۳. «ماشیح: ناجی جهان»، بینا، ش ۴، ص ۱۶.

۴. عهد عتیق، ارمیا، باب ۲۳، بند ۵.

۵. دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ص ۳۱۹.

بنی اسرائیل کهن به پادشاهان مطلوب نسبت داده می شد را به همراه خود خواهد داشت. هم چنین او تا ابد، بر اساس عدالت و درست کاری حکومت خواهد کرد و عدالت ورزی را به عنوان مهم ترین ویژگی اخلاقی در جهان حاکم خواهد کرد.^۱

لذا در تعریفی کلی از ایده آرمان شهرگرایی در اندیشه یهود می توان به عناصر زیر اشاره کرد:

- ✓ ظهور منجی از خاندان حضرت داوود عليه السلام
- ✓ برخورداری منجی از نعمت فرّ الهی و توانمندی های فرابشری
- ✓ غلبه و سیطره یهود بر جهان در دوران ظهور منجی
- ✓ تحقق عدالت جهانی در دوران حکمرانی موعود بنی اسرائیل
- ✓ ابدی بودن این دوران و فنا ناپذیری آن

۲. آرمان شهرخواهی در مسیحیت

در جهان مسیحیت، اندیشه آرمان شهرگرایی ابعاد و مراحل گوناگونی را در بر می گیرد که برای پی بردن به زوایای آن می باید ابتدا به شناختی از محتوای دین مسیحیت (اناجیل چهارگانه و عهد عتیق) و نیز شرایط محیطی ظهور حضرت مسیح عليه السلام رسید. برای مثال، در *انجیل متی* اشاراتی مطرح است که به روشنی به مباحث آینده جهان مربوط می شود؛ از جمله این که: «هر آینه به شما می گویم تا این همه واقع نشود، این طایفه نخواهد گذشت. آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخن من هرگز زایل نخواهد شد. اما از آن روز و ساعت

۱. عهد عتیق، اشعیا، باب ۱۱، بند ۵.

هیچ کس اطلاع ندارد، جز ملائکه آسمان... لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاسی از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند؛ لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می آید. پس آن عالم امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد؟ خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید، او را در چنین کار مشغول یابد! هر آینه به شما بگویم که او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت، لیکن هر گاه آن غلام شریر با خود گوید که: آقای من در آمدن تأخیر می نماید، و شروع کند به زدن هم قطاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، هر آینه آقای آن غلام آید در روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند، و او را دو پاره کرده، نصیبش را با ریاکاران قرار دهد در مکانی که گریه و فشار دندان خواهد بود.^۱

اهمیت این موضوع زمانی برجسته می شود که بدانیم آرمان شهرگرایی در آیین مسیحیت، در قالب سه سرفصل ذیل مطرح شده است:

- آرمان شهر دینی: در باب های ۱۴ و ۱۶ انجیل یوحنا، از واژه ای به نام «پارقلیطا» با رسالتی جهانی سخن رفته که دین و آیین او جاودانه خواهد شد و مسیحیان مؤمن انتظار آن را می کشند.^۲

- آرمان شهر موعودگرایانه: که مؤید آرمان شهر دوران پس از ظهور موعود آخر الزمان و آغاز رجعت و سلطنت هزارساله مسیح است.

۱. انجیل متی، باب ۲۴، شماره ۴۷-۵۰.

۲. مسلمانان معتقدند بر اساس شواهد، مراد از این واژه، همان «احمد»ی است که قرآن با قاطعیت تمام از ابدیت و جهان شمول بودن تعالیم وی سخن گفته است.

مهم ترین اثری که به این موضوع پرداخته، تفسیر *الکنز الجلیل فی تفسیر الانجیل* است که توسط «ویلیام ادی» و با حمایت کلیسای شرقی منتشر شده است.^۱ البته دوره زمانی هزارساله مذکور در کتاب *تفسیر التطبیقی للعهد الجدید* که حاصل کار گروهی علمای مسیحی (بارتون بروس، وهبه ویلیام، بانترز کینیث و...) است، به سه شکل تأویل شده است:

الف. مسیح، یک هزار سال در زمین حکومت خواهد کرد و شیطان در زندان خواهد بود و سپس این دوران به پایان می رسد.

ب. مسیح، یک هزار سال در زمین حکومت خواهد کرد و سپس با مرگ شیطان، جهان به پایان خواهد رسید.

ج. عدد یک هزار، سال رمزی است که به مدت عروج و رجعت مسیح از زمین به آسمان و برعکس اشاره دارد و این مدت، دوران قدرت نمایی کلیساست.

– آرمان شهر سیاسی: آرمان شهری که روحانیت مسیحیت آن را در واکنش به بحران معنویت در میان مسیحیان روم سده های میانی توسط آگوستین قدیس مطرح کرد و بعدها مبنای نظری قدرت کلیسا در قرون وسطی قرار گرفت، ولی با آغاز عصر رنسانس تضعیف شده و طرف دارانش را از دست داده است.

اما از آن جایی که اندیشمندان مسیحی مغرب زمین در قرون اخیر، طرح واره های متعددی از آرمان شهرهای بشری را پیش روی جوامع

۱. تفسیر *الکنز الجلیل فی تفسیر الانجیل*، ج ۵، ص ۱۲۱.

قرار داده‌اند که اغلب از خاستگاهی غیرالهی و آرزوهایی انسان‌گرایانه برخوردار بوده، در این نوشتار تلاش شده تا مبانی آرمان‌شهرگرایی سیاسی مسیحیت، که به طور جدی وام‌دار آرمان‌شهر آگوستین قدیس است، تبیین شود تا از این رهگذر علت شکل‌گیری، اثرات تبعی و در نهایت وانهاده شدن انگاره دینی در مختصات آرمان‌شهرهای پیشنهادی از سوی اندیشمندان متأخر (دوران رنسانس به بعد) جهان مسیحیت، فهمیده شود.

در باب شکل‌گیری آرمان‌شهر «شهر خدا»ی سنت آگوستین باید گفت، در قرن پنجم میلادی (سال ۴۱۰ میلادی) که پایه‌های امپراتوری روم به سستی رو نهاد و شهر روم توسط «گوت‌ها»^۱ به فرماندهی آلاریک^۲ تصرف شد، بسیاری از بت‌پرستان بر ضد دین مسیح به فعالیت پرداختند و این شبهه را طرح کردند که سقوط نظام حاکم در نتیجه ترک ایمان به خدایان سنتی و گرویدن به مسیحیت بوده است. آنان می‌گفتند تا زمانی که مردم روم «ژوپیتر»^۳ را می‌پرستیدند^۴، شهر

۱. قوم گوت‌ها در کنار سایر اقوام ژرمن «آنگل»، «فریزی» و «ساکسون» مجموعاً تمدن آنگلوساکسون را در سده چهارم میلادی ایجاد کردند. آن‌ها پس از بازپس‌گیری انگلستان از رومیان، کشور و ملت انگلستان را پایه‌گذاری کردند. درباره ارتباط گوت‌ها و اعتقاد آن‌ها به مسیحیت باید گفت، پیش از آمدن مسیحیت به اروپا، مردم پیرو مذاهب سلتی و ژرمنی (ستایش و پرستش طبیعت) بودند، اما با رواج مسیحیت در روم و جذب ژرمن‌ها به آیین مسیحیت در دوران پاپ گرگوری کبیر و ازدواج شاه کنت (پادشاه انگلوساکسون‌ها) با شاهزاده‌ای مسیحی، مسیحیت در جزیره انگلستان گسترش یافت و گوت‌ها احترام خاصی برای پیروان مسیحیت قائل شدند.

۲. Alaric.

۳. Jupiter.

۴. ژوپیتر، فرزند ژئوس و از الهه‌های دوران باستان بود که به خدای روشنایی، مدافع

روم نیرومند بود، ولی اکنون که امپراتور از او روی گردان شده، دیگر ژوپیترا از مردم حمایت نمی‌کند.

این استدلال کافران، پاسخی لازم داشت؛ لذا در مسیحیت سده‌های میانه، آرمان شهر آگوستین مقدس، تحت عنوان «شهر خدا» و با اتکا به آموزه‌های مسیحیت تبیین شد. «شهر خدا» که در سال‌های ۴۱۳ تا ۴۲۶ میلادی و در قالب ۲۲ رساله و دو نیمه محتوایی (نیمه اول (رساله‌های ۱ تا ۱۰)، بی‌ثمر بودن پرستش بتان برای سعادت این جهان یا جهان آینده را اثبات می‌کند و نیمه دوم (رساله‌های ۱۱ تا ۲۲) که گزارشی از گذشته، حال و آینده سلسله خدایرستان است) نوشته شده، می‌کوشد نقشه کاملی از تاریخ و نظرگاه مسیحیت، نسبت به گذشته، حال و آینده را ترسیم کند. از این رو، آرمان شهر آسمانی «شهر خدا» با ذکر ملاحظات از غارت رُم آغاز می‌شود و هدف از آن، یادآوری دوران‌های بدتر شهر روم در روزگاران پیش از ظهور مسیح است. آگوستین سپس به کافرانی اشاره می‌کند که در هنگام غارت روم، به کلیسا پناه آوردند تا گوت‌های مسیحی به حرمت کلیسا آن‌ها را نکشند، در حالی که پناهندگان به معبد «یونو» نتوانستند زنده بمانند و این از برکت مسیحیت بود.^۱

او سپس به شهری به نام «شهر خدا» در مقابل «شهر جهان» اشاره می‌کند که اولی مربوط به سرنوشت روحانی انسان و دومی مربوط به

شهر، نماد عدالت، وفاداری و افتخار شهرت داشت و در روم باستان بسیاری از غنائم جنگی به معبد او هدیه می‌شد.

۱. تاریخ فلسفه غرب، ص ۵۰۳.

کالبد مادی او می‌شود. وی بر اساس آموزه‌های آیین مسیحیت یادآور می‌شود که در این دنیا هر دو شهر - زمینی و آسمانی - با هم مخلوط شده‌اند، ولی در دنیای دیگر، آمرزیدگان و مطرودین درگاه خدا، از یکدیگر جدا خواهند شد. لذا در این دنیا ما نمی‌توانیم بدانیم چه کسانی، حتی در میان آنان که به ظاهر دشمن ما هستند، سرانجام به صفِ آمرزیدگان خواهند پیوست.^۱

او علت دوری بشر از سعادت را در گناهان انسان خلاصه می‌کند و می‌افزاید: «اجداد نخستین ما اگر مرتکب گناه نمی‌شدند نمی‌مُردند، ولی چون مرتکب گناه شدند همهٔ اعقاب آن‌ها می‌میرند. خوردن سیب (شجرهٔ ممنوعه) نه فقط مرگ طبیعی، بلکه مرگ ابدی، یعنی لعنت را نیز باعث شد.»^۲

لذا آگوستین معتقد است برای تقرب به آرمان شهر «شهر خدا» می‌بایست مردمان، خود را در اختیار شهر خدا قرار دهند و از قوانین آن پیروی کنند تا به قدرت و حکومت آرمانی برسند. وی سپس در مقام اثبات نظر خود می‌گوید: منشأ وحدت و پاکی حواریون و قدرت کلیسا همه از شهر خدا بوده و اتصال به آن می‌تواند منشأ قدرت صالحان باشد؛ موضوعی که بعدها مبنای نظری قدرت در حوزهٔ کلیسا را ایجاد کرد.^۳ آگوستین مدعی بود برای هدایت جامعه به آرمان شهر آسمانی شهر خدا می‌باید حکومت‌ها به عنوان بازوی دنیوی کلیسا،

۱. همان، ص ۵۰۴.

۲. همان، ص ۵۰۷.

۳. سیر فلسفه در اروپا، ۱۰۶.

مسئولیت اداره جوامعی را که در آن علایق «روحانی» برتر از علایق دیگر است بر عهده بگیرند، چراکه حکومت‌ها بر اساس شهر خدای آگوستین می‌باید تابع نیروی لایزال الهی باشند و علی‌رغم آن‌که کلیسا از حکومت جداست، ولی حکومت‌ها برای اتصال به آرمان شهر شهر خدا و بهره‌مندی از مواهب آن می‌باید در تمام امور مذهبی از کلیسا متابعت کنند، زیرا همان‌طور که روح بر جسم مقدم است، دین و عقیده هم مافوق حکومت (قدرت عرفی) است. این دیدگاه بعدها با عنوان نظریه «تئوکراسی» به معنای «حکومت کلیسا» شهرت یافت و در دوران رنسانس در حاشیه قرار گرفت، اما هم‌چنان به عنوان دیدگاهی مهم در تاریخ فلسفه سیاسی مسیحیت شناخته می‌شود.

۳. آرمان شهرخواهی در اسلام

دین اسلام، به سبب رویکردهای خاص توحیدنگر خود، صفات و ویژگی‌های مشخصی را برای آرمان شهر قائل است. به بیانی دیگر، یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره در آموزه‌های اسلامی مطرح شده، مسئله «آخرالزمان» و تشکیل حکومت آرمانی است، که برغم اختلافات نظری، هم‌چنان از امور مسلم و بدیهی مسلمانان به شمار می‌رود؛ چنان‌که قرآن کریم نیز وعده داده است:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۱ و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های

۱. قصص: ۵.

با ارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم.

از سوی دیگر، قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، از جانب خدا بیانگر این امر است که اسلام سراسر دنیا را فرا می گیرد و اسلام حقیقی با ظهور امام زمان علیه السلام و هدایت ایشان در همه جا پیروز می گردد.^۱

به عنوان مثال ابوداود و ترمذی به نقل از ابن مسعود، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده اند: «قیامت منقضی نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من به سلطنت رسد و او زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از ظلم شده باشد.»^۲ همچنین چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت - ابن حجر شافعی مؤلف *القول المختصر*، ابوالسرور احمد بن ضیاء الحنفی، محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی - در جواب استفتائی، به صحت اصل ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان و این که عالم را پر از عدل و داد کند و عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا نماید و اوصاف دیگر آن حضرت، رسماً فتوای مستدل و قاطع داده اند.^۳

علامه طباطبائی نیز در تفسیر *المیزان* درباره آیات ۳۶ الی ۳۸ سوره مبارکه حجر می نویسد: «با این که شیطان از خدا تا قیامت مهلت می خواهد، اما مهلت الهی تا وقت معلوم است.»^۴ لذا چنین استنباط

۱. ر.ک: انبیاء: ۱۸ و رعد: ۱۷.

۲. «لَا تَنْقُضِي السَّاعَةَ حَتَّى يَمْلِكَ الْأَرْضَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّيْتُ قَبْلَهُ جَوْرًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ»؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ج ۳، ص ۲۸۱.

۴. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

می شود که شیطان از این مهلت که در برخی روایات تا روز قیامت و در پاره ای دیگر تا هنگام ظهور است، از طریق خدعه و فریب می کوشد تا انسان را از آرزوهای سازنده و حرکت در مسیر دست یابی به آرمان شهر الهی بازدارد و با جایگزین ساختن آرزوهای غیرسازنده، فرصت حرکت به سمت آرمان های متعالی را از وی سد کند. اما با آغاز عصر ظهور و تحقق آرمان شهر مورد آرزوی بشر، دیگر شیطان ابزار تسلط خود بر انسان ها را که همان القای وسوسه های نفسانی، از طریق طرح آرزوهای بازدارنده در ذهن افراد است، از دست خواهد داد، زیرا بشر معاصر با دوران مدینه فاضله، تمامی آرزوهای خود را محقق می یابد و کمتر انگیزه ای برای پیروی از شیطان و وسوسه های آن دارد. به همین دلیل در اعتقادات شیعه در چنین زمانی، جامعه آرمانی در سراسر دنیا پایه ریزی می گردد و جهان آکنده از بی عدالتی، جنگ و خون ریزی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام به پرهیزگاران ارث می رسد.

لذا در باب استنباط نگاه کلی اسلام به مسئله آرمان شهر می توان گفت؛

منابع دینی (قرآن و سنت) بر تحقق آرمان شهری در آخرالزمان تأکید دارند.

زمام امور در آرمان شهر بدست مستضعفان زمین خواهد افتاد.

در دوران تحقق آرمان شهر اسلامی، عدالت فراگیر خواهد شد.

مهمترین ویژگی جامعه آرمانی اسلامی تبدیل یکتاپرستی به ارزشی جهانی و رشد بشر در همه جهات مادی و معنوی است.

در آرمان شهر اسلامی اختلافات مذهبی از میان می رود.

بر اساس محورهای فوق در ادامه تلاش خواهد شد تا برخی نظریات شاخص در حوزه آرمان شهرخواهی مسلمانان، از دریچه اندیشمندان مسلمان مورد بحث و نظر قرار گیرد تا بدین وسیله؛ میزان اثرپذیری آنها از تعالیم اسلامی در موضوع آرمان شهر، قابل استنتاج شود.

۳-۱. ابونصر فارابی

در فرهنگ اسلامی به جای واژه «اتوپیا» غالباً از «مدینه فاضله» استفاده می گردد که نقطه مقابل مدینه های غیرفاضله است. این مدینه ها خود اقسام دارند از جمله؛

مدینه ضروریه	نزاله
خسیسه	کرامیه
تغلیبیه	جماعیه
فاسقه	ضاله ^۱

فارابی، اولین متفکر مسلمان است که با تلفیق آراء اندیشمندان ایرانی، یونانی و اسلامی، به تفصیل، به موضوع مدینه فاضله پرداخته است. وی اندیشه شهر آرمانی خود را در دو کتاب **سیاست مدنیه** و **الفصول المنتزعه** تبیین کرده و به پیروی از افلاطون، «حکمت» را رکن اصلی مدینه فاضله معرفی می کند. او همچنین برای آرمان شهرش ارکانی را برمی شمارد^۲ و به تبعیت از افلاطون، جامعه را همچون بدنی

۱. ر.ک: اندیشه های اهل مدینه فاضله، ص ۱۷۰-۲۴۰.

۲. سیاست مدنیه، ص ۳۳.

توصیف می‌کند که تمام اعضای آن به هم مرتبط است و برای تکامل باید اجزای آن را همگرا کرد.^۱ به بیان دیگر، انسان‌های مدینه فاضله فارابی، تابعی از سه عامل اصلی هستند:

۱. دنیای درونی که تحت تأثیر مستقیم عقل فعال، بشر را به سوی انتخاب‌هایی می‌برد که با استعداد‌های شخصی و غرائزشان متناسب است. این انتخاب‌ها، در چارچوب نظام مدنی متعالی مورد نظر فارابی صورت می‌گیرد.

۲. دنیایی که ابعاد عوامل مؤثرش بر انسان ناشناخته است و بر او حکومت می‌کند.

۳. نظام اجتماعی؛ نظامی که نابرابری‌های کاربردی، تک‌تک آن‌ها را در جامعه جمعی مستهلک می‌کند و هر کس را در مسیری قرار می‌دهد که در عین تعاون و هم‌زیستی، راه پیشرفت فردی خود را از نظر دور ندارد.

لذا جامعه فاضله فارابی را جمعی از افراد انسانی با قدرت کنش و واکنش اجتماعی تشکیل می‌دهند. آن‌ها نظام واحدی را ایجاد می‌کنند که دارای سلسله‌مراتب طولی است. بدین معنا که منزلت و پایگاه افراد بر اساس طبیعت آنان و آداب و رسوم که کسب کرده‌اند، مشخص می‌شود. نظام جامعه از رئیس اول - که خادم و مرئوس هیچ‌کس نیست - شروع و به آخرین مرتبه هرم اجتماعی - که فقط خادم است و رئیس کسی نیست - پایان می‌یابد.^۲

۱. فصول المنتزعه، ص ۲۸.

۲. اندیشه سیاسی فارابی، ص ۲۳۰.

البته دیدگاه فارابی در بحث مدینه فاضله، با انتقاداتی نیز مواجه است که از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. وجود طبقه ای که فقط خدمت می کند در کنار طبقاتی که فقط ریاست می کنند، می تواند از دید بعضی متفکران نشان دهنده بی عدالتی باشد.

ب. فارابی در عین حال درباره معادشناسی، مباحثی را درباره «تناسخ» مطرح می کند که می تواند در محدوده اندیشه متفکران دینی واکنش برانگیز باشد.^۱

۲-۳. ملاصدرا

بر اساس دیدگاه ملاصدرا، آرمان شهر آخرالزمانی به وقوع خواهد پیوست و از آن جایی که هبوط آدم به زمین به منظور بازپروری و تقویت و استواری عزم و اراده اش بوده، می توان انتظار داشت که آرمان شهر مطلوب انسان در همین جهان مادی محقق شود.^۲ وی در حکمت متعالیه اظهار می دارد که قائل به حرکت جوهری و وحدت تشکیکی وجود است و تمام موجودات را در حال مسافرت و حرکت به سوی کمال می داند.^۳ او معتقد است اگر طبیعت در تمام درجات مادی خود، نتواند به کمال مطلوب برسد، در اصل نتوانسته به نوع اشرف خود برسد که این ضعف در تحقق استعدادهای ذاتی مخلوقات است.

۱. «رویکرد فلسفی به ادبیات بر اساس نگاه فارابی به مدینه های غیرفاضله»، فلسفه و کلام، ش ۲، ص ۱۶۵.

۲. المفاتیح الغیب، ص ۶۴۶.

۳. همان، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۷۳.

۳-۳. علامه طباطبائی رحمته الله علیه

آرمان شهرها به دلیل تصویر جامعه آرمانی و تضمین سعادت و خوش بختی بشر، بخش مهمی از آرزوهای آدمی را به خود اختصاص داده اند و از آن جایی که آرزوی سعادت و خوش بختی بر اساس اندیشه اسلامی، جز در سایه تلفیق مفاهیم معنوی و مادی امکان پذیر نیست، دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز از این قاعده پیروی کرده و همواره جوامع آرمانی مورد آرزوی خود را در جوامعی هم سو با منافع و مواهب مادی و معنوی به تصویر کشیده است. از اینرو؛ علامه طباطبائی، صاحب تفسیر ارزشمند *المیزان* نیز، با توجه به تمایلات و تمنیات درونی بشر در باب آرزوی تحقق عدالت، دستیابی به حقیقت، اهمیت تبیین خیر و شر، برابری و برادری، مفاهیم عقلانی، شیوه های رستگاری آدمیان، مشخصات حکمرانان آرمان شهر و... کوشیده تا در حاشیه تفسیر آیات مربوط به جامعه آرمانی عصر مهدوی، به ترسیم ویژگی های آرمان شهر مطلوب بپردازند.

در دیدگاه علامه، قرآن کریم مدعی ثبت و ضبط و اشراف خداوند بر همه امور است: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا زَرْعٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^۱؛ و کلیدهای غیب فقط نزد اوست، و کسی آن ها را جز او نمی داند. و به آنچه در خشکی و دریاست، آگاه است، و هیچ برگی نمی افتد مگر آن که آن را می داند، و هیچ دانه ای در

۱. انعام: ۵۹.

تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آن که در کتابی روشن [ثبت] است، مسئله پایان تاریخ نیز از این قاعده مستثنا نبوده و آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند. و آیه ۵۵ سوره نور: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیم شان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسقند، مؤید پایانی روشن برای جهان است؛ به طوری که فرجام جهان با حکومت شکوهمند انسان کامل و تحقق وعده ارث بری زمین برای مستضعفان و مؤمنان محقق خواهد شد.

البته این آرمان شهر از منظر علامه، دارای صفات و ویژگی های منحصر به فردی در اندیشه اسلامی است که با بهره گیری از منابع و مراجع مربوط به اصول و ارزش های اسلامی و نیز سنت و سیره رسول

اکرم علیه السلام و روایات رسیده از معصومان علیهم السلام، می‌توان به درک روشنی از آن نایل شد از جمله:

تحقق کامل عدالت در جامعه آرمانی: برخلاف دیدگاه برخی مکاتب فلسفی در غرب از جمله سوفسطاییان و نیز نیچه که مدعی‌اند چون انسان به دنبال قدرت و لذت خویش است، اساساً میلی به عدالت ندارد، باید گفت از منظر اسلام عدالت و مشتقات آن از جمله اعتدال، از مفاهیم راهبردی در تبیین آرمان شهر اسلامی به شمار می‌رود و حتی قرآن کریم، یکی از سنت‌های الهی را احقاق حق و برقراری عدل و قسط دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»^۱؛ به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد... و در جایی دیگر هدف از مبعوث کردن پیامبران را حاکم کردن سوق دادن جوامع به سوی قیام برای احیای عدل و قسط عنوان کرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»^۲؛ همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند... لذا نمی‌توان به رغم وجود چنین شواهد و قرائنی از تأکیدات مصرح قرآنی بر اصل حیاتی عدل، انتظار تحقق آرمان شهری الهی و اسلامی را داشت که در آن آرزوی دیرینه بشر برای دست‌یابی به عدل و قسط در درجه دوم اهمیت قرار داشته باشد.

۱. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲. نحل: ۹۰.

۳. حدید: ۲۵.

تبری جستن جامعه آرمانی از پلشتی و ناپاکی؛ تأکید بر طهارت معنایی و محتوایی در ظاهر و باطن جامعه، جزء ویژگی های آرمان شهر اسلامی است که نشان از مبرّأ بودن آن از بیماری، ناهنجاری و تهدید است؛ لذا در بسیاری از احادیث مرتبط با عصر ظهور، شاهد اشارات و نویدهایی در خصوص حاکم شدن اخلاقیات انسانی در جامعه عصر ظهور هستیم؛ برای مثال در عصر ظهور، دروغ و کبر و حرص که سرمنشأ بسیاری از ظلم ها و ستم ها هستند، از بین می روند و یا این که کینه ها از دل ها بیرون می روند و انسان ها در صفا و صمیمیت زندگی می کنند.^۱

ارزش شمرده شدن بندگی خدا در جامعه؛ از آن جا که بر اساس آیه ۵۶ سوره «ذاریات» از جمله دلایل آفرینش انسان، ذکر و تسبیح خالق متعال و در یک کلام «بندگی» عنوان شده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ و جن و انس را جز برای این که مرا پرستند نیافریدیم، از اهداف آرمان شهر اسلامی نیز می توان به فراگیر شدن فرهنگ تذکر و یادآوری حضور خدا در همه ابعاد جامعه پی برد.

حاکم بودن فرهنگ اصلاح گری بر جامعه؛ بر اساس آیه ۵۶ سوره مبارکه اعراف: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»؛ و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است، که درباره وظیفه بندگان در رابطه با یکدیگر است، علامه معتقدند بندگان باید

۱. «ظهور موعود پاسخی به عدالت خواهی بشر»، حدیث زندگی، ش ۱۷، ص ۴۷.

به اصلاح امور مردم و ریشه کنی ظلم از بین آنان و نیز التزام جامعه به رعایت تقوا اقدام کنند: «چون حقیقت دین در رابطه با حقوق مردم، چیزی جز اصلاح شئون زندگی و رفع مظالم از بین آنان نیست.» لذا از مجموع مطالب علامه چنین می توان استنباط کرد که یکی از ویژگی های جامعه آرمانی، در حاکم شدن فرهنگ فسادستیزی و اصلاح شئون زندگی مردم از مظالم است.

یادآوری نعمت های الهی در جامعه آرمانی: علامه طباطبائی در معنای شکر می فرماید: «شکر عبارت است از به کار بستن هر نعمتی در جای خودش، به طوری که نعمت، ولی نعمت را بهتر و انمود کند.»^۱ و لذا آرمان شهر اسلامی، شهر شکر و بهره گیری مناسب از ودیعه های الهی است.

لذا در بیان کلی می توان گفت، توجه به مفاد آیات اجتماعی و اعتقاد به آینده روشن بشر، سبب شکل گیری دیدگاهی آرمان شهرگرایانه در تفسیر المیزان شده که مهم ترین دست آورد آن، امیدبخشی به بشر در باب تحقق جامعه آرمانی است؛ جامعه ای که شاخصه ها و ویژگی های کلیدی آن را می توان از تفسیر آیات قرآنی به خوبی احصا کرده و آن ها را به اشکال مختلف صورت بندی کرد.

۳-۴. آیت الله مصباح یزدی

آیت الله مصباح یزدی ذیل مجموعه مباحث جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن که به بحث «جامعه آرمانی» یا همان حکومت جهانی

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۱.

آخرین ذخیره الهی اختصاص دارد، برخی از مبانی عقلی و استدلالی ضرورت و امکان تحقق آرمان شهر مهدوی در آینده تاریخ را به اثبات رسانده اند.

آیت الله مصباح یزدی در مقدمه تبیین علل گرایش بشر به مقوله آرمان شهر یا همان جامعه آرمانی، به وجود عنصر آرزومندی و کمال گرایی در بطن انسان اشاره می کند و معتقد است این مسئله از بدو تاریخ همراه بشر بوده است:

از قدیم ترین ازمینه تاریخ بشری تاکنون، تصور ایجاد «جامعه آرمانی» همیشه تعدادی از دانشمندان و اندیشه وران جهان را مجذوب و مفتون می داشته است. از این رو، هریک از آنان طرحی جداگانه برای جامعه آرمانی تدوین و ارائه کرده است. در میان کهن ترین معماران جامعه آرمانی، نام افلاطون از همه مشهورتر است. وی در سرتاسر رساله جمهوری و در بخش هایی از رسالات تیمائوس و کریتیاس خود، طرح «مدینه فاضله» خویش را عرضه کرده است. بعد از او، دانشوران و اندیشمندان بسیاری در جهان اسلام، از جمله فارابی در کتاب آراء أهل المدینه الفاضله، ابوالحسن عامری در کتاب السعادة و الاسعاد، و نظامی گنجه ای در کتاب اسکندرنامه، به تصویر جامعه های آرمانی خود پرداختند. در دنیای مسیحیت نیز انبوهی از نویسندگان به این کار اقدام کردند؛ آگوستین قدیس در شهر خدا، توماس مور در لامکان

(یا ناکجا آباد یا هیچ کجا) و فرانسیس بیکن.^۱

سپس در مقام نفی انتقادات وارده به اصل موضوع آرمان شهرگرایی و نیز اتهامات مطروحه علیه آرمان شهرگرایان تاریخ مبنی بر خیال پردازی، می افزاید:

طرح نقشه جامعه آرمانی نه مضر است و نه لغو؛ مشروط بر این که دارای سه ویژگی باشد: اول این که، کاملاً واقع بینانه باشد و حقایق زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد. دوم این که، همراه با ارائه طریق باشد؛ یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند، بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان دهد. سوم این که، اهدافی را، اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف های واسطه، برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا سهل الحصول تر بودن پاره ای از مراتب آن ها، شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آن ها را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند، و از این گذشته، عدم وصول به کمال مطلوب بدین معنا نباشد که هیچ کاری انجام نشده و هیچ پیشرفتی حاصل نیامده است.^۲

لذا به زعم آیت الله مصباح یزدی، هر آرمان شهری که چنین خواصی را در بطن خود داشته باشد، می تواند فواید و منافع عظیمی برای جامعه بدنبال بیاورد که مهم ترین این فواید تعیین هدف در فعالیت های

۱. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۵۳.

۲. همان، ص ۴۱۲-۴۱۳.

اجتماعی است، زیرا هر عمل عقلایی باید هدفی داشته باشد. با این توضیح مشخص می شود که در منظومه فکری آیت الله مصباح یزدی، آرمان شهرگرایی از مقامی منیع برخوردار است، مشروط به آن که بتواند سمت و سوی جامعه را به سوی هدفی مشخص تغییر دهد.

ایشان در ادامه بحث خود پیرامون «جامعه آرمانی»، به جامعه ایده آل اشاره می کنند که در آن «حداقل، عصیان به خدای متعال، آشکارا و علنی صورت نمی پذیرد و مردم چنان تربیت می شوند که حتی در نهان و خلوت نیز معصیت نکنند»^۱ به بیان دیگر، گناه کمتر و یا عدم گناه به طور شهودی، باعث معرفت بیشتر به خدا و ماوراء الطبیعه می گردد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...»^۲؛ ای اهل ایمان اگر در (همه امورتان) از خدا پروا کنید برای شما (بینایی و بصیرتی ویژه) برای تشخیص حق از باطل قرار می دهد.

ایشان در تبیین مبانی نظری تحقق چنین جامعه ایده آلی معتقدند عدم گناه علنی در آن می تواند منجر به تقویت باورهای درونی و ایمان به خداوند و در نهایت، تحدید گناه در حریم خصوصی و نهان افراد شود؛ موضوعی که تحت عنوان «عقلانیت دینی» و حاکم شدن آن در جامعه به عنوان پیش نیاز تحقق جامعه آرمانی، قابل تفسیر است:

عقلانیت دینی، هر فرد را در برابر طبیعت و همه موجودات مسئول می داند: «در مورد بندگان خدا و شهرهایش، تقوای الهی را رعایت کنید، زیرا شما حتی نسبت به زمین ها و

۱. همان، ص ۴۱۳.

۲. انفال: ۲۹.

حیوانات نیز مسئولید.»^۱ و ارتباط فرد با دیگران را بر اساس دو اصل «قسط و عدالت» و «احسان» ضابطه مند می نماید و روابط آدمی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی، خانواده و حقوق سامان می بخشد.^۲

لذا هنگامی که عقلانیت دینی در جامعه ای حاکم شد، به تبع آن خانواده و سپس جامعه اصلاح خواهند شد و در نهایت ظهور و بروز گناه در علن، محو و در خفا نیز به دلیل تقویت باورهای دینی و فردی، تقلیل می یابد و بدین ترتیب جامعه آرمانی محقق شود. جامعه ای که بر اساس توصیفات مذکور، علاوه بر آرمانی بودن، جامعه ای توحیدی نیز خواهد بود، چراکه به رغم وجود تعاریف مختلف جامعه شناسان از جامعه و عدم دستیابی آنان به تعریف اصطلاحی واحد، جامعه را می توان «در مورد هر گروهی که وجه جامع و جهت وحدت» داشته باشند، به کار برد^۳. جامعه ای که معیار ایجاد آن، نه زیست گاه مشترک و نه تقسیم کار مرتبط به یکدیگر و نه وجود یک نظام سیاسی و یا زیستن در زمان مشترک^۴، بلکه متکی به ارزش های الهی و اجرای آن ها است. او با فرض تحقق شرط «حاکم شدن عقلانیت دینی در جامعه» معتقد است؛ خصوصیاتی در «جامعه توحیدی» به وجود خواهد آمد که آن را مبدل به جامعه آرمانی می کند. مهم ترین این خصایص

۱. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالتَّهَائِمِ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۲. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۳-۴۲۰.

۳. همان، ص ۲۱.

۴. همان، ص ۲۱-۲۹.

عبارتند از:

- افراد به ارتباط خویش با خالق هستی معرفت پیدا کنند
(نفی اندیشه اومانستی)؛

- افراد جامعه، خود را امانت دار الهی می دانند و در همه امور
رضای خدا را طلب کنند (فراگیر شدن بندگی و تحقق هدف
آفرینش از خلقت)؛

- افراد جامعه می دانند که امانت دار الهی هستند و جهانی که
در آن زندگی می کنند، ملك مطلق آن ها نیست (نفی سلطه
بر طبیعت)؛

- رفتار و ارتباط افراد جامعه با یکدیگر، بر مبنای قسط و
عدالت باشد (نفی استثمار و سلطه بر دیگران).

لذا جامعه آرمانی، همان جامعه ای است که ارزش های توحیدی
در آن حاکم شده و عقلانیت دینی در آن بروز پیدا کرده باشد و افراد
آن بهره مند از چهار خصوصیت مزبور باشند. چنین جامعه ای آرمانی
خواهد بود و به استناد منابع روایی و اسلامی، وقوع آن قطعی و
حتمی است؛ البته چنین جامعه ای تا زمان فقدان حضور انسان های
کمال یافته در جوامع، فقدان حاکم معصوم، و عدم تحقق حکومت
جهانی، قابل تحقق نخواهد بود.

۵-۳. آیت الله جوادی آملی

دین اسلام و متن قرآن کریم با تمام محتوای متعالی اش، چشمه ای
جوشان در تنظیم حیات اجتماعی بشر است و عالمان و فرهیختگان
کوشیده اند به عنوان منبعی الهام بخش از این چشمه جوشان بهره

ببرند؛ لذا کم نیستند علمای بزرگی از شیعه و اهل سنت، که به علت دغدغه مندی در مباحث اجتماعی، به قرآن رجوع کرده و با نگارش تفاسیری ملحوظ به موضوعات اجتماعی، نیازهای جامعه را پاسخ گفته اند؛ به طوری که در بخش تفاسیر جهان تشیع می توان به: *المیزان فی تفسیر القرآن*، (علامه طباطبائی)، *تفسیر نمونه* (آیت الله مکارم شیرازی)، *پرتوی از قرآن* (آیت الله طالقانی)، *جامعه در قرآن* (آیت الله جوادی آملی) و در میان تفاسیر اهل سنت به: *تفسیر المنار* (رشید رضا) و *فی ظلال القرآن* (سید قطب) اشاره کرد.

به همین دلیل، نظریات حضرت آیت الله جوادی آملی، به لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی و ارائه تفسیری کاربردی از متن قرآن کریم در تبیین موضوعات اجتماعی، از جمله دغدغه آرمان شهرگرایی، به صورت ویژه تری مورد توجه اهل فن قرار گرفته است. چه آن که تفسیر علامه جوادی آملی توانسته شاهی زنده بر توان قرآن کریم در ارائه تصویری از آینده ای حتمی، متقن و مبتنی بر ارزش های جامعه سالم و فاضله در تفسیر آیاتی چون موارد زیر باشد:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱؛ و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند، که در آن با افراد جز به عدالت و برادری رفتار نمی شود و نفسانیات و تمایلات در غل و زنجیرند و بهره وری از حیات بشری به حد اعلای خود می رسد.

۱. انبیاء: ۱۰۵.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱؛ ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند، منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم.

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی آرمان شهر نهایتاً در قامت جامعه مهدوی محقق خواهد شد و مصادیق و موازین آن نیز نه تنها بر اساس منابع روایی و قرآن قابل احصا است، بلکه تحقق جلوه‌ای از آن و اثرات سازنده‌اش بر اجتماع پیشا آرمان شهر (جامعه پیش از عصر ظهور) نیز قابل رصد است. لذا بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی، آرزوی نیل به آرمان شهر مطلوب، آن هم با مختصات که در منابع دینی برای آن ذکر شده، در حیطه ذهن محدود نمانده و به رغم تأکیدات موثق دینی مبنی بر تحقق حتمی حکومت مهدوی، ایشان بشر را به مجاهدت به منظور تسریع و تسهیل در امر ظهور و ایجاد آرمان شهر مهدوی ترغیب می‌کند، چرا که معتقد است:

الف. انگیزه نهایی بعثت پیامبران، پیروزی دین خدا بر همه مکتب‌های باطل و منسوخ بوده: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند. و «مهم‌ترین عامل تحقق چنین

۱. قصص: ۵.

۲. توبه: ۳۳؛ صف: ۹.

حکومتی نیز رهبری انسان های کامل معصوم - به ویژه وجود

مبارک حضرت مهدی علیه السلام - است.^۱

ب. رهبری آرمان شهر اسلامی بر اساس نظر مزبور، می باید از دو ویژگی محوری برخوردار باشد:

۱. بُعد علمی که رأی او بر قرآن عرضه می شود (یعنی رسالت حراست از وحی و اقامه معارف آن)؛

۲. بُعد عملی که هوای نفس و... را تابع هدایت قرار می دهد (یعنی رسالت حراست از سلامت عقل و بصیرت بشریت).

ج. ظهور این ویژگی ها در سیره حضرت حجت علیه السلام به عنوان رهبر آرمان شهر آخرالزمانی، به استناد منابع روایی و دینی قطعی است.

د. می توان آرزوی حضور و درک آرمان شهر «مدینه فاضله مهدوی» را پیش از تحقق نیز تصویر کرد تا امر تحقق آرمان شهر غایی در عصر مهدوی تسریع و تسهیل شود؛ موضوعی که به زعم ایشان در آئینه نظام جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده بوده و مبانی اثباتی آن عبارتند از این که:

- واجبات و محرمات مقطعی در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله، به دست خود حضرت بوده است و در زمان معصومین علیهم السلام به دست آن ها و در زمان غیبت، به دست کسی که نایب ائمه معصومین علیهم السلام خواهد بود.^۲

- انقلاب مهدوی و انقلاب اسلامی هر دو نقطه عطف تاریخ

۱. امام مهدی، موعود موجود، ص ۹۴.

۲. مجموعه سخنرانی ها پیرامون ولایت فقیه، ص ۹۴.

اند که به تغییر کل جهان و نظام طاغوتی آن، منجر می شود.
- در هر کدام از این دو انقلاب، قلب های انسان ها دگرگون می شود. این تحول قلوب، بر اساس آیه کریمه ﴿... يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...﴾^۱ در جهت هدایت انسان هاست.^۲

- در نظام اسلامی عصر غیبت نیز رهبری، نقش اساسی را ایفا می کند و اعتبار و مشروعیت همه ساختار و ارکان نظام به اوست.

- ویژگی های این دو نظام اسلامی در عصر ظهور و غیبت نیز، با تفاوت درجات و توجه به اختصاصات آن ها، در مسیر هم هستند.

- شاخصه های فردی (جامعه یا مسئولان) مشترک در مدینه فاضله مهدوی و الگوی نظام اسلامی عبارتند از: ۱. تخصص و تعهد، ۲. اتقان و پایداری در مسئولیت، ۳. اخلاص در کار، ۴. تناسب فرد با مسئولیت، ۵. خلاقیت، ۶. نظم و محاسبه گری، ۷. اصلاح و تحول به منظور پیشرفت، و ۸. هدف مند بودن.^۳

لذا ایده «مدینه فاضله مهدوی» در اندیشه علامه جوادی آملی به عنوان مفسری اجتماع نگر، نه تنها ذهنی نیست، بلکه به استناد منابع روایی، قطعی و حتمی است و حتی می توان جلوه ای از آن را بر مبنای مجاهدت های مؤمنانه در دوران پیش از تحقق آرمان شهر مهدوی

۱. انبیاء: ۷۳.

۲. امام مهدی، موعود موجود، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، انتظار موعود، ش ۳۰، ۱۳۸۸.

مجسم کرد، همانند؛ وقوع انقلاب اسلامی در ایران. بر اساس آنچه گفته شد می توان استدلال کرد که وجود آدمی در اندیشه آرمان شهرخواهان مسلمان، موجودی دارای کمالات مادی و معنوی و دارای جایگاهی ویژه و برتر در نظام هستی و عالم طبیعت است. به همین سبب از او با عناوین «خلیفة الله»، «رئیس مدینه فاضله» و «حاکم» تعبیر شده و انسان به دست یابی آن در همین جهان مادی نیز قادر است؛ موضوعی که علاوه بر شکل دادن آرزوی اندیشمندان، زیرساخت آرمان شهر مورد انتظار این گروه از یکتاپرستان است.

آرمان شهرخواهی در سپهر اندیشه غرب

در طول تاریخ تمدن غرب آراء متعددی پیرامون «آرمان شهر مطلوب» مطرح شده که وجه مشترک تمام آنها در نگرش آرزومندانه و منتقدانه نسبت به وضع موجود است. موضوعی که باعث مانایی آرمان شهرهای مطروحه در گذر زمان شده است. لذا برای آشنایی بیشتر با نظریات آرمان شهر گرایانه در غرب، به بررسی نمونه های شاخص آن در هر عصری می پردازیم:

۱. آرمان شهرخواهی در عصر باستان

افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ ق.م) از نخستین نظریه پردازان آرمان شهرگرا است. وی در سراسر رساله جمهوری و در بخش هایی از رساله تیمائوس و کورتیاس، طرح مدینه فاضله خود را عرضه می کند. البته توجه به این

نکته ضروری است که آرمان شهرگرایی در اندیشه افلاطون را می توان در دو شکل متفاوت جست و جو کرد:

۱- اتوپای مشهور **جمهور** (آرمان شهر مورد آرزو و محقق نشده رساله **جمهور**)؛ بر مبنای ترسیم افلاطون از آرمان شهر رساله **جمهور**، اساس جامعه ی ایده آل مبتنی بر نظام طبقاتی است. در این جامعه مردم دو گروه «طبقه پاس داران» و «توده مردم» تقسیم می شوند. طبقه پاس داران خود به دو گروه «فرمانروایان» و «جنگ آوران» تقسیم می شوند.^۱ که به اعتقاد وی انسان هایی کارآزموده، مجرب، مستعد و بهره مند از فضیلت ذاتی نسبت به سایر توده مردم هستند.^۲

۲- آتلانتیس گرایی (آرمان شهر گم شده مورد اشاره در رساله **تیمائوس** و **کرتیاس**)؛ هم چنین افلاطون به آرمان شهر گم شده دیگری نیز با نام «آتلانتیس» یا همان جزیره گم شده ای اشاره می کند که درباره آن نظریات گوناگونی مطرح شده است؛ به طوری که:

الف. عده ای آرمان شهرگرایی افلاطون را متأثر از الهام گیری اسطوره های عصر یونان بوستان و آموزه های تورات است. این گروه از صاحب نظران بر اساس تحلیل دکتر علی شریعتی از عصر میتولوژی یا عصر اسطوره گرایی در یونان باستان، مدعی اند بخش مهمی از اسطوره های یونان، در واقع همان شخصیت های کتاب تورات هستند. برای نمونه، ماجرای «پرومته و زئوس» که همان ماجرای

۱. تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص ۲۲.

۲. جمهور، ص ۲۲۰.

ابلیس و وسوسهٔ آدم و حوا در خوردن میوهٔ درخت ممنوعه در تورات است. هم‌چنین ماجرای «ونوس، کیوپید و سایکه» در اسطوره‌های یونان، همان داستان یعقوب و یوسف و زلیخای مورد اشاره در تورات است. بنابراین، آتلانتیسِ افلاطون نیز می‌تواند همان سرزمین موعودِ محقق شده، اما از بین رفتهٔ ملک سلیمان نبی ﷺ باشد که در آموزه‌های قوم یهود نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به زعم این گروه از صاحب نظران، افلاطون انسان را در میانهٔ دو آرمان شهر می‌یابد که یکی در گذشته بوده و امروز نیست و دیگری می‌تواند در آینده محقق شود؛ لذا انسانِ مخاطبِ افلاطون می‌تواند به دنبال آتلانتیس (سرزمین موعود) باشد یا خود به ایجاد جامعهٔ آرمانی همت گمارد.

ب. گروهی معتقدند افلاطون در توصیف جامعهٔ کامل، بسیار تحت تأثیر نظریات مبتنی بر روان‌شناسی و زیست‌شناسی عصر خود قرار داشته است، چراکه روان‌شناسی عصر افلاطون مبتنی بر این بوده که هر انسانی مرکب از دو جزء است: بدن و نفس. به این ترتیب آنچه انسان را کامل و بافضیلت می‌سازد، کمال توأمان جسمانی و نفسانی است. به بیان دیگر، افلاطون برای نفس آدمی مانند اعضای بدن، سه قسمتِ ذیل را قائل بوده است:

- سر به عنوان «مظهر عقل و تفکر»، نماد حکومت؛
- سینه به عنوان «مظهر خواست و اراده»، نماد قوای انتظامی؛
- پایین تنه به عنوان «مظهر میل و تمنا»، نماد سربازان، دهقانان و

شهروندان.^۱

۲. آرمان شهرخواهی در عصر رنسانس

در قرون وسطا به علت مخالفت کلیسا با آرمان شهراندیشی، آرمان شهرهای بسیار محدودی ترسیم شده است. از مهم ترین آرمان شهرهای مسیحی می توان به «شهر خدا»ی آگوستین اشاره کرد که مسائل اخلاقی بشر را مطرح و راه حل آن ها را با توجه به تعالیم مسیحی بیان می کند.^۲

پس از قرون وسطا و آغاز عصر رنسانس، آرمان شهرها تحت تأثیر موج مدرنیته از ابعاد انتزاعی و آسمانی فاصله گرفته و رنگ و بوی مادی بیشتری پیدا کردند و انسان را در کانون توجه قرار دادند. از این رو، قرائت های جدیدی از «اتوپیا» توسط «آگوست کنت» و یا «اریک فروم» مطرح شد که پایه آنها، انسان محوری و نفی و تقابل با ادیان توحیدی بود.^۳

توماس مور، اندیشمند انگلیسی قرن پانزدهم میلادی، این دیدگاه را به طور جدی در کتاب *اتوپیا* - که به شدت متأثر از کتاب *جمهور افلاطون* است - بازتولید و برای نخستین بار در عصر جدید بر ایده «زندگی اشتراکی» تأکید کرد.^۴ وی در ترسیم آرمان شهر خود، همچون

۱. «اندیشه عدالت و حکومت نخبگان در آرمان شهر افلاطون»، حکمت سینوی، ش ۳۴، ص ۱۰۷.

۲. *اتوپیا و عصر تجدد*، ص ۳۴.

۳. *روان کاوی در دین*، ص ۴۹.

۴. البته تفکرات توماس مور سبب شد تا کارل کائوتسکی، نظریه پرداز سوسیالیست آلمانی، وی را به دلیل عدم باور به مالکیت خصوصی، «پدر انقلاب روسیه» بنامد.

افلاطون الغای مالکیت خصوصی را مطرح کرد.^۱

پس از مور، فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶م) آرمان شهری به نام «بنسلیم»^۲ را مطرح کرد که نقطه اتکای آن، حاکمیت انسان بر طبیعت بود^۳ و برخلاف تمام اتوپیاها، دیگر تا آن زمان که صحبت از جزایر، جوامع و جهان های خوش بخت می کردند، او اتوپیا را در دنیایی که شهروندانش به دنبال کسب علم و دانش بودند، جستجو می کرد. چرا که علم تجربی را یگانه منشأ کسب معرفت می دانست.^۴

پس از بیکن، جیمز هارینگتون (۱۶۱۱-۱۶۷۷م) نیز آرمان شهری به نام جمهوری اوسئانا^۵ را مطرح کرد. از نظر هارینگتون آرمان شهرها زمانی تحقق پیدا می کنند که ساختارها و ارزش های اجتماعی برای همیشه طراحی شده باشند. لذا آرزوی وی در جمهوری اوسئانا، مصونیت قانون اساسی از لغزش بود.^۶

با این توضیحات مشخص می شود که طرح واره های اتوپایی عصر رنسانس تمایزاتی با آرمان شهرهای دوران قرون وسطی دارند از جمله اینکه تأکید اصلی در این آرمان شهرها بر آینده مثبت و زیبای بشر و دستیابی او به آرزوهای دیرینه اش یعنی عدالت، آزادی، صلح و امنیت است. به طوری که در قرن نوزدهم، آرمان شهرهایی در آثار

۱. اتوپیا، ص ۷۹ و ۸۰.

۲. Bensalem.

۳. آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، ص ۱۴۶.

۴. همان، ص ۱۳۹.

۵. Oceana.

۶. همان، ص ۲۱۵.

«شارل فوریه» و «سن سیمون» مطرح شدند که به صورت جدی تحت تأثیر انقلاب صنعتی در اروپا، بدنبال ایجاد امیدها به آینده برای طبقات محروم جامعه، به ویژه کارگران بودند.^۱ این روند سپس توسط افرادی همچون «مارکس» و «انگلس» بازخوانی شد^۲ و منجر به تولد آرمان شهرهایی با رویکرد «سوسیالیسم علمی» گردید.^۳

۳. آرمان شهرخواهی در دوران متاخر

با آغاز قرن بیستم به تدریج رویاهای اتوپیایی به ضد خود تبدیل شدند. تاجایی که اتوپیاهایی با عنوان «دستوپیا» یا «ضد آرمان شهر» در جهت مخالف یکدیگر به رشته تحریر درآمدند. در این موج جدید افرادی نظیر فرانسیس فوکویاما، الوین تافلر و ساموئل هانتینگتون، بشر را نه تنها به پایانی انباشته از رفاه، صلح و آرامش در تاریخ، بلکه به دوران پر آشوب و نهایتاً سیطره جهانی لیبرالیسم بشارت می دادند. نتیجه چنین رویکرد طرد اتوپیا اندیشی و رواج ناامیدی از آینده در جوامع غربی شد. این موضوع در کنار تشدید رقابت های سیاسی، توسعه رسانه ها و گسترش دامنه نفوذ اطلاعات، بشر را به سمت پوچ گرایی سوق داد. تا این که با بروز حادثه «یازدهم سپتامبر»، بار دیگر مفهوم دین و قرائت های دینی در خصوص آینده بشر مطرح و توجه افکار عمومی جهان نسبت به آرزوی جهانی امن و عادلانه جلب شد.

۱. سیر اندیشه های اقتصادی، ص ۱۲۸.

۲. هرچند مارکس خود هیچ گاه تحت عنوان اتوپیا، آینده ای را ترسیم نکرد.

۳. «چیستی اتوپیا»، کلام و عرفان، ش ۵، ص ۳۷.

جمع بندی

آنچه در جمع بندی کلی فصل اول می تواند محل نظر قرار بگیرد، اذعان به تقسیم بندی کلان از مبانی آرمان شهرگرایی، یعنی آرمان شهرهای مبتنی بر اندیشه الهی و آرمان شهرهای برخاسته از تفکرات مادی و الحادی است. البته ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که اغلب آرمان شهرهای مادی گرایانه یا خیال آمیزند، یا طنزگونه اند و یا گریته برداری از مفاهیم اساسی آرمان شهرهای الهی نظیر عدالت خواهی و....

البته نوع تلقی آرمان شهر وعده داده شده در ادیان آسمانی، از آرمان شهرخواهی مورد تأکید فلاسفه و حکما متفاوت تر است. به طوری که در آرمان شهر مورد اشاره ادیان، اهداف مدینه فاضله را جایگاه انسان، ترکیب پیچیده استعدادها، امکان های عظیم و نیازهای واقعی وی رقم می زنند و برخلاف آرمان شهرهایی که جامعه انسانی را تا سرحد رفاه، عدالت، اقتصاد و امنیت رهنمود کرده و از منبع وحی، کتاب، پیامبر و امام بی نیاز جلوه می دهند، در آرمان شهر الهی شاهد آنیم که انسان، همچون موجودی تک ساحتی و مادی دیده نشده و در وسعت هستی مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ به طوری که تک تک افراد جامعه، برگزیدگان خلقت به شمار می روند و جملگی از کرامت الهی برخوردار هستند. در این مکتب فکری، هر انسانی خلیفه الله (بقره: ۳۰) و امانت دار الهی (احزاب: ۷۲) است که باید مظهر اسما و صفات الهی گردد و پا به پای جامعه به رشد و شکوفایی رسد.

ضمن آن که، در باب اشتراک این دو رویکرد نیز می توان گفت، هر دو دیدگاه بر ستون آرزومندی بشر و گرایش فطری انسان به سوی کمال و سعادت استوار شده اند و به همین دلیل در طول تاریخ، جوامع کثیری به سوی یکی از آرمان شهرهای مطروحه از سوی اندیشمندان یکتاپرست و یا ملحد گرایش پیدا کرده اند.

موضوع دیگری که در جمع بندی فصل اول می توان به آن توجه کرد، وجود دیدگاه های مخالف و موافق نسبت به اصل وجود و منافع ضمنی اعتقاد به آرمان شهر برای بشر است؛ به طوری که برخی معتقدند، اگر قدمت آرمان شهرخواهی را به درازای آرزومندی بشر توصیف کنیم و ریشه فطری آرمان شهرگرایی را در میل بشر به کمال و بیان آن در قالب آرزوها خلاصه کنیم، لاجرم می باید انتقاد و طرح شائبه در خصوص آن را نیز در بلندای تاریخ مشاهده کنیم؛ چه آن که تاکنون انتقادات و شبهات مختلفی در باب آرمان شهرگرایی و آرمان شهرخواهی از سوی برخی متفکران مطرح شده و متقابلاً بسیاری از اندیشمندان آرمان شهرگرا نیز برای آن ها پاسخ هایی مطرح کرده اند. برای مثال، آرمان شهرگرایان معتقدند زمانی آرمان شهر، واقعی و قابل دست یابی تلقی می شود که بتواند انسان را از گرداب خیال و افسانه رهایی بخشد و این امر محقق نمی شود مگر با وجود سه ویژگی اصلی ذیل:

الف. طرح آرمان شهر بر اساس حقایق زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی انسان ها ترسیم شود و قابلیت تحقق داشته باشد تا امید رسیدن به آن واهی نباشد.

البته امید تنها حالتی روان شناختی نیست، بلکه می باید تأثیراتی را در دایره عمل انسان به دنبال داشته باشد.

ب. در هنگام ترسیم آرمان شهر، راه و روش دستیابی به آن مشخص شود و در یک معنا زمینه سازی برای تحقق آن نمایان شود. چراکه جنبه غیر عملی آرمان شهرها منجر به بروز حالت وهم گونه آن ها می شود.

ج. در ترسیم مدینه فاضله باید اهدافی اعم از هدف غایی و هدف های واسطه برای جامعه آرمانی تعیین شود. به طوری که این اهداف دارای مراتب باشند تا به وسیله این اهداف، شور و خواست و اراده مردم در پی گیری تحقق آرمان شهر تحریک شود.^۱

موضوع چهارمی که در باب مقوله آرمان شهرگرایی می تواند مورد نظر قرار بگیرد، تقارن آرمان شهرگرایی در ادیان الهی با بحث منجی و موعودگرایی است. به طوری که در بررسی دیدگاه سه دین آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام و برداشت های پیروان این ادیان در باب جامعه آرمانی، جملگی - با فرض اغماض در جزئیات - در یک تفاهم کلان، معتقد به تحقق آرمان شهری آخرالزمانی با محوریت منجی آسمانی هستند. فردی منتخب که روزی بر جهان حاکم خواهد شد و تجربه حیات سعادت مندانه را برای بشر در همین جهان مادی رقم خواهد زد.

از اینرو تعمیم اندیشه آرمان شهرگرایی به مبانی موعودگرایی از

۱. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۲-۴۱۴.

سوی اندیشه ورزان مسلمان، با جدیت بیشتری دنبال شده و در بین مذاهب اسلامی، پیروان تشیع و به خصوص علمای متأخر آن، این موضوع را با اصرار مضاعفی دنبال کرده‌اند. به طوری که در بررسی آرای حضرات آیات علامه طباطبائی، جوادی آملی و مصباح یزدی حتی شاخصه‌های جامعه آرمانی از منظر منابع دینی از جمله قرآن، مستندات روایی و سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام احصا و تبیین شده که بخش‌های از آن به اجمال در این فصل مورد اشاره قرار گرفت و مصادیق و مبانی قرآنی و روایی آن نیز با تأکید بر تعاریف دینی از مقوله «آرزو» و انواع آن از منظر قرآن و نیز نقش آرزوهای سازنده مطروحه در آموزه‌های دینی مسلمانان در تبیین و تعیین شاخصه‌ها و معیارهای مورد انتظار از آرمان شهر مهدوی در فصل بعدی مطرح و تبیین خواهد شد.

فصل دوم:

آرمان شهر از منظر قرآن کریم

* آرزو چیست؟

* آرزو در قرآن

* شکل های گوناگون آرزو در قرآن

مقدمه

آرزو را می‌باید یکی از عوامل محرک انسان به سوی آرمان‌ها و اهداف غایی و از اصلی‌ترین ارکان شکل‌دهنده به آرمان‌شهرهای بشری دانست. چراکه داشتن آرزو و امید، به مثابه زیربنای ترسیم آینده، برای هر فرد و جامعه‌ای که قصد نیل به اهداف مترقی را دارد، الزامی است. به بیان دیگر، آرزوها همواره نشان‌دهنده واکنش‌های رفتاری افراد در قبال محدودیت‌ها و محرومیت‌های تحمیل شده از جانب محیط پیرامونی در هر عصر و زمانی است. به همین دلیل، به عنوان محرک روانی انسان‌ها در حرکت به سمت جامعه آرمانی یا آرمان‌شهر مطلوب شناخته می‌شوند. البته ممکن است این آینده مورد انتظار فرد یا جامعه، آینده‌ای عاری از اخلاقیات و ارزش‌های انسانی باشد، اما ترسیم آینده بدون توجه به عامل تعیین‌کننده آرزو ممکن نیست. بر این اساس می‌توان آرزوها را به دو دسته «سازنده» و «بازدارنده» تقسیم و به تبع آنها از دو نوع آرمان‌شهر «متعالی» و «رذیله» نام برد. از این رو، در این فصل تلاش شده تا علاوه بر بازخوانی مفهوم «آرزو» از

منظر قرآن کریم و اشکال مختلف سازنده و بازدارنده آن، چشم اندازی کلی از آرمان شهر مورد تصدیق و انتظار اولیای الهی و انبیای عظام علیهم السلام در قرآن کریم ترسیم شود.

آرزو چیست؟

فطرت آدمی مطلق گراست و آرزوی کمال، ریشه در سرشت انسان دارد. از این رو بسیاری معتقدند این خصوصیت فطری، در حقیقت اصلی ترین عامل پیشرفت بشر در عرصه های گوناگون حیات بوده و اگر آرزو از آدمی گرفته شود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی دهد، هیچ باغبانی نهالی نمی نشاند و هیچ پژوهشی انجام نمی شود. از این رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آرزو را رحمتی می داند که خداوند متعال آن را به انسان ها ارزانی داشته است.^۱

بر این اساس، اصحاب علم لفظ «آرزو» را در لغت به معنای شهوت، اشتها، خواهش، مراد، چشم داشت، شوق، امید، آرمان، توقع و انتظار، مطلوب، دلخواه^۲ و جمع آن یعنی واژه «آرزوها» را به معنای اطماع، اشواق، شهوات، اهواء و حاجات تعریف کرده اند.^۳ آرزو کردن نیز به معنای خواهش کردن و درخواست کردن آمده است.^۴

معادل انگلیسی واژه آرزو «Aspiration»^۵ و معادل واژه آرزو

۱. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳.

۲. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۷۵.

۳. فرهنگ فارسی یک جلدی، ص ۶۳.

۴. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۷۵.

۵. فرهنگ جامع روانشناسی روانپزشکی، ج ۱، ص ۵۷.

کردن «to like to ... to Wish to» است^۱ و لفظ «آرزو» در اصطلاح به نیرویی حیاتی که موجود را به تحرک وامی‌دارد و انسان به موجب آن، هدف‌هایی را به منظور تحقق بخشیدن به آن‌ها برای خود در نظر می‌گیرد و انرژی خود را در راه رسیدن به آن هدف و آرمان صرف می‌کند^۲، تأویل شده است.

با عنایت به تعاریف ارائه‌شده از واژه «آرزو» برخی روان‌شناسان از جمله مازلو معتقدند زیربنای آرزوهای انسان را نیازهای او تشکیل می‌دهد و این نیازهای بشری است که برای انسان، انگیزه و تمایل به امور مختلف را ایجاد می‌کند^۳. به بیان دیگر، انگیزه‌ها و محرک‌های درونی، بیانگر و تعبیرکننده نیازهای انسان است. لذا در هر زمانی که دسته‌ای از نیازها بر وجود انسان حاکم می‌شود، تمایلات، انگیزه‌ها و آرزوهایی مناسب با آن‌ها نیز در انسان به وجود می‌آید که محرک فعالیت‌های وی می‌شود. البته گاهی این محرک‌ها در نهاد آدمی وجود دارد، ولی مورد التفات نبوده و انسان از آن غافل است که اگر بدان توجه کند، به رغبت و آرزو تبدیل می‌شوند.

بر این اساس می‌توان گفت نیازهای فیزیولوژی، نقطه آغاز محرک‌های درونی است و تا این نیاز پاسخ داده نشود، نیازهای دیگر به سادگی موجودیت خود را از دست می‌دهند و یا به عقب رانده می‌شوند؛ برای مثال، انسانی که دچار تشنگی مفرط شده است،

۱. المورد (قاموس عربی انگلیسی)، ص ۲۲۷.

۲. لغت‌نامه روانشناسی، ص ۵۹.

۳. انگیزش و شخصیت، ص ۷۰.

نمی‌تواند به چیزی جز آب بیندیشد و دست یافتن به جرعه‌ای آب، تنها آرزوی وی خواهد بود. اما پس از آن که نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضا شوند، آن‌گاه مجموعه‌ای جدید از نیازها پدید می‌آید که به ترتیب می‌توان آن‌ها را به نیازهای ایمنی، عشق و محبت، و در آخر نیاز به خودشکوفایی طبقه‌بندی کرد. از اینرو غزالی معتقد است که اندیشهٔ انسان با پردازش نیازها به تعیین مصداقی برای انگیزه‌های درونی برآمده و رغبت و تمایل آدمی را تحریک می‌کند و تمایل و رغبت نیز محرک عزم و اراده و تصمیم وی می‌گردد.^۱

البته باید توجه داشت که اندیشهٔ انسان در تعیین مصداق آرزوها و به تبع آن در سعادت و شقاوت انسان‌ها تأثیر بسزایی دارد. امام خمینی علیه السلام در اینباره معتقد است؛ «اندیشهٔ انسان» از یک سو مخاطب وحی الهی و از سوی دیگر، جولانگاه وساوس نفسانی و شیطانی است، به نحوی که عقل سلیم و وحی الهی انسان را به آرزوهای حقیقی و سازنده و نفس و شیطان، او را به آرزوهای کاذب و بازدارنده سوق می‌دهند.^۲

لذا با عنایت به تعاریف ارائه‌شده می‌توان حکمت روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص «رحمت بودن» آرزو برای بشر را بیش از پیش درک کرد، چراکه انسان بدون آرزو برای آینده، همچون انسان بدون نقشه برای آینده است. به بیان ساده‌تر، آرزوها که برآمده از نیازهای

۱. ر.ک: روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ص ۴۱-۳۵.

۲. طلب و اراده، ص ۱۱۵.

درونی افراد هستند، ذهن فرد را در جهت حرکت به سمت تحقق آرزوها و دست یابی به آرمان شهر مطلوب هدایت می کنند. با این توصیف می توان گفت؛ جهان مطلوب افراد در آرزوهای مورد انتظار آنان برای آینده نهفته است.

«آرزو» در قرآن کریم

به منظور دست یابی به شناختی جامع از مفهوم آرزو در قرآن کریم ابتدا باید به مضامین مرتبط با آن در قرآن توجه کرد. برای مثال، واژگانی نظیر «مُنَى»، «أَمَلٌ» و... که در معنای آرزو و یا واژگان «لِیت»، «لو»، «هل» و... برای بیان آرزوها، مورد استعمال قرار گرفته اند، هر یک دربردارنده نکته ای اخلاقی و تربیتی برای رشد و تعالی بشر هستند، ولی می توان برای هر کدام از این آرزوها، شأنیستی آرمانی نیز قائل شد. به طوری که برخی نمایانگر آرمان های مورد انتظار پیامبران، صلحاء و مؤمنان در قالب مجموعه ای از آرزوهای سازنده و دسته دیگر، بازگوکننده آرزوها و امیدهای پوچ و غیرسازنده غیرمؤمنان هستند.

لذا شاهد آن هستیم که برخی تفاسیر قرآنی در ذیل آیات و نیز کتب روایی و اخلاقی مانند *معراج السعاده*، *جامع السعادات* و *اخلاق در قرآن* آیت الله مکارم شیرازی، بخش هایی را به موضوع «آرزو» اختصاص داده اند. از این جهت ضروری است ابتدا تصویری کلی از مفهوم هر یک از واژگان قرآنی را احصا کرده و سپس درباره کاربرد هر کدام از آن ها به ارائه بحث بپردازیم.

الف. مَنی

این واژه از ریشه «م ن ی» و مصدر «تمنی» گرفته شده است. طبق نظر راغب، «م ن ی» اصل واحدی است که بر تقدیر و اندازه‌گیری دلالت می‌کند؛ چنان‌که گفته می‌شود: «مَنی لَهُ المَانی»؛ یعنی تقدیرکننده برای او تقدیر کرد.^۱ نیز تقدیر آرزو، گاه از روی تخمین و گمان است و گاه از روی اندیشه و یک اصل، اما چون اکثراً از روی تخمین است، دروغ، بیشتر در آن راه دارد و اکثراً تمنی‌ها تصور چیزی هستند که واقعیت ندارد.^۲

«تمنی» نیز به تقدیر و تصویر کردن چیزی در ذهن معنا شده است. خلیل، آن را به معنای مطلق آرزو کردن می‌داند.^۳ طبق نظر ابن فارس، تمنی آرزویی است که انسان آن را در ذهن تقدیر می‌کند^۴ و ابن اثیر، آن را به معنای میل داشتن و تحقق چیزی محبوب دانسته است.^۵ شایسته توضیح است که این واژه و مشتقات آن، هفده بار در قرآن به کار رفته است.^۶

ب. أمل

خلیل «أمل» را به معنای رجا (امید) دانسته^۷، در حالی که طبق

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۹۳۰.

۲. همان، ص ۷۸۰.

۳. ترتیب کتاب العین، ج ۱۱، ص ۱۷۸.

۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۷۶.

۵. النهایة فی غریب الحدیث و الآثار، ج ۴، ص ۳۶۷.

۶. المعجم الإحصائی للالفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۹۴-۳۰۱.

۷. ترتیب کتاب العین، ج ۸، ص ۳۴۷.

نظر ابن فارس، «أ م ل» به دو معنا به کار می رود: ۱. تثبت و انتظار؛ ۲. ریسمانی از رَمَل. بر اساس معنای اول، أَمَل به امید معنا می شود، چرا که در هر انتظاری امید هم نهفته است.^۱

اما صاحب *التحقیق*، به اختلاف معنایی ظریفی بین این دو اشاره می کند: «معنای حقیقی این واژه (أَمَل)، امید بعید و انتظار امری بعیدالحصول است که در فارسی به آن آرزو گفته می شود؛ در حالی که معنای رجاء، امید است.»^۲

در *فروق اللغویه* نیز أَمَل به معنای امید و آرزوی مستمر آمده است.^۳ این واژه دو بار در قرآن آمده است که یک بار به معنای آرزوهای نیک به کار رفته است.^۴

ج. وَدّ

«واو و دال» کلمه ای است که بر دوست داشتن دلالت می کند. «وَدِدْتُه یعنی أَحَبَبْتُه (وَدِدْتُ أَنْ ذَاكَ كَانَ)»؛ یعنی آرزوی آن را دارم که....^۵ بنابراین «وَدّ» یعنی محبت به چیزی و آرزوی بودن آن را داشتن، چرا که در آرزو، دوست داشتن هم نهفته است، زیرا تمّنی خواستن چیزی است که دوستش داری.^۶

بر اساس گفته خلیل، مصدر «وَدّ» و فعل «وَدّ - یوَدّ» به دو معنای

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. تفسیر روشن، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. *فروق اللغویه*، ص ۲۷۵.

۴. ر.ک: کهف: ۴۶.

۵. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۷۵.

۶. *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۸۶۰.

دوستی و آرزو به کار می‌رود. اما ابن فارس بر آن است که مصدر «وَدَّ» فقط برای دوست داشتن و مصدر «وَدَّادَه» فقط برای تمنی استعمال می‌شود.^۱ این واژه هفده بار در قرآن آمده که با مراجعه به ترجمه‌ها و تفاسیر، به‌ویژه **تفسیر کشاف**، در شانزده مورد، به معنای آرزو به کار رفته است.^۲

د. لیت

«لیت» به فتح لام، کلمه تمنی و آرزوست^۳ و اصلی‌ترین و رایج‌ترین کاربرد را برای بیان آرزو دارد.^۴ این واژه و مشتقات آن چهارده بار در قرآن کریم به کار رفته است که در نه مورد آن، حاکی از آرزوی آرزوکننده در قیامت است و عملاً ممتنع الوقوع است.^۵ در پنج مورد دیگر هم که آرزوی آرزوکننده در دنیا است، حاکی از آرزوی محال و یا بعیدالوصول است. برای مثال، حضرت مریم (س) در زمانی که درد زایمان ایشان را فراگرفت، آرزو کرد که ای کاش! پیش از این مُرده بودم:

﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا﴾^۶؛ آن‌گاه درد زاییدن، او را به ناچار به جانب درخت خرما کشانید. [در آن حال] گفت: «ای کاش پیش از این می‌مُردم و یک‌سره از خاطره‌ها فراموش شده بودم!»

۱. ترتیب کتاب العین، ج ۸، ص ۹۹.

۲. بقره: ۹۶-۱۰۹؛ آل عمران: ۱۱۸ و ۳۰ و

۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۷۳.

۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۲۳.

۵. برای مثال رک: زخرف: ۳۸.

۶. مریم: ۲۳.

ه. هَل

اصل ساختار این کلمه برای پرسش است و گاهی به طور مجاز برای تمنّی استعمال می‌شود. استعمال «هَل» به جای «لَيْتَ» در مواردی است که متکلم امیدی به برآورده شدن آرزویش ندارد؛ مثل «فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ». گوینده این کلام کسی است که می‌داند شفاعت‌کننده‌ای ندارد.^۱ واژه «هَل» نیز ۸۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و ضمن بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر، مشخص شده که در سه مورد برای تمنّی استعمال شده است.^۲

و. لَوْ

این واژه که در اصل برای شرط وضع شده، گاهی در معنای آرزو نیز به کار رفته است^۳؛ برای مثال، در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه شعراء می‌خوانیم: «فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ پس ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا از مؤمنان می‌شدیم! و در سوره‌های دیگر نیز می‌توان نظایر آن را مشاهده کرد.^۴

ز. لَعَلَّ

برخی بر اساس قواعد نحوی در آیه ۳۶ غافر، این واژه را که کاربرد اصلی‌اش برای اظهار امید است، به معنای آرزو دانسته‌اند؛^۵ اما در

۱. آیین بلاغت (شرح مختصر المعانی)، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: اعراف: ۵۳؛ غافر: ۱۱؛ شوری: ۴۴.

۳. مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۵۷.

۴. ر.ک: زمر: ۵۸؛ بقره: ۱۶۷.

۵. الکشاف، ج ۴، ص ۱۶۷.

جمع بندی کلی از منظر پژوهش گران علوم بلاغت می توان گفت، کاربرد این چهار واژه متفاوت از هم بوده و در اغلب موارد دو واژه «هل» و «لعل» حاکی از امید آرزوکننده به تحقق آرزوست؛ در حالی که «لو» از ناامیدی حکایت دارد و «لیت» به معنای مطلق آرزو و از هر دو ویژگی خالی است.^۱

شکل های گوناگون آرزو در قرآن کریم

شکی نیست که آدمی در هیچ زمانی از ادوار تاریخ، بدون آرزو و امید به آینده نبوده و در آینده نیز نخواهد بود، زیرا امروز آدمی، به فردا وابسته است و فردا نیز ادامه زندگی امروز آدمی است. منشأ این آرزوها از امیال درونی ارضان شده بشر نشات می گیرد، چراکه محرومیت بشر از هر موهبتی، او را به آن حریص تر کرده و این آزمندی، فرد را به علاقه مندی و آرزومندی به آن محرومیت درونی سوق می دهد، چراکه هر دوست داشتنی، آرزویی را در دل خود نهفته دارد. مثلاً اگر انسان دوستدار شخصیتی باشد، همواره وصال او را آرزو می کند. به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «انسان با آنچه دوست دارد محشور می شود.»^۲ لذا هنگامی که آرزومندی شکل بگیرد، مسیر تلاش های انسان به سمت آینده ترسیم می شود. به همین دلیل، اصل آرزو و طرح و برنامه برای زندگی فردا از نظر اسلام، نه تنها مذموم نیست،

۱. معتزک الاقران فی اعجاز القرآن، ص ۲۹۴.

۲. «المرء مع ما أحب»؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۶.

بلکه توصیه هم شده است اما^۱ مشروط به این که، این آرزومندی در جهت رشد و تعالی باشد. از این رو، در ادبیات قرآنی شاهد دسته بندی آرزوها به دو گونه «سازنده» و «بازدارنده» هستیم.

۱. آرزوهای سازنده

آرزوهای سازنده، آرزوهایی هستند که انسان را در جهت نزدیکی به خداوند و تخلق به اخلاق الهی و رسیدن به کمال حقیقی رهنمون می کنند. مهم ترین نشانه شناخت این گروه از آرزوها در ثمره آنها است که موجب آرامش و طمأنینه قلب می شود همان گونه که خداوند می فرماید: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲؛ ... هان! دل ها فقط به یاد خدا آرام می گیرد. منظور از «ذکر خدا» صرف تکبیر و تهلیل و تسبیح نیست، بلکه توجه به عظمت او است. این توجه، مبدأ حرکت انسان به سوی جهاد و تلاش مومنانه و دوری از گناه است.^۳ بنابراین حرکت و تلاش در مسیر آرزوهای سازنده، که همان مسیر کسب رضایت الهی است، از مصادیق «ذکر» بوده و آرامش قلبی را برای انسان به ارمغان می آورد.

۲. آرزوهای بازدارنده

همانگونه که اشاره شد آرزومندی از نعمت الهی و اسباب قوام زندگی است؛ اما اگر از این نعمت و سرمایه الهی به درستی استفاده

۱. نظام اخلاقی اسلام، ص ۱۱۰.

۲. رعد: ۲۸.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

نشود، همانند دیگر نعمت‌های الهی، به نقت تبدیل می‌شود و موجبات سقوط انسان را فراهم می‌کند. از دیدگاه قرآن، آرزوی مذموم و نکوهش شده، آرزویی است که انسان را مشغول و عمر او را بیهوده تلف کند و نتیجه‌ای از آن عاید انسان و جامعه نشود؛ چنان‌که خداوند درباره وضع کافران و طریق برخورد رهبر امت اسلامی - رسول اکرم ﷺ - با آن‌ها چنین می‌فرماید:

﴿ ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴾^۱؛
 بگذارشان تا بخورند و [بالذایذ مادی و زودگذر] کامرانی کنند،
 و آرزوها سرگرمشان نماید؛ پس به همین زودی [حقانیت
 اسلام و فرجام شوم خود را] خواهند فهمید.

کلمه «يُلْهِهِمُ» از «إلهاء» به معنای صرف نظر کردن از کاری و اشتغال به کار دیگر است. وقتی گفته می‌شود: «إلهاء كذا من كذا»، معنایش این است که فلان کار از فلان کار بازش داشته و آن را از یادش ببرد.^۲ این آیه کنایه است از این‌که: این بیچارگان از زندگی‌شان جز خوردن و سرگرمی به لذات مادی و دل خوش داشتن به آرزوها و تمایلات واهی، بهره دیگری ندارند و مقامشان را تا افق حیوانیت پایین آورده‌اند؛ بنابراین آن‌ها را به حال خود واگذار کرده و در زمره انسان‌ها به حساب نیاورد.^۳ با توجه به این آیه، سزاوار است انسان همتش را در راه تحصیل آخرت به کار اندازد و آرزوهایی که او را از راه آخرت باز می‌دارد، به دل راه ندهد.

۱. حجر: ۳.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۳۱.

۳. المیزان، ج ۱۲، ص ۱۴۰.

هم چنین احادیثی که از ائمه معصومین علیهم السلام، در باب مذمت آرزو وارد شده، متعلق به این دسته از آرزوهاست. در حدیثی از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «نَفْسُ هَای آدَمی، گام های او به سوی أَجَلِ اویند و آرزوی او، بازدارنده از عملش هستند.»^۱

از آن جا که این آرزوها مغایر با اهداف الهی است، در روایات دینی با عنوان «آرزوهای کاذب» مورد اشاره قرار گرفته اند و امام صادق علیه السلام در معرفی این گروه از آرزوها فرموده: «خوشا به حال کسی که آرزوهای کاذب، او را سرگرم و غافل نکرده باشد!»^۲

جمع بندی

بر اساس مطالب این فصل می توان گفت، انسان در طول زندگی خود با تنگناها و محدودیت های فراوان مادی و معنوی مواجه می شود. این محدودیت ها برای انسان، نیازهایی را ایجاد می کند که به دلیل عدم دسترسی سهل الوصول به آن ها، تبدیل به آرزو می شوند. سپس ذهن و قدرت تعقل، این امکان را برای آدمی فراهم می کند تا نقشه راهی برای نیل نیازهای خود که همان شکل کلی آرزوها است، طراحی و مسیر آینده فرد تا تحقق آینده مطلوب را ترسیم کند.

حال اگر احساس نیاز درونی احاد افراد جامعه به شکلی متحد درآید، دیگر به جای تلاش های فردی، شاهد کوشش جمعی احاد افراد جامعه در راه رسیدن به آینده ای مطلوب خواهیم بود و اگر این تلاش

۱. «أَنْفَاسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ وَأَمَلُهُ خَادِعٌ عَنْ عَمَلِهِ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

۲. «طَوْبَى لِمَنْ لَمْ تُلْهِهِ الْأَمَانِيُّ الْكَاذِبَةُ»؛ تحف العقول، ص ۳۰۱.

گروهی بر مبنای هدف‌گذاری الهی صورت گرفته باشد، شاهد تحقق فلسفه خلقت خواهیم بود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱؛ و جن و انس را جز برای این که مرا پرستند، نیافریدیم.

این آرمان شهر الهی محقق خواهد شد زیرا:

ابعاد آرمان شهر الهی در آرزوی انبیا و مومنان الهی اشاره شده است

اعتبار و صحت این آرزوها به جهت بیانشان در آیات قرآن و پذیرش اصل عدم تحریف قرآن تضمین شده است
در هیچ برهه‌ای از تاریخ آرزوی مومنان به صورت تام و تمام محقق نشده است.

خداوند متعال استجابیت دعا و آرزوی مومنان را ضمانت کرده و اگر تاخیری در تحقق آن رخ دهد ناشی از حکمت الهی است.

آرزوی پیامبران به جهت عصمت آنان از خطا نمی‌تواند لهو و بیهوده بوده باشد.

بیان آرزوهای متعدد در قرآن نشانه‌ای از ظرفیت طبیعت و بشر برای تحقق این آرزوها است.

با عنایت به این موارد می‌توان انتظار داشت ادعیه و آرزوهای انبیا و مومنان در قالب آرمان شهری الهی، تحقق خواهد یافت مشروط به اینکه محتوای این آرزوها به عنوان خواستی جمعی و کلان در سطح جامعه انسانی مطرح و دنبال شود. چراکه انسان مؤمن در راستای

۱. ذاریات: ۵۶.

تحقق هدف غایی آفرینش، که همانا دست یابی به مقام منبع بندگی است، نیازمند حضور در جامعه‌ای آرمانی است که حرکت آن بر اساس آرزوهای سازنده شکل گرفته است. مهم‌ترین منبع معرفتی این آرزوها در قرآن کریم، آمال انبیاء و مؤمنان معرفی شده و اگر انسان بتواند پس از شناخت این آرزوها، در مسیر تحقق آن‌ها گام بردارد، می‌تواند به درک آرمان شهر وعده داده شده در قرآن کریم امیدوار باشد که خداوند در خصوص آن می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند، [در حقیقت] فاسقند.

شکل‌گیری یک چنین نظامی الهی به استناد آیات و روایات متعدد با ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد. بر همین اساس، در ادامه

مختصات آرمان شهر الهی عصر ظهور که مصداق تمام و کمال ظهور
آرزوهای سازنده انبیاء و اولیای الهی است، ترسیم خواهد شد.

فصل سوم:

مختصات آرمان شهرِ مورد آرزوی صالحان در قرآن

- ✱ مختصات آرمان شهرِ انبیاء و صلحاء علیهم السلام
- ✱ آرزوی مشترک همهٔ انبیاء علیهم السلام
- ✱ آرزوهای مؤمنان
- ✱ ارتباط بین آمال انبیاء علیهم السلام با غایت خلقت

مقدمه

همان طور که در فصول گذشته اشاره شد، آرمان شهر یا مدینه فاضله از جمله مفاهیمی است که طی قرون متمادی ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. این روند با شکل‌گیری ادیان الهی و وعده ظهور منجی، تکاملی محتوایی یافته و استعداد تحقق بیشتری پیدا کرده است.

در واکاوی علل اتخاذ چنین رویکردی باید گفت؛ هدف اصلی پیامبران الهی علیهم‌السلام، استقرار نظامی عادلانه برای زندگی بشر و تأمین شرایط تحقق سعادت او بوده و برای دستیابی به این مهم، راه‌کاری جز تبعیت از قوانین الهی وجود ندارد. در حالی که آرمان شهرهای غیر الهی بر اساس غرائز نفسانی طراحی شده و امکان پاسخگویی کامل و مستمر به نیازهای بشر را بدلیل عدم شناخت کامل از نظام خلقت ندارند. مضافاً اینکه ضمانتی هم برای تحقق آنها در جهان مادی ارائه نشده است.

این مسئله باعث شده تا در میان ادیان الهی موضوع

«آرمان شهرگرایی» و ترغیب جوامع در جهت تحقق پذیر کردن آن، به صورت بنیادین دنبال شود. تاجاییکه برخی بررسی ها نشان می دهند: «آرمان شهر در اندیشه های شیعی و یهودی به دلیل تعلق مشترک آن ها به ادیان ابراهیمی، دارای محورهای متقارن زیادی چون نقش منجی موعود، حاکمیت الهی و ایجاد جامعه یک پارچه دینی است، اما در مواردی چون قومیت محوری در یهود و فرانگری در نگاه شیعی و زمینه های تحقق آرمان شهری، با یکدیگر تمایز می یابند.»^۱

اما در مقابل، آرمان شهرهای برساخته از اندیشه های غیر الهی به نوعی در پی واسازی و بازسازی نظام طبیعی موجود در قالب آرمان شهر مورد انتظار هستند تاجاییکه صراحتاً از دعوی هم ساز کردن نظام اجتماعی با نظام طبیعت سخن گفته می شود. نگاه «برادر بزرگ» - یکی از شخصیت های کتاب ۱۹۸۴ اثر جورج اورول - جزء جدایی ناپذیر انسان شناسی آرمان شهرگرایی غیر الهی است که سعی دارد انسان را از طبیعت که فقط برای استیلای بیشتر بر آن، از آن تقلید می کند، فراتر برده و به هم سانی با طبیعت برساند.^۲ از این رو، شاهد آن هستیم که یکی از دغدغه های آرمان گرایان غیر الهی، تلاش برای انطباق کامل جامعه با طبیعت است و این موضوع به وضوح در مبانی «توسعه پایدار» در کنفرانس زمین سال ۱۹۹۲، قابل مشاهده است.^۳

لذا در این فصل، ضمن چشم پوشی از اندیشه آرمان شهرگرایی

۱۱. ر.ک: بررسی تطبیقی آرمان شهر در اندیشه شیعه و یهود.

۲۲. آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، ص ۱۰.

۳. ر.ک: «نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی»، باغ نظر، ش ۲۱.

حاکم بر فضای رایج غیر الهی، تلاش شده تا مختصات جامعه مورد آرزوی انبیاء و صلحاء که در آیات قرآنی مورد تصریح قرار گرفته و تاکنون نیز تاریخ بشر شاهد تحقق کامل آن‌ها نبوده، تمرکز شود تا در ادامه میزان هم خوانی این آرزوها با روایات وارده در خصوص عصر ظهور تطبیق داده شود. چرا که از دیدگاه اسلامی، جامعه ایده آل توسعه یافته در زمان حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأسیس خواهد شد.^۱ و مختصات این جامعه را باید با غور در قرآن کریم احصا کرد؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «قرآن را استنطاق کنید... که علم آینده و حدیث گذشته و نظم اجتماعی شما در آن موجود است.»^۲

مختصات آرمان شهر انبیاء و صلحاء علیهم السلام

به استناد آیات قرآن کریم، انبیای الهی آرزوهای متعددی را در دوران حیاتشان از خدای متعال طلب کرده‌اند که تاکنون یا به صورت کامل محقق نشده و انتظار می‌رود بر اساس سنت الهی استجابت دعای بندگان صالح، این آرزوها در قالب آرمان شهری الهی به صورت کامل و یک جا تجلی یابد. اهم موارد مورد آرزو از جانب انبیای الهی به شرح ذیل است:

۱. آرزوی نابودی کفر و تحقق یکتاپرستی

حضرت نوح علیه السلام اولین پیامبر اولوالعزم است که قرن‌های متمادی با صبر و شکیبایی مردم را به دین الهی دعوت کرد. یکی از آرزوهای

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۱۷.

این پیامبر بزرگ الهی که در قرآن به آن اشاره شده، برداشتن موانع عبودیت، توحید و رستگاری مردم است. از این رو، آرزوی نابودی کفار معاند را می‌کند. البته این تقاضا در شرایطی مطرح شده که حضرت نوح علیه السلام تمام تلاش و کوشش‌های مستمر خود را برای ایمان آوردن آن‌ها مصروف داشته و در اوج نومییدی از هدایت آنان، به سوی خداوند چنین شکایت می‌برد:

﴿وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾^۱؛ و نوح گفت: «پروردگارا! هیچ‌یک از کافران را روی زمین باقی مگذار.» این آرزو در جای دیگری از لسان حضرت نوح علیه السلام نیز بیان شده است:

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾^۲؛ پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه‌ام درآید و همه مردان و زنان باایمان را ببامرز، و ستم‌کاران را جز هلاکت میفزای.

البته باید به این نکته توجه کرد که پیامبران الهی مظهر رحمت الهی بوده و همیشه با امت‌ها و اطرافیان‌شان با رحمت و رأفت رفتار می‌کردند و همه‌گونه که آزار و اذیت را در راه هدایت بندگان به جان می‌خردند. و اگر می‌بینیم که حضرت نوح علیه السلام پس از ۹۵ سال تبلیغ، لب به نفرین می‌گشاید، برای نفرین خود چنین استدلال می‌کند که اگر آن‌ها را واگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی کافر و فاجر به وجود

۱. نوح: ۲۶.

۲. نوح: ۲۸.

نمی آورند:

﴿إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾^۱
 ؛ که اگر از آن ها هر که را باقی گذاری، بندگان پاک با ایمانت را
 گمراه می کنند و فرزندی هم جز بدکار و کافر، از آنان به ظهور
 نمی رسد.

و از آن جایی که کفار همیشه مانع و سدّ راه ایمان دیگران بوده و
 هستند: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾^۲ ؛ که
 اگر آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی بدکار و
 ناسپاس زاد و ولد نمی کنند، این آرزو، تنها مربوط به عصر حضرت
 نوح علیه السلام نبوده، بلکه برای همه اعصار می تواند مطرح است و تنها
 دورانی که این آرزو به طور کامل محقق خواهد شد، عصر ظهور است.
 بر اساس تفاسیر گوناگون، آیات متعددی در زمینه نابودی کفار در
 عصر ظهور را می توان یافت که با این آرزوی حضرت نوح علیه السلام هم خوانی
 داشته باشد. برای نمونه در آیه ۳۹ سوره انفال آمده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا
 فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ ؛ و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه
 [و خون ریزی و ناامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا
 شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان نجنگید]، زیرا خدا به آنچه
 انجام می دهند، بیناست.

طبرسی در مجمع البیان عبارت ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً﴾

۱. نوح: ۲۷.

۲. محمد: ۱.

را خطاب به پیامبر و مؤمنان تفسیر کرده و می‌افزاید: «جنگ کنند تا کافری که بدون پیمان باشد، باقی نماند.»^۱ وی در ادامه، درباره عبارت «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» افزوده: «منظور این است که اهل حق و باطل، همه بر دین حق اجتماع کنند و دارای عقاید صحیح گردند. به بیان دیگر، بر اثر اجتماع مردم بر دین حق، همه دین از خداوند خواهد بود.»

مشابه چنین برداشتی را زراره و دیگران از امام صادق علیه السلام نیز نقل کرده‌اند که فرمود:

هنوز تأویل این آیه فرا نرسیده است. هنگامی که قائم ماقیام کند، کسانی که در آن زمان روی زمین باشند، تأویل این آیه را خواهند دید و دین محمد صلی الله علیه و آله، جهان را فرا خواهد گرفت و مشرکی روی زمین باقی نخواهد ماند.^۲

چنان‌که خداوند می‌فرماید: «... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»^۳؛ ... [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. هم‌چنین امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۹ سوره مبارکه صف: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند، می‌فرماید:

به خدا سوگند، تأویل این آیه به مرحله اجرا نمی‌آید، مگر

۱. مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۲. همان؛ و نیز ر. ک: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۹۴.

۳. نور: ۵۵.

آن که قائم ما مهدی علیه السلام ظهور کند! تمام مشرکان در روی زمین محو می شوند؛ تا جایی که سنگ به سخن آید و به مؤمن گوید: «ای مؤمن! درون من کافری است. مرا بشکن و او را به قتل برسان!»^۱

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۳۶ سوره توبه که می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾؛ و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند بجنگید، پرسیدم. حضرت فرمودند:

موقع تأویل این آیه نرسیده است. هر کس قیام قائم ما را درک کند و او را ببیند، تأویل آن را می بیند. دین محمد صلی الله علیه و آله تا جایی که شب و روز است، گسترش می یابد، به گونه ای که در روی زمین مشرکی نباشد.^۲

روایات دیگری نیز در این باب وارد شده از جمله حدیثی از امام صادق علیه السلام که می فرماید: «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ماست.»^۳ هم چنین در روایت دیگری از ایشان نقل شده که فرموده اند: «... [ظالمان و کافران] را خوار و ذلیل خواهد کرد، جام زهرا گین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر با آنان برخورد خواهد

۱. «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِإِلَهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ وَلَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا قُتِلَ، حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ قَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ، فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْسِرْنِي وَأَقْتِلِيهِ»؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۸۲؛ نیا بیع الموده، ج ۳، ص ۲۴۰.

۲. «حَتَّى لَا يَكُونَ شَرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ»؛ نیا بیع الموده، ج ۳، ص ۲۳۹؛ مهدی موعود، ۲۶۱.

۳. «أَنَّ زَوَالَ مَلِكِ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِثْلُ كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ، ج ۲، ص ۳۵۴.

کرد.»^۱

بر اساس این روایات و تفاسیر می توان چنین استنباط کرد که تنها در عصر ظهور، وعده نابودی کامل اهل کفر و ذریه آنان فرا خواهد رسید و این همانا تحقق آرزوی حضرت نوح علیه السلام خواهد بود.

۲. آرزوی تحقق توأمان فراوانی نعمت و امنیت

به تصریح قرآن کریم مهم ترین آرزوی حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان قهرمان مبارزه با کفر و شرک، در دعای ذیل نهفته که جامع تمام نیازمندی های مادی و معنوی زندگی بشر است:

«وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هَـٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَّ ارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الشَّجَرٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاَمَتَّعُهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهُ اِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيْرُ»^۲؛ و [یاد کنید] آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را، آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند، از هر نوع میوه و محصول روزی بخش.» خدا فرمود: «[دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم، ولی] هر که کفر ورزد، بهره اندکی به او خواهم داد؛ سپس او را به عذاب آتش می کشانم و آن بد بازگشت گاهی است.»

بنابراین «امنیت پایدار» و «اقتصاد پویا»، دو مؤلفه سلامت جامعه و زمینه ساز تکامل هستند که حضرت ابراهیم علیه السلام برای مؤمنین از اهل مکه آرزو می کند و به پروردگار عالم عرضه

۱. «... يَسُوْمُهُمْ خَنَفًا وَيَشْفِيهِمْ بِكَأْسٍ مُّصَبَّرَةٍ وَلَا يُعْطِيهِمْ اِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا...»؛ النبیة (نعمانی)، ص ۲۲۹.

۲. بقره: ۱۲۶.

می دارد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ». علت انحصار این آرزو این است که تنها انسان های مؤمن، شایستگی این دو نعمت بزرگ را دارند و برای آنان ارزش قائلند، و افراد غیرمؤمن به علت متصف بودن به صفات رذیله ای چون حرص و طمع و بَغی، مخل به این نعمت های الهی هستند.

لذا تسری دادن این حکم، یعنی امنیت پایدار و رونق اقتصادی به سراسر جهان هستی، مشروط به ایمان اهل آن است و چون مردم جهان در تمام اعصار به تعبیر قرآن، اهل ایمان نبوده اند، هیچ گاه دنیا شاهد امنیتی پایدار و اقتصادی سالم که زیربنای تعالی بشر باشد، نبوده و این آرزو زمانی محقق خواهد شد که ایمان به خدا و معاد در عمق جان اهل زمین جای بگیرد.

درباره مؤلفه های امنیت و رشد شاخص های اقتصادی که خود متضمن رفاه عمومی در عصر ظهور است، در برخی آیات الهی و نیز روایات متعدد اشاره شده است؛ از جمله در آیه ۵۵ سوره مبارکه «نور» که به «آیه وعد» اشتهار دارد، خداوند حکیم می فرماید:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند؛ آن چنان که تنها مرا می پرستند و

چیزی را شريك من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقند.

علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر این آیه می‌نویسد:

وعدۀ استخلاف در آیه مذکور، جز با جامعۀ‌ای که با ظهور مهدی عج برپا شود، قابل انطباق نیست و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که حکایت از فضیلت و قداست آن دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و حتی از روزی که پیامبر مبعوث به رسالت گشته تا کنون، جهان چنین جامعۀ‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی برای این جامعۀ پیدا شود، باید آن را در روزگار مهدی عج جست‌وجو کرد، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ص و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده، از انعقاد چنین جامعۀ‌ای در عصر ایشان خبر می‌دهد.^۱

ایشان موضوع امنیت در دوران ظهور را نیز مطابق همین آیه، مورد اشاره قرار داده و می‌افزاید:

این آیه، وعدۀ جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح دارند و به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعۀ صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شريك

۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۵.

او قرار ندهند.^۱

هم چنین روایت شده که در عصر ظهور، امنیت تا بدان جا تعمیق می یابد که «ناتوانی از مشرق تا مغرب سفر می کند و از کسی آسیبی به او نمی رسد»^۲؛ «و زمین امن می گردد تا جایی که زنی همراه پنج زن دیگر، بدون این که مردی آنان را همراهی کند، به حج خانه خدا می رود و جز خدا، از کسی باکی ندارد»^۳.

البته احادیث وارده از جانب حضرات معصومین علیهم السلام گواه این مطلب است که این آرامش، ناشی از امنیت اجتماعی و اقتصادی موجود در عصر ظهور است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید:

اگر قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو می ریزد و زمین گیاهش را می رویاند و امنیت به گونه ای زیاد می شود که زن، راه بین عراق و شام را می پیماید و پای خود را جز بر سبزه و گیاه نمی گذارد و کیسه خود را بر دوش دارد. نه درنده ای او را می ترساند و نه او از آنان هراس دارد.^۴

بی تردید، تحقق چنین آرزویی در عصر حضرت مهدی علیه السلام می تواند جامعه انسانی را از فقر و تنگ دستی نیز نجات ببخشد؛ چه آن که

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۱.

۳. «... يَأْمَنُ الْأَرْضُ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَحْجَّ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ مَا مَعَهُنَّ رَجُلٌ لَا تَتَّقِي شَيْئًا إِلَّا اللَّهَ...»؛ الملاحم والفتن، ص ۶۹.

۴. «... لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَلَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُ...»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

ریشه‌کنی فقر، یکی از شاخص‌های اجتماعی در ادبیات توسعه بوده و امام باقر علیه السلام در باب رفع فقر در عصر ظهور می‌فرماید:

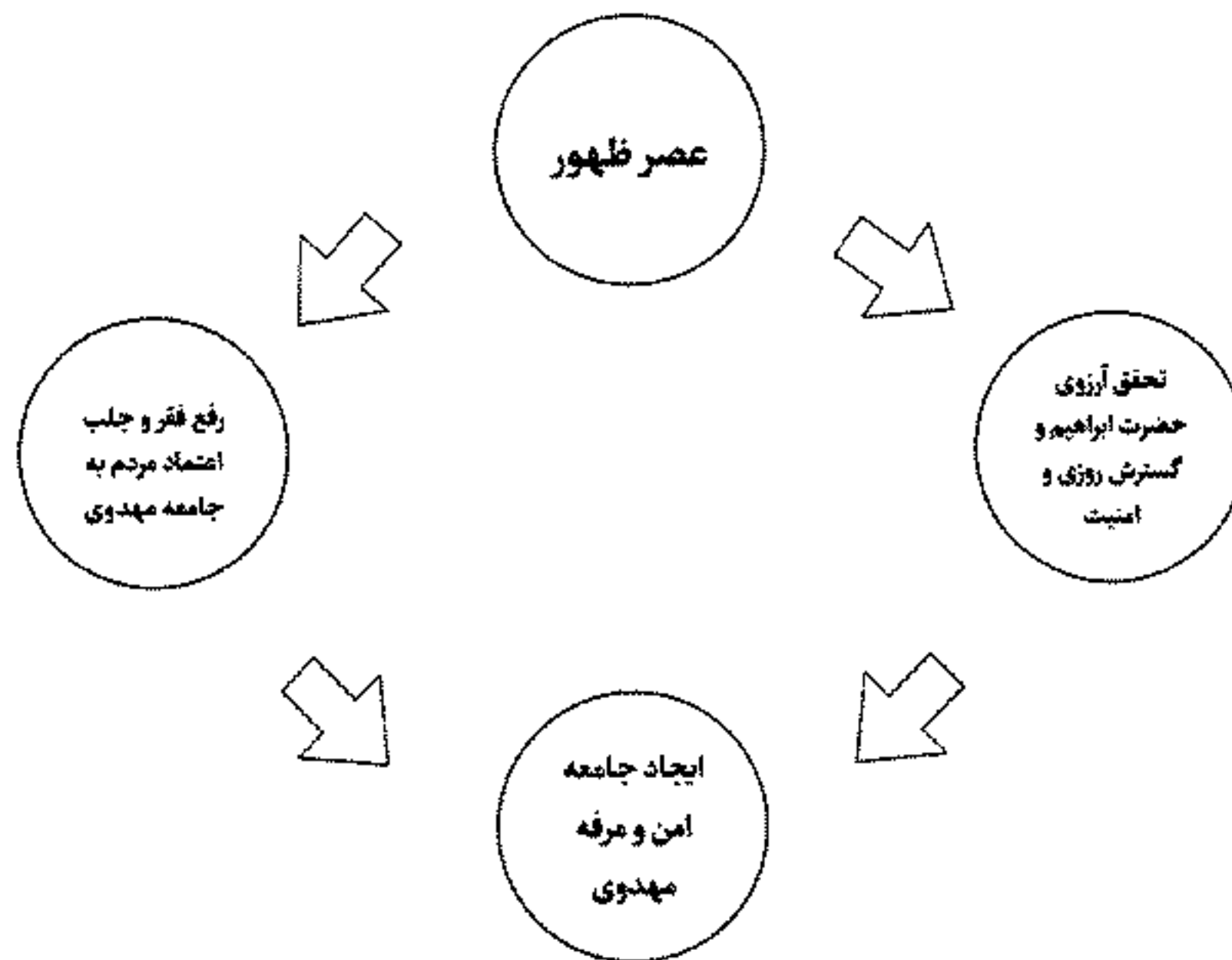
هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند، در هر سال دو بار به مردم هدیه داده، و در هر سال دو بار از بیت‌المال به آن‌ها تقسیم می‌کند، و بین آن‌ها مساوات برقرار می‌کند تا آن جا که نیازمندی برای زکات باقی نمی‌ماند.^۱

دلیل این اقدام نیز ریشه در نگرش اسلام به مسئله فقر و عدالت اقتصادی دارد، چرا که از نظر اسلام، فقر از جمله عوامل کج‌رفتاری اجتماعی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: «ثروتی که تو را از ستم حفظ کند، بهتر از فقری است که تو را به گناه و کج‌روی بکشانند».^۲

مجموعه این مباحث، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که تنها سازوکار اجتماعی تحقق آرزوی نعمت فراوان و امنیت برای شهروندان و نیز تحقق یکتاپرستی، در گرو تحقق عصر ظهور است. لذا در جمع‌بندی کلی از آرزوی قرآنی حضرت ابراهیم علیه السلام در تأمین امنیت و رفاه شهروندان جامعه توحیدی می‌توان گفت، این مهم به دلیل ایجاد جامعه یکتاپرست و الهی در عصر ظهور قابلیت بروز پیدا خواهد کرد و هنگامی که این امر محقق شود، بنا به آموزه‌های دینی و روایات حضرات معصومین علیهم السلام، جامعه انسانی از لوثر هر نوع فقر و تنگ‌دستی‌های ریخته و رفاه اقتصادی خود تضمین‌کننده سلامت و سعادت دینی شهروندان جامعه مهدوی خواهد بود.

۱. «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الرِّكَاهِ...»؛ همان، ص ۳۹۰.

۲. «غِنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ»؛ وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱.



البته باید بدانیم در عصر ظهور، رفاه و امنیت اجتماعی و اقتصادی نه تنها در شکل مادی و ملموس آن قابل احصا است، بلکه بشر تجربه متفاوتی از احساس استغناء و بی‌نیازی را نسبت به مسائل مذکور می‌کند.^۱ به بیان دیگر، حالتی از بی‌نیازی، انسان را در سه وجه و درجه در بر می‌گیرد که عبارتند از:

الف. غنای قلبی: بی‌نیازی در قلب عبارت است از این که قلب از تعلق به هر سبب و مؤثری رها و آزاد باشد و با قضا و قدر الهی (حکم الهی)، معارضه نکند و تسلیم آن باشد. در این زمینه روایات متعددی مطرح شده؛ از جمله آن که فرموده‌اند: «خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد.»^۲ و یا این که در جای دیگری آورده شده: «هنگامی

۱. ر.ک: تمدن در عصر ظهور مهدی، ص ۹۰.

۲. «يَجْعَلُ اللَّهُ الْغَنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ كشف الغممه، ج ۲، ص ۴۷۴.

که مهدی علیه السلام قیام می‌کند، خداوند در دل‌های بندگان بی‌نیازی می‌افکند.»^۱

ب. غنای نفس (نفس مطمئنه): به معنی اینکه نفس بر مقصود خود (حق تعالی) استقامت ورزد و کاملاً متوجه حق شود و از ریا و زیاده‌خواهی مادی پرهیز کند. وقتی توجه انسان از دیگران قطع شود، نه غضب و خشم بیجایی شکل می‌گیرد و نه خودنمایی و تظاهر و زراندوزی و زیاده‌خواهی. لذا در روایات دینی آورده شده: «چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم همگی بی‌نیاز می‌شوند.»^۲ و یا این‌که: «وقتی حضرت مهدی علیه السلام از کنار بیت الهی قیام خود را آغاز کرده و با مردم صحبت می‌کند، آنان را به یاد خدا می‌اندازد.»^۳

ج. غنای انسان به غنای حق: یعنی متصف شدن به صفات الهی و شهود ذکر حق تعالی و فانی شدن در ذات باری تعالی. امام معصوم علیه السلام در این باب می‌فرماید: «در دوران ظهور، امر خداوند برتری داده می‌شود و دین خدا در میان مردم ظاهر می‌گردد.»^۴

از دیگر احادیث مهم در این زمینه می‌توان به روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اشاره کرد که می‌فرماید: «زمین پربرکت می‌شود و امت من

۱. «اذا خَرَجَ المَهْدِيُّ علیه السلام القى الله الغنى فى قلوب العباد»؛ ملحقات الاحقاق، ج ۲۹، ص ۳۳۴.

۲. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَعْنَى النَّاسُ»؛ کتاب الغیبه، ص ۴۶۸.

۳. ر.ک: «نادى بأعلى صوته يقول أذكركم الله أيها الناس»؛ الملاحم والفتن، ص ۶۴.

۴. «فَيُعْلَى أَمْرُ اللَّهِ وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

در عصر او چنان زندگی [خوبی] دارند که در هیچ زمانی چنین نبوده است.^۱ نبی مکرم اسلام ﷺ در جای دیگری می‌فرماید: «امت من در زمان امام مهدی علیه السلام آن قدر از نعمت‌های الهی برخوردار باشند که هرگز نظیر آن را در عالم متنعم نشده‌اند؛ و این نعمت‌ها فقط برای نیکان نیست، بلکه نیک و بد همه از این نعمت‌های بی‌پایان و خوان‌گسترده مهدوی استفاده می‌کنند.»^۲ ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «کسی به حضور مهدی علیه السلام می‌آید و تقاضای کمک می‌کند؛ پس دستور می‌دهد مال را در لباس او بریزند، به صورتی که نمی‌تواند آن را حمل کند.»

همچنین در روایات دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده «زمین به وسیله مهدی علیه السلام آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله او چشمه‌سارها روان می‌گردد... و خیرات و برکات زیاد می‌شود»^۳، «خداوند برای قائم علیه السلام، گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد»^۴، «[هنگام ظهور مهدی علیه السلام] زمین گنج‌های خود را آشکار و برکاتش را بیرون می‌ریزد»^۵، «... آسمان باران‌هایش را فرو می‌ریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می‌سازند و

۱. منتخب الآثار، ص ۵۹۱.

۲. «يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ...» بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۳. «... وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ وَتَصْفُو، وَتَزْهَوِ الْأَرْضُ بِمَهْدِيهَا، وَتَجْرِي بِهِ أَنْهَارُهَا...» ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۳۸.

۴. «... يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا...» کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴.

۵. «فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بُرْكَاتِهَا»؛ الارشاد فی معرفه حجج الله على العباد، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۸۴.

زمین گیاهانش را بیرون می‌فرستد و برای ساکنانش آرایش می‌کند»^۱ و «آسمان چنان که باید، باران ببارد و زمین گیاه برویاند.»^۲

حضرت علی علیه السلام نیز در این باب می‌فرماید: «... از رنج طلب و سختی [در راه دست‌یابی به امور زندگی] آسوده می‌شوید و بار سنگین زندگی را از شانه‌هایتان بر زمین می‌نهد.»^۳

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید: «شما به جست‌وجوی اشخاص برمی‌آید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند.»^۴ ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «در روی زمین جایی نمی‌ماند، جز این که آباد می‌گردد.»^۵

۳. تعلیم و تزکیه بشر در راه تعبد و بندگی

به استناد آیه ۵۶ سوره «ذاریات»، هدف از خلقت جن و انس، پرستش خدای متعال و بندگی است؛ اما برای رسیدن به این هدف، از چه ابزاری باید بهره جست؟

به زعم بسیاری از مفسران، راه رسیدن به مقام بندگی؛ تعلیم و تزکیه بشر توسط رهبران صالح است. لذا مطابق بیان شریف قرآن کریم، یکی

۱. «تُعْطِي السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَزِينُ لِأَهْلِهَا»؛ بشارة الاسلام فی علامات المهدی، ص ۷۱.

۲. «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطَرَهَا، وَ لَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا ...»؛ تحف العقول، ص ۱۱۵.

۳. «... وَ كَفَيْتُمْ مَوْنَةَ التَّعْشِفِ وَ الظَّلْبِ وَ تَبَدُّتُمُ الثَّقَلِ الْفَادِحِ عَنِ الْأَعْتَاقِ...»؛ همان، ص ۱۱۱.

۴. «... حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ...»؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

۵. «... فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُصِرَ...»؛ كشف الغممه، ج ۲، ص ۵۳۴.

از آرزوهای سازنده قرآنی مربوط به تحقق تعلیم و تزکیه در جامعه انسانی است، چراکه «تعلیم» و «تزکیه» دو بال پرواز به سوی ملکوت و تکاملند و هیچ جامعه‌ای بدون تعلیم و تزکیه نمی‌تواند رشد مادی و معنوی داشته باشد.

از این رو خدامحوری، ایمان حقیقی، بصیرت، ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی را باید ثمره علم همراه با تزکیه دانست. واقعیتی که در طول تاریخ سبب شده تا حاکمان مستبد، استثمارگر و زورگو در مقام مقابله با آن برآمده و تلاش کنند علم را به عنوان یک ابزار در خدمت منافع دنیوی خود مصادره کنند و مانع از فراگیر شدن آن به عنوان عامل ارتقای بینش، بصیرت و حقیقت‌طلبی جامعه شوند. در مقابل، حاکمان و فرستادگان الهی، دو رکن اصلی برای این حرکت عظیم را، تعلیم و تزکیه می‌دانستند و همه تلاش خود را در جهت بسط و ترویج علم و اخلاق به کار می‌گرفتند. از اینرو حضرت ابراهیم علیه السلام خواستار برانگیختن رسولی می‌شود که ذریه‌اش را کتاب و حکمت بیاموزد و پاک و پاکیزه‌شان گرداند:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛
پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند، زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی.

مفسران فریقین به استناد روایات متعدد، مراد از «رسول» در این آیه را حضرت محمد ﷺ می‌دانند.^۱ از جمله این روایات، حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که می‌فرماید: «من، از دعای پدر خود ابراهیم هستم.»^۲ که در آیه مورد بحث، یکی از اهداف تقاضای ظهور پیامبر اسلام ﷺ، تزکیه و پاک‌سازی است تا شرک از قلب مردم زدوده^۳ و محبت الهی جایگزین آن شود.^۴

اما نکته این جاست که اگرچه بخش اعظم این آرزوی حضرت ابراهیم علیهِ السلام با رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ تحقق یافت، ولیکن به دلیل کارشکنی حاکمان مستبد، این آرزوی سازنده به صورت کامل محقق نشده است. لذا برای این‌که طرح چنین آرزویی در کتابی آسمانی نظیر قرآن کریم موضوعی عبث تصور نشود، می‌بایست محملی برای تحقق آن یافت که این محمل چیزی جز عصر ظهور نیست، چرا که تنها برهه‌ای که بشر می‌تواند خود را شاهد تحقق این آرزو تصور کند، عصری است که در آن جامعه‌ای متحد، الهی و جهانی تشکیل شده باشد. لذا به استناد منابع روایی، فراگیری تعلیم و تزکیه در عصر ظهور محقق خواهد شد. امام صادق علیهِ السلام در این باره می‌فرماید: «در زمان ظهور، به مردم حکمت عطا می‌شود»^۵؛ «و او مانند پیامبر ﷺ

۱. الکشاف، ج ۱، ص ۱۸۹؛ المیزان، ج ۱، ص ۴۴۹.

۲. «أنا دعوة أبي إبراهيم»؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۹.

۳. الکشاف، ج ۱، ص ۱۸۹؛ و نیز ر.ک: من وحی القرآن، ج ۳، ص ۳۴.

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۲.

۵. الغیبة (نعمانی)، ص ۲۳۹.

نشانه های جاهلیت را از بین می برد»^۱؛ و یا این که در راستای رهایی بشر از جهل و نادانی در عصر ظهور، دانش تا بدان جا ارتقا می یابد که اگر «علم ۲۷ بخش باشد، تا پیش از ظهور تمام آنچه فرستادگان خدا آورده اند، دو بخش آن خواهد بود و آن گاه که قائم علیه السلام ظهور کند، ۲۵ بخش دیگر آشکار می شود و آن ها را میان مردم منتشر ساخته و دو بخش دیگر را نیز بدان ضمیمه می کند»^۲.

از سوی دیگر، تحقق تعلیم و تزکیه در میان مؤمنان، یکی از شرایط ظهور و تحقق آرمان شهر مهدوی به شمار می رود؛ به طوری که قرآن کریم در باب حکومت بر زمین می فرماید:

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳؛
یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست؛ آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می بخشد، و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.

پس بر اساس این آیه و سایر آیات قرآنی می توان گفت، خداوند به مؤمنان و صالحان وعده حاکمیت و استخلاف روی زمین را داده ؛ اما تحقق آنرا مشروط کرده است. یکی از این شروط ایجاد «آگاهی، رشد و خیزش جهانی اهل ایمان و عمل صالح» است. زیرا تنها پس از تسلیح شدن به دو رکن تعلیم و تزکیه است که می توان با قیام و آگاهی بخشی

۱. همان، ص ۲۳۱.

۲. «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حُرُوفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. أعراف: ۱۲۸.

به جهانیان، مشمول عنایات و وعده های الهی شد و شایستگی تشکیل حکومت جهانی را به دست آورد. در نتیجه، مؤمنان در دوران پیش از ظهور باید بکوشند تا با گسترش تعلیم و تزکیه، جهان را برای پذیرش حکومت مهدوی آماده کنند.

نکته دیگری که در باب تحقق آرزوی تعلیم و تزکیه در عصر ظهور می توان اشاره کرد، تحقق «بصیرت اخلاقی» بر اثر تعلیم و تزکیه است. «بصیرت» در لغت به معنای بینش، دانایی، هوشیاری و آگاهی است، و در اصطلاح همان عقلی است که با نور قدسی منور و به شعاع هدایت الهی آراسته گشته است. از این رو، در مشاهده خطا نمی کند و به دلیل و برهان نیاز ندارد؛ بلکه حق را، روشن و آشکار می بیند و باطل را با خواری و ذلت نفی می کند. پس منظور از بصیرت اخلاقی در این جا یعنی تربیتی که بتواند همه ابعاد و زوایای انسان را در بر گیرد و او را به کمال نهایی برساند، چنان که صاحب *منازل السائرین* می گوید: «بصیرت چیزی است که تو را از حیرت خلاص می کند.»^۱

بنا بر این معنا، یکی دیگر از عوارض ظهور جامعه مهدوی، تحقق تعلیم و تزکیه به منزله انتقال بصیرت اخلاقی در میان آحاد جامعه است که منجر به رفع شک و شبهه از میان اجتماع مؤمنان خواهد شد و توجیهات نفسانی و خطوات شیطانی را بی ثمر خواهد کرد. و این امر محقق نمی شود مگر در دوران ظهور، چرا که در این دوران شیوه رفتار امام عصر علیه السلام مشابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده و تربیت امت ها به

۱. «البصيرة ما يُخَلِّصُكَ مِنَ الْحَيْرَةِ»؛ *منازل السائرین*، ص ۵۹۰.

همان روشی انجام خواهد شد که پیامبر اسلام ﷺ اجرا می کرده و به اتکای آن توانسته بود جامعه بدوی جزیره العرب را در مدتی کوتاه به جامعه ای متمدن و تمدنی جهانی مبدل سازد؛ واقعیتی که خداوند در قرآن کریم در باب آن می فرماید:

﴿... وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۱؛

... و بارهای تکالیف سنگین و زنجیرها [ی جهل، بی خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است، برمی دارد.

البته در این جا منظور از زنجیر و مشقت، بندها و زنجیرهای مادی نیست، بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم ﷺ با تلاش های فراوان فرهنگی، آن ها را از انسان ها برطرف ساخت.^۲

هم چنین امام باقر علیّه السلام در این باره می فرماید:

چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول و خردهای آن ها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند.^۳

ایشان در جای دیگری می فرماید: «مهدی علیّه السلام قلعه های گمراهی و نادانی و دل های بسته را می گشاید»^۴، زیرا یکی از انگاره های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به

۱. أعراف: ۱۵۷.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: تعلیم و تربیت در عصر ظهور.

۳. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ»؛

الخرائج والحرائج، ج ۲، ص ۸۴۰.

۴. «... يَفْتَحُ خُصُوفَ الضَّلَالَةِ وَقُلُوباً غُلْفًا...»؛ نيباع المودة، ج ۳، ص ۳۹۰.

همه افراد اجتماع است. یعنی همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شوند و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی بپردازند و اگر بخش هایی از اجتماع، از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره بمانند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند.

۴. دریافت حکمت و پیوستن به صالحان

سومین آرزو و دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، متصف شدن به ویژگی های امت آخرالزمان است؛ یعنی تعلیم حکمت و پیوستن به بهترین بندگان خدا:

«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»^۱؛

پروردگارا! به من حکمت بخش و مرا به شایستگان ملحق کن. گواه بر این که حکومت مهدی علیه السلام و امت آخرالزمان، حکومت صالحان است، روایاتی است که ذیل آیه شریفه ۱۰۵ سوره انبیاء آمده است: «و ما در زبور - پس از تورات - نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.» از امام باقر علیه السلام روایت شده که در تفسیر این آیه فرمودند: «ایشان اصحاب مهدی هستند در آخرالزمان.»^۲ شهید مطهری معتقد است در: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، صحبت منطقه و محل و شهر نیست؛ اصلاً فکر آن قدر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است.^۳

۱. شعراء: ۸۳.

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۲.

۳. مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۶۸.

لذا اگر بر اساس آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، مصداق صالحان را امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان در نظر بگیریم، مشخص می شود که حضرت ابراهیم علیه السلام آرزوی الحاق به این بزرگان را داشته و به عنوان شاخصی برای مؤمنان در تمامی دوران ها آن را مطرح کرده است. لذا تحقق این آرزوی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز تنها منوط به ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود.

اما برای توضیح ابعاد حکمت مورد اشاره حضرت ابراهیم علیه السلام و اهمیت آن در عصر ظهور، توجه به دو نکته ضروری است:

یک. «حکم» و «حکمت» از یک ریشه اند و به گفته راغب، حکمت، رسیدن به حق از طریق علم و آگاهی و شناخت موجودات و افعال نیک است^۱ و این همان چیزی است که بعضی فلاسفه از آن به عنوان «کمال قوه نظریه» تعبیر کرده اند؛ همان حقیقتی که لقمان از ناحیه خدا دریافت کرده بود:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌ حَمِيدٌ﴾^۲؛ و به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم که: برای خدا سپاس گزار و هر که سپاس گزارد، تنها به سود خود سپاس می گزارد، و هر که ناسپاسی کند [به خدا زیان نمی زند، زیرا] خدا بی نیاز و ستوده است.

و به عنوان «خیر کثیر» در آیه ۲۶۹ بقره از آن یاد شده:

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۸.

۲. لقمان: ۱۲.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۱؛ حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد، و آن‌که به او حکمت داده شود، بی‌تردید او را خیر فراوانی داده‌اند.

علامه جعفری نیز معتقد است:

«حکمت» عبارت است از: معرفت لازم برای شناخت و دریافت اصول و قواعد کمال در عرصه دنیا و سرای ابدیت، و به کار بستن آن‌ها در مسیر حیات معقول.^۲

دو درك حکمت در آیه شریفه، بی‌ارتباط با پیوستن به صالحان نیست، زیرا درك حکمت از آن جهت که موهبت ویژه الهی است صرفاً به بندگان خاص عطا می‌شود و انسان به وسیله آن به درك حقایق نائل می‌شود که برای همگان ممکن نیست. لذا این‌که ابراهیم علیه السلام از خدا درخواست می‌کند که خداوند ویژگی‌های امت آخرالزمان را به او عطا نماید، بدین جهت است که در طول تاریخ مومنان فراوانی به نعمت حکمت نایل شده‌اند، اما تعداد این افراد در هر عصری محدود بوده ولیکن در عصر ظهور شامل بسیاری از مردم می‌شود، به گونه‌ای که اکثر مردم قادر به درك این فیض عظیم خواهند شد. به عبارت دیگر می‌توان گفت تعلیم حکمت قدسی، بارزترین ویژگی عصر ظهور است و مردم در پرتو این تعالیم، در جهت نورانیت و کسب معنویت درون گام بر خواهند داشت.^۳ امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «در زمان

۱. الکشاف، ج ۳، ص ۳۳۰؛ و نیز ر.ک: مفاتیح الغیب، ج ۱۴، ص ۳۳۳.

۲. عرفان اسلامی، ص ۱۴۹.

۳. تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۲۸.

ظهور، به مردم حکمت عطا می شود.^۱

اهمیت حکمت در آن است که به عنوان پیش شرط مقابله با وسوسه های شیطان معرفی شده است. وسوسه شیطان مهم ترین مانع شکوفایی انسان است و تا این منشأ آلودگی از بین نرود، بسیاری از جنایت ها، باقی خواهند ماند. لذا در عصر ظهور، گسترش حکمت باعث نابودی مکر شیطان خواهد شد و زمینه برای جذب انسان ها به سمت حقیقت فراهم خواهد شد. لذا وقتی وهب بن جمیل از امام صادق علیه السلام می پرسد: «خداوند به شیطان تا وقت معلوم امان داده است؛ این "وقت معلوم" چه زمانی پایان می یابد؟» امام علیه السلام می فرماید: خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی [قائم قیام می کند]، به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: «ای وای بر من از امروز!» پس حضرت مهدی علیه السلام پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد.^۲

لذا از این زمان به بعد، زمینه برای فهم حکمت و قرار گرفتن در زمره صالحان برای مؤمنان فراهم و زمین از نیرنگ پاک^۳ و دولت های باطل و فاسد از میان خواهند رفت.^۴

۱. «... تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ...» الغيبة (نعمانی)، ص ۲۳۹.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳.

۳. «... لَيُعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ...» بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ...» الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

نکته دیگری که در اثبات این مسئله می توان به آن اشاره کرد، وعده الهی در خصوص اعطای حکمت به پرهیزگاران است که در آیه ۹۷ سوره «نحل» به این صورت مورد اشاره قرار گرفته: «هر کس، از مرد یا زن، کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک، زنده خواهیم داشت.» به اعتقاد مفسران، هنگامی که این نیرو به دست آمد، ثمره حکمت از آن حاصل می شود که خود سرچشمه اخلاق نیکوست و همان است که خداوند در توصیفش فرموده: «به هر کسی که حکمت داده شود، خیر فراوانی به او اعطا گشته است».



۵. عبودیت حقیقی در سایه نماز

از دیگر آرزوهای سازنده مورد اشاره در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام توفیق برپاداشتن نماز توسط ذریه ایشان است:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾؛
 پروردگارا! مرا برپادارنده نماز قرار ده، و نیز از فرزندانم
 [برپادارندگان نماز قرار ده]. و پروردگارا! دعایم را بپذیر.

در تفسیر المنیر درباره این دعای حضرت ابراهیم علیه السلام چنین آمده است:

مراد از اقامه نماز، به جا آوردن آن با تمام آداب ظاهری و باطنی و حفاظت بر حدود آن است و این که از میان سایر

عبادات، نماز را در دعای خود آورده، به این خاطر است که نماز، پایه و ستون ایمان و وسیله تطهیر نفوس از فحشا و منکر است.^۱

از این رو، آرزوی برپا داشتن نماز، اخلاص عمیق ابراهیم علیه السلام را نسبت به عبودیت خدا نشان می‌دهد و پاسخی است به ندای الهی که بندگان را به حرکت در راه مستقیم فرا می‌خواند؛ لذا پس از این تقاضا از خداوند می‌خواهد که دعایش را بپذیرد: «رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءً». درخواست پذیرش دعا نیز بدین جهت است که به عنوان مظهر جلب رضایت خدا قلمداد می‌شود و انسان خود را در میدان رحمت و لطف پروردگار مشاهده می‌کند.^۲

اما نکته حایز اهمیت در این آیه، طلب نمازگزاری برای سایر انسان‌ها از جمله ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام است. لذا با عنایت به بخش‌های قبلی مربوط به آرزوهای حضرت ابراهیم علیه السلام اگر بخواهیم این فراز را تفسیر کنیم، باید بگوییم: در هنگامه ظهور به دلیل نابودی کافران و ذریه آنان و تحقق آرزوی تعمیق بصیرت دینی در ابنای بشر، که به دلیل شیوه نبوی حضرت حجت علیه السلام در تربیت امت‌ها حادث می‌شود، این دعا تحقق خواهد یافت و دیگر هیچ انسانی از اصل فطری یکتاپرستی خود غافل نخواهد ماند و مسخ شده‌ای رانمی‌توان در عالم سراغ گرفت که به دین اسلام و فریضه مهم نماز، بی‌توجه باشد. برای اثبات این موضوع می‌توان از آیات مختلفی نیز شاهد آورد؛ مثلاً در آیه ۴۱ سوره

۱. المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج ۱۳، ص ۲۶۶.

۲. من وحی القرآن، ج ۱۳، ص ۱۲۱.

حج می خوانیم:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند، زکات می پردازند، مردم را به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای زشت باز می دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.

در بعضی روایات اسلامی آیه مزبور به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، تفسیر شده چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آورده شده: «این آیه تا آخر، از آن آل محمد و مهدی و یاران اوست.»^۱

لذا می توان گفت آرزوی نمازگزار بودن ذریه ابراهیم علیه السلام که شامل تمامی یکتاپرستان در سراسر جهان می شود، به استناد آیه مزبور در شرایطی محقق می شود که بندگان صالح خدا، زمام امور را در دست بگیرند؛ و این امر نیز تحقق نمی یابد، مگر در دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که زعامت تمامی جهان در ید قدرت ایشان خواهد شد و تقوا و پرهیزگاری را احیا خواهند کرد.^۲ چنان که رهبر معظم انقلاب نیز در این باب می فرماید:

اقامه نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است و در رتبه بعد از آن است که نوبت به «زکات» به مثابه تنظیم مالی جامعه و ریشه کن کردن فقر، و نیز امر به معروف و نهی

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۲۲۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۵؛ و نیز: نور الثقلین، ج ۳،

ص ۵۰۶.

۲. «... يُشِيرُ بِالْتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهَدَى...»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

از منکر، یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسند. ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ...﴾ اقامه نماز فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگذارند. این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقف باشد، بلکه باید این ستون دین در جامعه، به پا داشته شود و همه کس با رازها و اشاره‌های آن آشنا و از برکات آن برخوردار گردند.^۱

بدین ترتیب باید اذعان کرد که نماز به عنوان شاخص توحید در عصر ظهور در سراسر زمین گسترده خواهد شد و این وعده در روایات متعدد اشاره شده از جمله اینکه: «هنگامی که او قیام می‌کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن که گلبانگ توحید در آن بلند گردد.»^۲

۶. سلب قدرت دشمنان

اربابان و حاکمان زور و زر همیشه با تکیه بر قدرت و توانایی مالی، مردم و افراد ضعیف الحال را استثمار کرده و این‌گونه وانمود می‌کنند که امنیت، سلامت و رزق در همراهی با آنها است و هر کس غیر از این راه را دنبال کند، بهره‌ای از عافیت نخواهد برد. لذا با این ترفند بسیاری از مردم ساده‌دل را به سوی خود کشانده و گمراه می‌کنند. از این رو، یکی از تقاضاهای حضرت موسی علیه السلام که در قرآن به آن اشاره شده، نابودی اموال و سختی قلوب کافران است. حضرت موسی علیه السلام در آیه ۸۸ سوره یونس، نابودی اموال فرعون و اتباعش را از خداوند تقاضا می‌کند، تا

۱. پیام به اولین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۰. (<https://farsi.khamenei.ir/newspart>)

([tid=۱۴۴۰&year=۱۳۷۰&nt=۴&index=۲۴۹۹](https://farsi.khamenei.ir/newspart?tid=۱۴۴۰&year=۱۳۷۰&nt=۴&index=۲۴۹۹))

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۸۳.

قدرت و شوکت آنان فرو ریخته و جلوه های مادی آنها نابود شود:

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»؛
موسی گفت: ای پروردگار ما! به فرعون و مهتران قومش در این جهان زینت و اموال داده ای؛ ای پروردگار ما! تا دیگران را از طریق تو گمراه کنند. ای پروردگار ما! اموالشان را تباه ساز و دلشان را سخت کن. ایمان نمی آورند تا آن گاه که عذاب دردآور را بنگرند.

البته به اعتقاد بسیاری از مفسران پس از این نفرین اموال فرعونیان به صورت سفال و سنگ درآمد اما همچنان فرعونیت زمانه بر همان مبنای فراعنه مصر اهداف خود را دنبال می کند.^۱ بطوریکه امروزه استکبار جهانی با در دست گرفتن دانش و فناوری روز و انحصار آن، ملت های مستقل را تهدید و ملت های سست و بی اراده را تحقیر می کند. به همین دلیل انبیاء و اولیای الهی در طول تاریخ همواره تلاش کرده اند تا با دستیابی به عدالت، بشریت را از شر طاغوت های ظالم رها کنند. خواسته ای که بر اساس آیات و روایات، تنها در حکومت عصر ظهور، به صورت تام و تمام تحقق پیدا خواهد کرد.. امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، قطایع از میان می رود و دیگر اقطاعی در میان

۱. مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۳۴۷؛ و نیز ر.ک: تفسیر روشن، ج ۱۱، ص ۸۹.

نخواهد بود.^۱ در روایت دیگری آورده شد «مهدی علیه السلام، فتنه ها و چپاول گری ها را از بین می برد و خیرات و برکات را زیاد می کند»^۲ و یا در جایی دیگر بیان شده «و به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل و حکومت عادلانه چگونه است»^۳. البته در مقام اثبات عقلی این روایات توجه به دو نکته الزامی است؛

نخست اینکه ظلم حاصل بی عدالتی است و همواره تعارضی تاریخی میان نیروی حق و باطل بر سر تحقق عدالت برقرار بوده و تا زمانی که مطلوب جبهه حق محقق نشود، مسیر حرکت تاریخ به نقطه تکامل و تعادل خود نخواهد رسید.

دوم اینکه؛ تنظیم روابط افراد، بدون توجه به عدالت، تنها سرابی وهم آلود است که امکان تداوم نخواهد داشت. لذا اگر جامعه ای مدعی ارزش های الهی باشد اما عدالت در آن نمودی نداشته باشد قطعاً پایدار نخواهد ماند و متقابلاً اگر جامعه ای، ولو به ظاهر، متمدن و پیشرفته باشد اما در پس آن تبعیض و بی عدالتی و استثمار حکم فرما باشد، آن جامعه نیز پایدار نخواهد ماند.

به همین دلیل باید انتظار داشت؛ عدالت در کنار سایر آرمان های دست نیافته بشر، در عصر غیبت محقق شود و کام انسان را شیرین کند

۱. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اصْمَحَلَتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ...» وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۲. البته منظور از «قطایع»، زمین هایی از اراضی خراجی است که از راه امتیاز، به نزدیکان حکام و سلاطین داده می شود و این گونه بذل و بخشش های خودسرانه، موجب تشکیل طبقه ممتاز در جامعه می گردد.

۲. «... وَ تَعْلِمُ الْفِتْنُ وَالْغَارَاتُ وَ يَكْثُرُ الْخَيْرُ وَ الْبَرَكَاتُ»؛ منتخب الأثر، ص ۲۰۹، ح ۴۹.

۳. «... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ...» نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

در حالیکه پیش از آن بر اثر بی عدالتی ها تلخ شده است. همچنانکه
علاء بن بشیر از ابوصدیق ناجی و او نیز از ابوسعید خدری روایت کرده
که رسول اکرم ﷺ فرمود:

مژده باد شما را به ظهور و برانگیخته شدن مهدی ﷺ در
امت من، در حالی که اختلافات تمام مردم را در بر گرفته و
فاصله طبقاتی زیاد گشته است! آن گاه حضرتش زمین را از
عدل و داد پر می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده
بود. ساکنین آسمان و زمین از او راضی و خشنود بوده، اموال
را به طور مساوی بین مردم تقسیم می کند.^۱

راه تحقق این مهم و عینیت یافتن دعای حضرت موسی ﷺ و وعده
پیامبر نیز بر اساس روایات متعدد از دو مجرای زیر خواهد بود:
_ نخست: اجرای عدالت و بازپس گرفتن حقوق مظلومان از ظالمان.
_ دوم: تغییر در مناسبات اجتماعی به منظور تحقق نظام عدالت
اجتماعی.

آرزوی مشترک همه انبیاء ﷺ

خداوند متعال در آیه ۵۲ سوره حج، از آرزوی مشترک بین همه انبیا
و رسولان الهی ﷺ خبر می دهد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى
الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ

۱. «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إختلافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ
عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلماً تَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحاحاً
فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحاحاً قَالَ ﷺ: بالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ غِنًى
وَيَسْغُوهُمْ عَدْلُهُ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

اللَّهُ ءَايَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر آن که هرگاه آرزو می‌کرد [اهداف پاک و سعادت بخش خود را برای نجات مردم از کفر و شرك اجرا کند]، شیطان [برای بازداشتن مردم از پذیرش حق] در برابر آرزویش شبهه و وسوسه می‌انداخت؛ ولی خدا آنچه را شیطان [از وسوسه‌ها و شبهه‌ها می‌اندازد] می‌زداید و محو می‌کند، سپس آیاتش را محکم و استوار می‌سازد و خدا دانا و حکیم است.

اکثر مفسران بر این نظر هستند که مراد از «آرزوی پیامبران» در آیه مورد بحث، طرح‌ها و برنامه‌های پیامبران برای پیشرفت دین و یا فراهم شدن اسباب پیشرفت آن و ایمان آوردن مردم بوده که با القائات شیطان در میان امم و دخالت‌های او در شکل‌گیری آرزوی بازدارنده در میان مردم، ناکام مانده است.^۱

لذا وهب بن جمیع می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «این که خداوند به شیطان فرمود: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾، این وقت معلوم چه زمانی است؟» آن حضرت فرمود: «خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی (قائم قیام می‌کند) آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد.»^۲

۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۵۵۳؛ و نیز ر.ک: مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۵؛ أحسن الحديث، ج ۷، ص ۶۶.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲.

هم چنین در حدیثی از امام کاظم علیه السلام نقل شده: «... به دست او، هر جبار سرسختی نابود می شود و هر شیطان سرکشی نابود می گردد.»^۱ که اگر «شیطان» را رهبر گروه باطل بدانیم، یک وجه نابودی او در عصر ظهور، از بین رفتن باطل در آن دوران خواهد بود.

هم چنین مطالب ارائه شده در برخی تفاسیر، پیرامون آیه *﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾*^۲؛ بگو: حق آمد و باطل نابود شد. حقا که باطل نابود شدنی بود، مؤید این موضوع است. برای مثال، در تفسیر نمونه چنین آمده است:

بر اساس احادیث، قیام مهدی علیه السلام از روشن ترین مصداق های این آیه است و نتیجه آن، پیروزی نهایی حق بر باطل در سراسر جهان است. این قانون کلی الهی و قاموس تخلف ناپذیر آفرینش (پیروزی حق)، در هر عصر و زمانی، مصداقی دارد. قیام [و بعثت] پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروزی آن حضرت بر لشکر شرک و بت پرستی و نیز قیام مهدی علیه السلام بر ستمگران و جباران جهان، از چهره های روشن و تابناک آن قانون عمومی است.^۳

لذا از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود علیه السلام، آخرین مرحله از مبارزات حق در برابر باطل است. او تحقق بخش آرمان ها و خواسته های همه پیامبران و اولیای الهی

۱. «... وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ...»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۵.

خواهد بود؛ چنانچه شهید مطهری نیز در این رابطه می گوید:

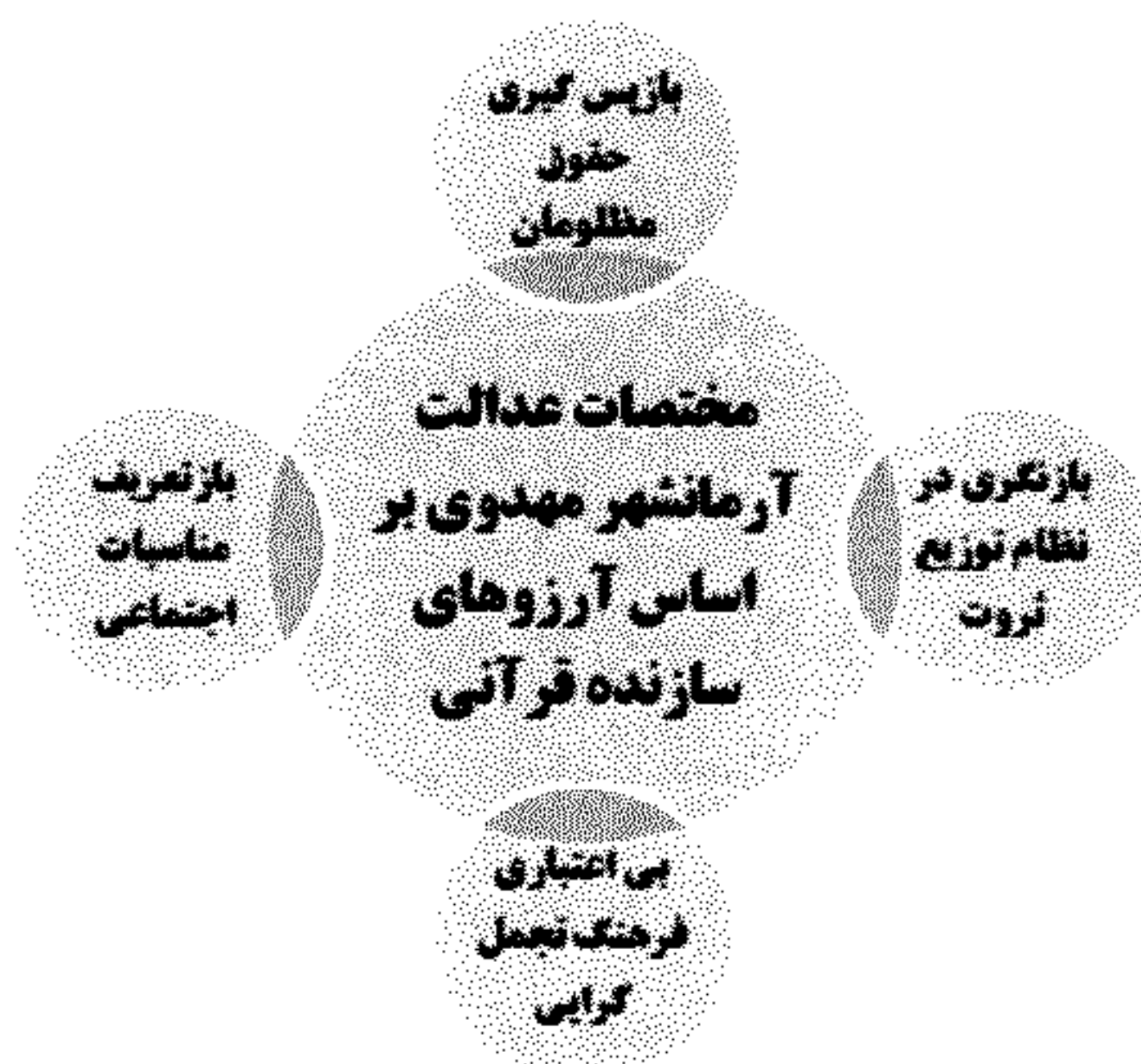
از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود علیه السلام آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود علیه السلام، تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است.^۱

او هم چنین می افزاید:

انسان نیز تدریجاً از لحاظ ارزش های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان ایده آل و جامعه ایده آل نزدیک تر می شود، تا آن جا که در نهایت امر، حکومت عدالت، یعنی حکومت کامل ارزش های انسانی - که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است - مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود.^۲

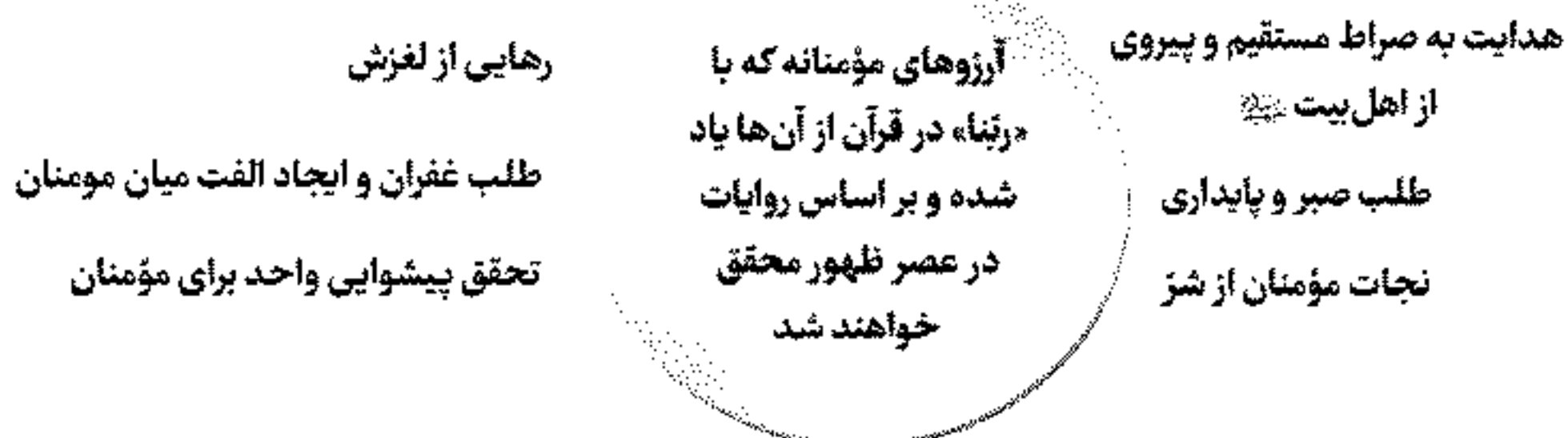
۱. مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۴۲.

۲. همان، ص ۴۲۷.



آرزوهای مؤمنان

یکی دیگر از ابعاد آرمان شهر توحیدی عصر ظهور تحقق آرزوی مؤمنان است. برای این منظور، الفاظی در قرآن که بر دعا و درخواست دلالت می‌کنند (نظیر: رَبَّنَا وَ رَبِّ)، به مجموعه‌ای از دعاها و آرزوهای مؤمنان تفسیر می‌شود که تا کنون یا محقق نشده‌اند و یا این که تحقق کامل آن‌ها در جامعه جهانی عصر ظهور ممکن خواهد شد. اهم محورهاى این قبیل ادعیه و آرزوهای سازنده عبارت است از:



۱. آرزوی هدایت بشر

یکی از مهم ترین آرزوهای انسان مؤمن این است که خداوند متعال، او را به راه خود هدایت کرده و هر لحظه بر این هدایت بیفزاید؛ لذا در هر شبانه روز لا اقل ده بار پس از اظهار تسلیم در برابر پروردگار و وصول به مرحله عبودی و استعانت و استمداد از ذات پاک او، نخستین تقاضایش این است که او را به راه راست، راه پاکی و نیکی، و راه ایمان و عمل صالح هدایت بفرماید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱؛ ما را به راه راست هدایت کن.

البته مفسران ذیل تفسیر این آیه، به معرفی مصادیقی از «صراط مستقیم» پرداخته اند که عبارت است از: اسلام^۲، کتاب خداوند^۳، راه فطرت سالم^۴، راه خداوند، راه انبیا، راه بندگی خدا، تکیه و توکل بر خدا و....^۵ صاحب تفسیر المیزان نیز پس از آن که توضیحاتی در زمینه تفاوت «صراط» و «سبیل» بیان می دارد، درباره «صراط مستقیم» می گوید:

صراط مستقیم، راهی است به سوی خدا که همه راه های خلاق به سوی خداوند، شعبه ای از آن است و هر طریقی که آدمی را به سوی خدا و حق راهنمایی می کند، بهره ای از صراط مستقیم را داراست؛ به این معنا که هر راه و طریقه ای که فرض شود، به آن مقدار آدمی را به سوی خدا راهنمایی

۱. فاتحه: ۶.

۲. الکشاف، ج ۱، ص ۱۵.

۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۸.

۴. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۸۶.

۵. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰.

می‌کند که خودش از صراط مستقیم، دارا و متضمن باشد. اما خود صراط مستقیم بدون هیچ قید و شرطی، رهرو خود را به سوی خدا هدایت می‌کند و می‌رساند. و به همین جهت خدای متعال نام آن را «صراط مستقیم» نهاد، چون کلمه «صراط» به معنای راه روشن است، زیرا از ماده «ص ر ط» گرفته شد، که به معنای بلعیدن است و راه روشن، کانه رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خویش فرو برده که دیگر نمی‌تواند این سو و آن سو منحرف شود. کلمه «مستقیم» هم به معنای هر چیزی است که بخواهد روی پای خود بایستد و بتواند بدون این که به چیزی تکیه کند، بر کنترل و تعادل خود و متعلقات خود مسلط باشد؛ در نتیجه برگشت معنای «مستقیم» به چیزی است که وضعش متغیر و تخلف‌پذیر نباشد. حال که معنای «صراط» آن شد و معنای «مستقیم» این، پس صراط مستقیم عبارت می‌شود از: صراطی که در هدایت مردم و رساندنشان به سوی غایت و مقصدشان تخلف نکند و صد در صد این اثر خود را ببخشد.

همان‌طور که صراط مستقیم مافوق همه سبیل‌هاست، هم چنین اصحاب صراط مستقیم که خدا آنان را در آن صراط جای داده، مافوق سایر مردمند، چون خدای تعالی امور آنان را خودش بر عهده گرفته و امور مردم را به عهده آنان نهاده و امر هدایت ایشان را به آنان واگذار کرده و فرموده: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا^۱؛
و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از
پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود
که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و
اینان نیکو رفیقانی هستند. و نیز فرموده: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ رَاقِعُونَ^۲؛ سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول
اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالبند] که همواره نماز
را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند [به تهی دستان] زکات
می دهند. که به حکم آیه اول، صراط مستقیم را صراط انبیا
و صدیقین و شهدا و صالحین دانسته و به حکم آیه دوم با
در نظر گرفتن روایات متواتره، صراط را امیرالمؤمنین علی بن
ابی طالب علیه السلام شمرده و آن جناب را اولین فاتح این صراط
دانسته است.^۳

با این توضیحات مشخص می شود که آرزوی اصلی مؤمنان، همانا
ثبات قدم در بندگی و پیروی از صالحان است که در رأس همه آنان
اهل بیت پیامبر اعظم علیه السلام جای می گیرد. لذا در ادبیات قرآن کریم از
این موضوع با عنوان «هدایت» یاد شده و مصداق بارز آن در همراهی و
پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تفسیر شده است.
لذا می توان استنتاج کرد که آرزوی هدایت انسان، به معنای درک

۱. نساء: ۶۹.

۲. مائده: ۵۵.

۳. ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۵۵-۵۵.

وجود مقدس و نورانی اهل بیت علیهم السلام تا پیش از وقوع ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ممکن نبوده و تنها در دوران ظهور است که فرصت این نعمت و تحقق آرزوی مؤمنانه فراهم می شود.

در این زمینه علامه طباطبائی ذیل تفسیر آیه *﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾*^۱؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند، می افزاید:

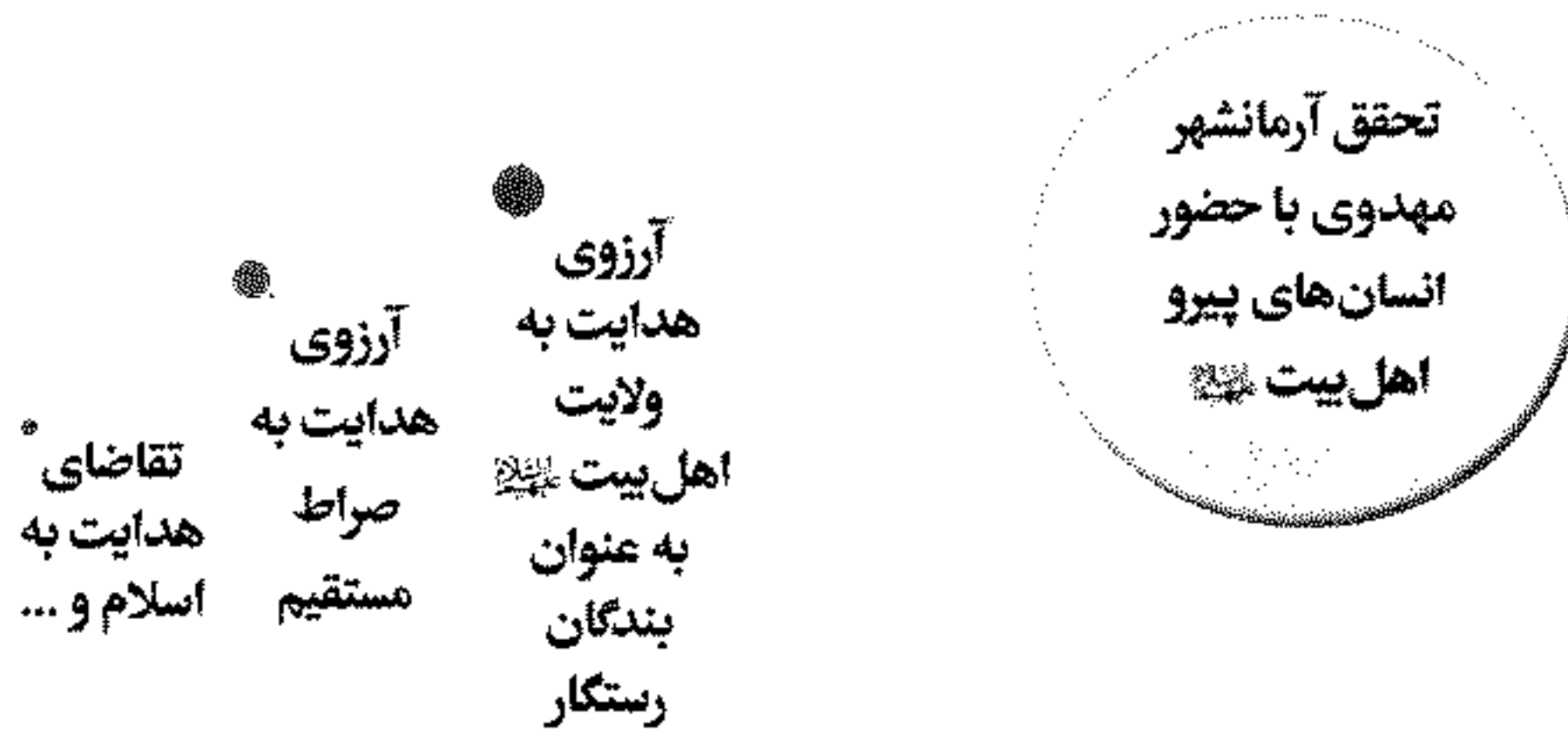
این آیه در مقام تعلیل جمله *﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾* در آیه قبلی است و معنایش این است که: خدا نور خود را تمام می کند، برای این که خدا آن کسی است که رسول خود را با نورش گسیل داشت؛ نوری که همان هدایت و دین حق است، تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد، هرچند مشرکان بت پرست نخواهند.^۲

این یعنی عصر ظهور، عصر تحقق ولایت حقه است. در واقع خداوند ولایت را نوری بی پایان قرار داده است که هیچ شیطنی توان خاموش کردن آن را ندارد و در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، این نور، که همان جریان هدایت اسلام است، به جایگاه اصلی خود می رسد.^۳

۱. صف: ۹.

۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۴۳۱.

۳. رك: سید مهدی میرباقری، ۱۳۹۰، خبر شماره ۷۴۱، Jamkaran.ir.



۲. رهایی بشر از لغزش ها و نزول رحمت الهی

یکی از مهم ترین نگرانی های بشر در مسیر نیل به سعادت ابتلا به لغزش هاست که می تواند بر اثر تغافل آدمی و یا وسوسه های نفسانی دامن گیر انسان شود. برای مثال، آیات متشابه و اسرار نهانی آن ممکن است لغزشگاهی برای افراد گردد؛ لذا راسخون در علم، ایمانشان را به آیات متشابه و محکم الهی اعلام می کنند:

﴿...وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱؛ و استواران در دانش [و چیره دستان در بینش] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند.

و علاوه بر به کارگیری سرمایه های علمی خود در فهم این آیات،

۱. آل عمران: ۷.

به پروردگار پناه می‌برند و از خدا می‌خواهند دل‌های آنان را بعد از هدایت، منحرف نسازد:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾^۱؛ [و می‌گویند:] پروردگارا! دل‌هایمان را پس از آن‌که هدایت‌مان فرمودی منحرف مکن و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بسیار بخشنده‌ای.

این درخواست نیز در واقع یکی از آثار رسوخ و ثبات ایمان در آنان است، چون خدا را آن‌طور که باید بشناسند، شناخته‌اند و یقین کرده‌اند که از ناحیه خود مالک هیچ چیز نیستند و مالکیت، منحصر در خداوند است و چون چنین ایمانی دارند، در هر حال این ترس را نیز دارند که خدا دل‌هایشان را بعد از رسوخ علم، منحرف سازد^۲ و یا از یقین و اطمینان شان بکاهد.^۳

اما از آن‌جا که احتیاج این گروه، تنها بقای رسوخ و نفوذ آنان در علم نیست و آنان در طریقی گام برمی‌دارند که به انواعی از رحمت دارند، از خداوند تقاضای ریزش رحمتش را طلب می‌کنند: ﴿... وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾. ذکر این نکته در این‌جا ضروری است که بدانیم کلمه «رحمت» به صورت اسم نکره آورده شده و سپس به وصف «مِنْ لَدُنْكَ» توصیف شده، چون خود مومنان هم اطلاعی از آن ندارند و نمی‌دانند که آن رحمت چگونه است بلکه تنها می‌دانند

۱. آل عمران: ۸.

۲. الکشاف، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۲۴۲.

اگر رحمتی از جانب پروردگار شامل شان نشود، اموراتشان به سامان نخواهد شد.^۱

حال در این جا این پرسش مطرح می شود که این رحمت چیست که مؤمنان به طور مستقیم از آن سخن به میان می آورند و آن را طلب می کنند، ولی آن را تشریح و تعریف نمی کنند؟ در پاسخ به این پرسش، دو دیدگاه مطرح می شود:

نخست گروهی که با استناد به آیات و روایات دینی معتقدند این رحمت همان نعمت های مادی هستند که هر جامعه ای برای رشد و رفاه به آن ها نیازمند است. لذا شاهد آن هستیم که از مطالب مهم در احادیث مربوط به ظهور امام زمان علیه السلام، و فور نعمت های مادی در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام است. برای مثال، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «خداوند، گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی علیه السلام ظاهر خواهد کرد.»^۲ یا در روایت دیگری از حضرت امیر علیه السلام نقل شده: «... هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهانش را خواهد رویانید... به گونه ای که زن، میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا روی گیاه پا خواهد گذاشت.»^۳

اما دسته ای دیگر از مفسران معتقدند این رحمت همان رحمت واسعه الهی، یعنی وجود مقدس امام عصر علیه السلام که می تواند علاوه بر

۱. المیزان، ج ۳، ص ۴۶.

۲. «... يُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا...» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۳. «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَلَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ» همان، ص ۳۱۶.

بهره‌مند ساختن آحاد جامعه از نعمت‌های مادی، زمینه‌رشد و تعالی معنوی آنان را نیز فراهم آورد. رشدی که مورد آرزوی مؤمنان بوده و آنان در طول تاریخ، درک آن را از خداوند متعال طلب کرده‌اند.

به استناد دیدگاه دوم، تحقق این آرزوی سازنده قرآنی تنها در سایه تحقق آرمان شهر مهدوی قابل تحقق خواهد بود، چراکه در این دوران به واسطه فیض حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تربیت‌های نفسانی ایشان، وعده عزت‌مندی بشر به واسطه‌رهایی یافتن از لغزش‌ها، محقق می‌شود. موضوعی که در روایات متعدد به آن اشاره شده از جمله این‌که: «مردم در عصر ظهور، بزرگ داشته شده و عزت می‌یابند.»^۱

۳. نجات مؤمنان از شرّ ظالمان

آسیه، همسر فرعون، هنگامی که معجزه موسی علیه السلام را در مقابل ساحران مشاهده کرد، اعماق قلبش به نور ایمان روشن شد و از همان لحظه به موسی علیه السلام ایمان آورد.^۲ آسیه در آخرین لحظات عمرش از خداوند خواست تا او را از شرّ ظالمان نجات دهد. شاید در نگاه نخست این آرزو، دعا و آرزوی بنده مؤمن خداوند باشد، ولی در ابتدای این آیه می‌خوانیم که خداوند این دعا را برای مؤمنان مثال زده و به عبارتی، سطح عالی دعا و آرزو را برای مؤمنان مشخص کرده است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳.

۲. الکشاف، ج ۴، ص ۱۵۶.

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۱؛ و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است، هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از مردم ستم‌کار نجات ده.

او با این دعا بیزاری خود را هم از فرعون و مظلومش و هم از جامعه‌ی آلوده‌ی آن زمان اعلام می‌دارد و از خدا می‌خواهد که او را از این جامعه و حاکمان ظالم رهایی بخشد: «... وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۲؛ از این رو، قدمی که همسر فرعون در راه بندگی خدا برداشته است، می‌تواند برای همه‌ی پویندگان این راه، مَثَل باشد. به همین جهت خدای سبحان حال، آرزو و عمل آسیه در طول زندگی‌اش را، به عنوان سرمشق به تمام مؤمنان و مؤمنات معرفی می‌کند.^۳

اما آیا به واقع امروز سایر مؤمنان که می‌باید همچون آسیه در برابر ظلم ایستادگی کنند و بنا به آموزه‌های قرآن کریم، همچون این زن مؤمنه، آرزوی نابودی مشرکان و ظالمان را داشته باشند، به آرزوی خود رسیده‌اند؟

اگر بر اساس آیه «وعد» یکی از مختصات جامعه‌ی عصر ظهور را، تحقق بندگی خالصانه و اجتماع صالحان و مؤمنان بدانیم، ناگزیر بر اساس

۱. تحریم: ۱۱.

۲. قصص: ۲۱.

۳. المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۸.

نص صریح آیات الهی همچون: «یونس: ۱۰۳»^۱، «مریم: ۷۲»^۲ و «انبیاء: ۸۸»^۳ خواهیم پذیرفت که سنت الهی رهایی مؤمنان از چنگال ظالمان، تنها در دوران عصر ظهور به طور کامل محقق خواهد شد. در همین زمینه علامه طباطبائی می نویسد: جمله «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» وعده به نجات دادن هر مؤمن مبتلای به اندوه است؛ البته مؤمنی که مانند یونس علیه السلام رو به درگاه وی آورد و او را چون وی ندا کند.^۴ علاوه بر این، در روایات متعددی، فراگیر شدن ظلم و جور در آستانه عصر ظهور مورد تأکید قرار گرفته است.^۵ لذا این آرزو در آن دوران نیز از زبان مؤمنان جاری و ساری خواهد بود و با عنایت به شاکله انسانی عصر ظهور که مشتمل بر اجتماع صالحان و مؤمنان است، خداوند ایشان را نیز از یوغ سران ظالم شان رهایی خواهد بخشید؛ همان طور که در مورد پیامبرانی چون هود علیه السلام، شعیب علیه السلام و صالح علیه السلام و پیروان و مؤمنان به آن ها، عمل کرده است.^۶

از سوی دیگر، اسلام محیطی را قابل زیست معرفی می کند که انسان

۱. «ثُمَّ نُنْجِي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»؛ آن گاه پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند [روز نزول عذاب] می رهانیم؛ همین گونه بر ما فریضه و لازم است که مؤمنان را نجات دهیم.

۲. «ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ تَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيَا»؛ سپس آنان را که [از کفر، شرك، فساد و گناه] پرهیز کردند، نجات می دهیم، و ستم کاران را که به زانو در افتاده اند، در دوزخ رها می کنیم.

۳. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»؛ پس ندایش را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

۴. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۴۵.

۵. رك: الكافي، ج ۱، ص ۳۴۱.

۶. هود: ۵۸، ۶۶ و ۹۴؛ دخان: ۳۰؛ فصلت: ۸.

در آن بتواند آزادانه به عقیده صحیح خود عمل کند. اما محیطی که خفقان آن را فرا گرفته مردود می داند و از اینرو افراد باایمان آرزو می کنند که از چنین محیطی که مرکز فعالیت ستمگران است، خارج شوند.^۱ هم چنان که خداوند در آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء، به مستضعفانی اشاره می کند که علاوه بر این که مؤمنند، مظلوم هم هستند و از خدا می خواهند که آن ها را از دیار ظالمان خارج کند. آن ها هم چنین از خداوند می خواهند که ولی، سرپرست، یار و یآوری برای آن ها بفرستد: ﴿... وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾؛ ... و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.

لذا در روایات مربوط به دوران ظهور، توجه ویژه ای به رفع ظلم و بازگشت عدل و معنویت به جامعه انسانی شده است؛ از جمله روایات متواتر در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

«امام عصر علیه السلام زمین را از عدل و داد و نور و برهان آکنده می سازد»^۲

«وقتی که قیام می کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان به نور خورشید نیازی نخواهند داشت»^۳

«در روزگار او، دنیا پاکیزه می شود و اهل آن نیکو (طاهر)

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۰.

۲. «... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا...»؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ»؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱.

می‌گردند»^۱

«خداوند به وسیله مهدی علیه السلام، زمین را از لوث ظالمان طاهر

و پاک می‌گرداند.»^۲

چراکه در عصر ظهور، وجود مقدس امام عصر علیه السلام با به دست گرفتن رهبری مؤمنان، به مصاف مشرکان و ظالمان رفته و پیروزی حق بر باطل را محقق خواهد کرد تا بدین ترتیب آرزوی بهره‌مندی از رهبری صالح را برای مؤمنان محقق کند. به استناد روایت معصوم، خداوند به وسیله او، ذلت را از گردن‌های مردم برمی‌دارد^۳ و از امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رفع گرفتاری کرده^۴ و رنج‌های شیعیان را پس از اندوهی سخت، بلایی طویل و ستمی جانکاه، زائل خواهد کرد.^۵

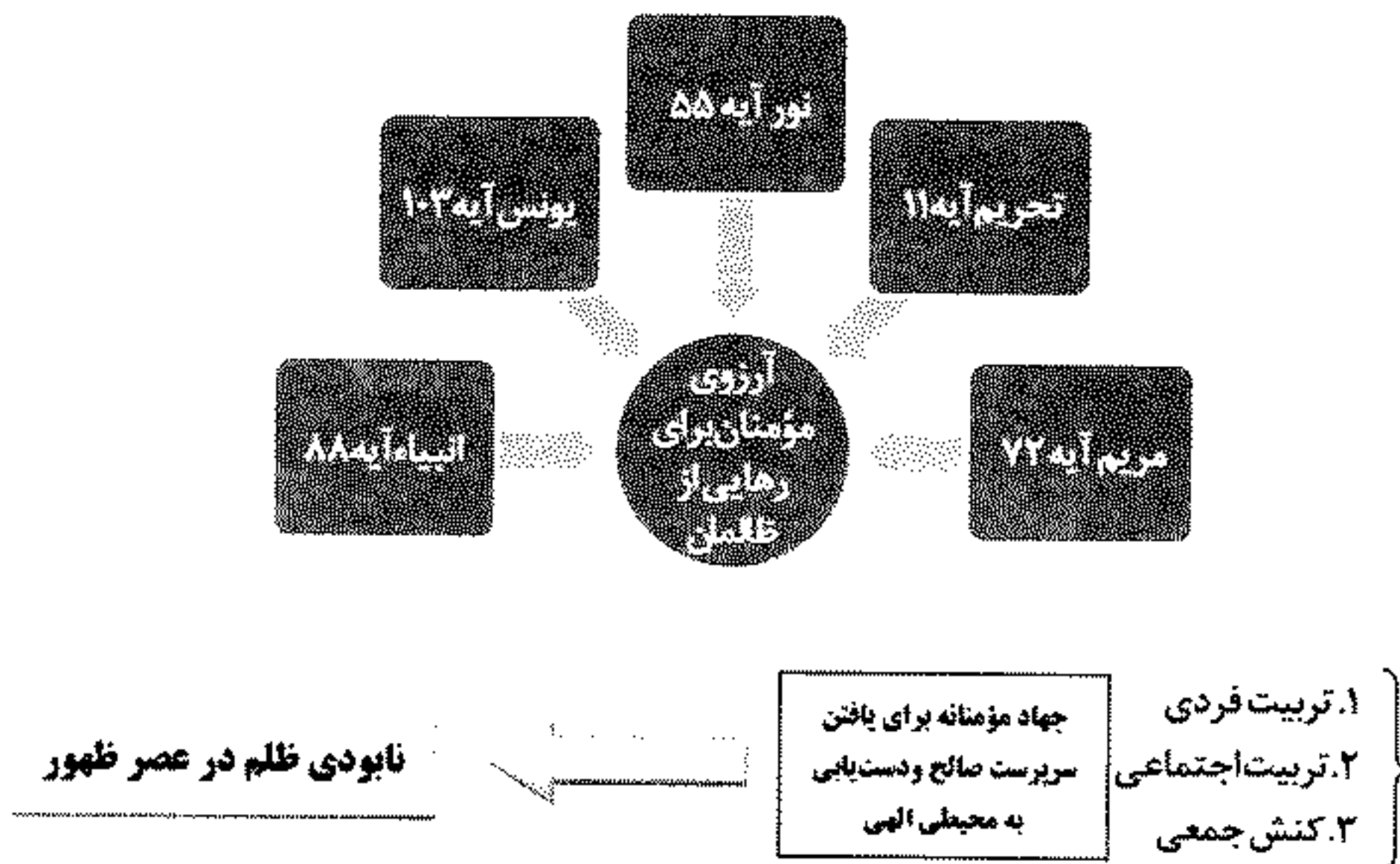
۱. «... وَ تَطْيِبُ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا فِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ عليه السلام...»؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. «... يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ...»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳. «... يُخْرِجُ ذُلَّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ...»؛ کتاب الغیبة، ص ۱۸۶.

۴. «يُفْرِجُ اللَّهُ عَنِ الْأُمَّةِ»؛ همان، ص ۱۸۷.

۵. «هُوَ الْمُنْفَرِجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكٍ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ وَجَزَعٍ وَخَوْفٍ»؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۰.



۴. صبر، پایداری و پیروزی

تاریخ گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم در کسب پیروزی، استقامت و شکیبایی افراد است؛ به همین دلیل، در قرآن روی این موضوع تأکید فراوانی شده، به طوری که در قرآن مجید حدود هفتاد بار از «صبر» سخن به میان آمده که بیش از ده مورد آن به شخص پیامبر ﷺ اختصاص دارد. برای مثال، هنگامی که قرآن مسئله رویارویی دو لشکر طالوت و جالوت را روایت می‌کند، رمز موفقیت لشگریان خدا را، طلب صبر و استقامت از درگاه احدیت دانسته و می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۱؛ و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیان‌ش ظاهر شدند،

۱. بقره: ۲۵۰.

گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام‌هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

لذا به استناد این آیه می‌توان گفت، هنگامی که سپاهیان طالوت با آزمایش اراده و ایمان قلبی و فکری، ظرف روحشان برای فراگرفتن هرچه بیشتر صبر آماده شده بود، برای پر شدن خلأهای درونی خود، از مبدأ فیاض «إفراغ صبر» خواستند تا پایدار و پیروز شوند.^۱ هم‌چنین این گروه از بندگان مؤمن در دومین تقاضای خود از خداوند چنین طلب می‌کنند که: «گام‌های ما را استوار بدار تا از جا‌کنده نشود و فرار نکنیم.»^۲

مفسران حقیقت دعای نخست را جنبه باطنی و درونی آن دانسته و در مورد دعای دوم بر جنبه ظاهری و برونی دعا تاکید دارند چراکه ثبات قدم از نتایج روح استقامت و صبر است.^۳ اما تقاضای نهایی آنان پیروزی بر کفار است که در واقع هدف اصلی را تشکیل می‌دهد و صبر و ثبات قدم، دو مقدمه برای رسیدن به پیروزی است.

تأثیر این دو مؤلفه در پیروزی اهل حق، زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم بر اساس آیات قرآن برای رسیدن به هر هدفی باید تلاش کرد. از این رو، تاریخ بشر و سرنوشت انسان‌ها بر اساس آیات قرآن، تابع سلسله قوانین مشخص و معینی است که از سوی خداوند، برای تدبیر جهان به اجرا درآمده که از آنها در قرآن با عنوان «سنت‌های الهی» یاد

۱. پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. الکشاف، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۴۶.

شده و یکی از مهم‌ترین آنها «سنت دریافت پاداش به میزان تلاش و کوشش» است. قرآن کریم درباره این سنت می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾^۱؛
و این‌که برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست، و این‌که تلاش او به زودی دیده خواهد شد.

لذا مؤمنان برای دست‌یابی به جامعه مهدوی در آخرالزمان می‌باید بر اساس آرزوهای سازنده قرآنی علاوه بر تلاش و فعالیت، طلب صبر و پایداری کنند تا در نهایت موفق به پیروزی و ایجاد نظام عدل جهانی شوند. شاهد این مدعا را می‌توان در بسیاری از آیات قرآنی مشاهده کرد؛ از جمله موارد ذیل که می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ...﴾^۲؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم....

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۳؛ این [کیفر سخت] به سبب این است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرده [به عذاب و نقامت] تغییر دهد تا زمانی که آنان آنچه را در خود [از عقاید حقّه، حالات پاک و اخلاق حسنه‌ای که] دارند [به کفر، شرک، عصیان و گناه] تغییر دهند.

۱. نجم: ۳۹ و ۴۰.

۲. اعراف: ۹۶.

۳. انفال: ۵۳.

اهمیت این صبر و پایداری در میان مؤمنان از آن جا نشأت می‌گیرد که بر اساس آموزه‌های دینی، مؤمنان نقش فعالی را در تحقق ظهور و جاری شدن اراده‌ی خداوند ایفا می‌کنند؛ به طوری که شیخ طوسی معتقد است:

اجمالاً می‌توان گفت بر خدای متعال واجب است که امام را تقویت کند تا آن حد که قدرت بر قیام و بسط ید کافی برای انجام آن پیدا کند. این تقویت الهی هم از طریق فرشتگان امکان پذیر است و هم توسط بشر؛ و ما از آن جا که خداوند به وسیله‌ی فرشتگان این کار را نکرده، می‌فهمیم که علت، مفسده داشتن آن بوده است. بنابراین باید تقویت امام توسط بشر انجام شود.^۱

شیخ مفید نیز نظری مشابه داشته و در این باب یادآور می‌شود:

اگر شیعیان در يك زمان به تعداد اهل بدر جمع شوند، در این صورت تقیه بر امام زمان علیه السلام جایز نیست و ظهور بر ایشان واجب است. اما در این زمان چنین جماعتی نیستند، زیرا صفات و شروط مذکور را ندارند. آن جماعت باید شجاع و صبور باشند و با خلوص نیت در جهاد شرکت کنند؛ کسانی باشند که آخرت را بر دنیا برگزینند و باطنشان از عیوب پاک باشد و... اگر خداوند متعال از چنین افرادی با صفات مذکور سراغ داشت، اراده‌ی الهی حتماً بر ظهور حضرت

۱. «... یَجِبُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى تَقْوِيَةُ يَدِ الْإِمَامِ بِمَا يَتِمَّكُنُ مَعَهُ مِنَ الْقِيَامِ وَ يَبْسُطُ يَدَهُ وَ يُتِمُّكَ ذَلِكَ بِالْمَلَائِكَةِ وَ بِالْبَشَرِ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلْهُ بِالْمَلَائِكَةِ عَلِمْنَا أَنَّهُ لِأَجْلِ أَنَّهُ تَعَلَّقَ بِهِ مَفْسَدَةٌ فَوَجِبَ أَنْ يَكُونَ مُتَعَلِّقًا بِالْبَشَرِ...» کتاب الغیبه، ص ۹۲.

ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشرف قرار می‌گرفت و امام از بین شیعیانشان، لحظه‌ای غایب نمی‌شد، لکن شیعیان دارای چنین صفاتی نیستند؛ پس غیبت بر امام زمان علیه السلام جایز است.^۱

ضمن آن‌که در بعضی روایات، به فعالیت و تلاش عده‌ای از مؤمنان و تأثیر آن بر تحقق امر ظهور اشاره شده از جمله در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «از مشرق زمین مردمانی خروج می‌کنند و زمینه‌ساز حاکمیت مهدی موعود علیه السلام می‌گردند.»^۲ هم‌چنین بشیر نبال از امام باقر علیه السلام پرسید: «می‌گویند: همانا مهدی وقتی ظهور کند، کارها برایش خود به خود انجام می‌شود و به اندازه خون حجامت نیز خون نمی‌ریزد.» امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

نه، چنین نیست، قسم به آن‌که جانم در ید قدرت اوست! اگر قرار بود (کارها) برای کسی خودبه‌خود انجام شود، قطعاً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می‌شد؛ آن زمانی که دندان حضرتش خون‌آلود گشت و صورت ایشان شکافته شد. ای بشیر! چنین نیست، قسم به آن‌که جانم در دست اوست! (کارها برای امام زمان علیه السلام انجام نمی‌شود) تا این‌که ما و شما عرق را همراه با لخته‌های خون (از پیشانی خود) پاک کنیم. سپس حضرت دست به پیشانی خود کشیدند.^۳

لذا آرزوی صبر و پایداری در کنار تلاش مؤمنانه در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام به طور جدی در میان مؤمنان رواج پیدا خواهد کرد و آن‌ها

۱. الرسالة الثالثة في الغيبة، ص ۱۲.

۲. «... يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيَوْطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ...» بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۳. الغيبة (نعمانی)، ص ۲۸۴.

را در مسیر تحقق پیروزی نهایی، یاری خواهد رساند؛ به طوری که فشارهای ظالمان بر اثر تلاش‌های جمعی مؤمنان رنگ باخته و آنان با تقاضای صبر و مقاومت از جانب خداوند، آرزوی پیروزی نهایی بر مشرکان را طلب خواهند کرد. خدای متعال نیز در آستانه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ این آرزوی مؤمنان را داده و اسباب شکل‌گیری دولت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست مؤمنان را فراهم خواهد کرد.

۵. تحقق پیشوایی واحد برای مؤمنان

بر اساس منطق قرآن کریم، بندگان مؤمن در دل‌های خود آرزوی پیشروی در میادین خیر، دعوت به خدا و حرکت در این راه را برای خود و خانواده‌شان طلب می‌کنند.^۱ لذا در آیه ۷۴ سوره مبارکه فرقان می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؛ و کسانی اند که می‌گویند پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی‌دیدگان (نسل‌های صالح و پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان یا رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشوا گردان.

مفسران معتقدند مراد از دعای مورد بحث این است که بندگان، همه در صف واحدی باشند مقدم بر صف سایر متقین و به همین جهت کلمه «امام» را مفرد آورده و نفرمود: ﴿وَجَعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ أُمَّةً﴾.

۱. من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۸۱.

البته در رابطه با مفرد آمدن «امام» بحث دیگری هم هست و آن این که: «امام» در این جا جمع «أَمَّ» به معنای «قصد کردن» است، هم چنان که کلمه «صیام» جمع «صائم» می آید.^۱

اما در باب این که چگونه آرزوی پیشوایی مؤمنان در عصر ظهور محقق خواهد شد، باید گفت که بر اساس تفسیر مدرسی از آیه شریفه ۵ سوره قصص که بیان می دارد: «می خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین زبون شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایانی سازیم و آنان را وارث [آن سرزمین کنیم] و در آن سرزمین فرمانروایی شان دهیم» می خوانیم:

اراده خدا نه تنها استضعاف را از مستضعفان دور می سازد، بلکه آنان را پیشوایان و رهبران بشر قرار می دهد، و این هدف برتر حرکت تاریخ است. آنان هرچه زودتر به آنچه در تصرف مستکبران است، از نعمت ها و زیورها و کالاها، دست خواهند یافت.^۲

وی هم چنین در تفسیر آیه ۷ سوره مبارکه اعراف که می فرماید: «زمین از آن خدای متعال است و آن را به هر کس از بندگان خویش که بخواهد، وامی گذارد و سرانجام [نیک] از آن پرهیزگاران است» می نویسد: شناخت این حقیقت این است که قدرت های حاکمه ابدی نیستند، بلکه نتیجه عوامل و معادلات سیاسی و اجتماعی هستند و اگر آن معادلات و عوامل تغییر کنند، قدرت حاکمه

۱. الکشاف، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲. تفسیر هدایت، ج ۹، ص ۲۴۷.

هم سقوط می‌کند و به جای آن قدرتی می‌آید با نیروی بیشتر و کفایت افزون‌تر، و این همان حکومت پرهیزگاران است.^۱

لذا چنین استنباط می‌شود که این آرزو به صورت کامل و مداوم، تنها در عصر ظهور قابلیت تحقق را پیدا خواهد کرد، چرا که: اولاً، به فرموده امام سجاد (ع) آن کس که فرزانه‌ای ارشادگر (رهبری آگاه و دلسوز) ندارد، هلاک خواهد شد^۲ و از آن جایی که جامعه عصر ظهور نباید به انحراف کشیده شود، پس وجود رهبری آگاه و مشفق که تجلی کامل و بارز آن در وجود امام عصر (عج) خلاصه شده، برای تضمین سلامت مسیر آینده جامعه مهدوی ضروری خواهد بود.

ثانیاً، بر اساس قاعده تخطی‌ناپذیری وعده‌های الهی، تنها در این عصر است که دین اسلام بر سایر ادیان غلبه پیدا خواهد کرد و حکومتی از صالحان تشکیل خواهد شد که بر تمام زمین احاطه داشته و پیشوایی مؤمنان را در دست خواهد گرفت. مهم‌ترین دست‌آورد چنین جامعه‌ای، رفع مصادیق معصیت خواهد بود؛ همان‌طور که در روایت زیر به آن اشاره شده است:

«در عصر ظهور دیگر در زمین خداوند معصیت نخواهد شد و

حدود الهی میان مردم اجرا می‌گردد.»^۳

«همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می‌شود و جز

دین خالص باقی نمی‌ماند.»^۴

۱. همان، ج ۳، ص ۳۵۹.

۲. «... هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ...»؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. «وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ شَقَامَ خُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ»؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۴. «... رَفَعَ الْمَذَاهِبُ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ...»؛ تنبیح المودة، ج ۳، ص ۲۱۴.

«ناهماهنگی و اختلاف مذاهب و ادیان از بین می‌رود و فقط يك دين در سراسر گیتی حکومت می‌کند؛ چنان‌که خدای تبارک و تعالی فرموده است: به راستی دین در نزد خدا، اسلام است.»^۱

«هیچ نقطه‌ای از زمین نیست جز آن‌که در آن، هر صبح و شام به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اکرم ﷺ ندا سر داده می‌شود»^۲

«... در شرق و غرب عالم جز موحد خداپرست، کسی باقی نمی‌ماند»^۳، چراکه «اهل هیچ دینی باقی نماند، مگر این‌که اسلام را اظهار داشته و اذعان به ایمان کند.»^۴

بدین ترتیب، رهبری واحد جامعه جهانی عصر مهدوی خواهد توانست «تا هر کجا که تاریکی شب وارد می‌شود، دین (اسلام) را نفوذ دهد»^۵.

۶. غفران الهی و قلبی عاری از کینه

خداوند به مؤمنان تعلیم می‌دهد که آرزوهایشان را در جهت ایجاد جامعه‌ای برآمده از رأفت و مهربانی استوار کنند. لذا شرح حال گروهی

۱. «فوالله ليرفع عني الملل و الاديان الاختلاف و يكون الدين كله واحدا كما قال جل ذكره ان الدين عند الله الاسلام»؛ بشارة الإسلام، ۲۶۵.

۲. «اذا قام القائم لا تبقى ارض الا نودى فيها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله»؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۳۱.

۳. «و من لم يسلم ضرب عنقه حتى لا يبقى في المشارق و المغرب»؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. «لم يبق اهل دين حتى يظهروا الاسلام و يعترفوا بالامان»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۵. يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۰۲.

از مسلمانان را که تازه به اسلام گرویده بودند را اینچنین روایت می کند:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾^۱؛ و نیز کسانی که بعد از آنان [انصار و مهاجرین] آمدند، در حالی که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که به ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل هایمان نسبت به مؤمنان، خیانت و کینه قرار مده. پروردگارا! یقیناً تو رؤوف و مهربانی.

این روحیه برادری که به زعم عده ای از مفسران، در میان انصار بوده^۲ و به عقیده گروهی دیگر، شامل مسلمانان بعد از صدر اول می شده^۳، در دوران عصر ظهور به واقعیت مبدل خواهد شد؛ به طوری که به استناد احادیث وارده در این زمینه می توان گفت، پس از نابودی سردمداران باطل، بین مستضعفان مؤمن و صالح و به طور کلی شاکله انسانی عصر ظهور، حول محور ولایت حضرت صاحب الامر (عج) انس و الفت ایجاد می شود. برای نمونه، امام علی (ع) در این باره می فرماید:

«چون قائم ما قیام کند... کینه ها از دل های بندگان برود.»^۴ هم چنین در روایاتی از امام صادق (ع) نقل شده:

«در دوران قائم ما، خداوند میان قلب های پراکنده الفت برقرار می کند و آن ها خدای عزوجل را در زمین معصیت

۱. حشر: ۱۰.

۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۵۸.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص ۵۰۹.

۴. «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

نمی‌کنند.»^۱

«ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود و راضی می‌شوند»^۲
«در خلافت او، ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا راضی
و خشنود هستند.»^۳

«وقتی مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، همه، حتی مردگان شاد و
مسرور می‌شوند.»^۴

از این احادیث می‌توان به عنوان نشانه‌های رشد اخلاقی در
جامعه عصر ظهور یاد کرد. رشدی که محدود به یک گروه یا دسته
معین نشده است. به بیان دیگر، این رشد اخلاقیات در عصر ظهور
از نظر موضوع، عام و مطلق قید شده است. بنابراین، از آن می‌توان
برای اثبات عمومیت رشد اخلاقی استفاده کرد. بدین ترتیب، روحیه
برادری و برابری در جامعه گسترش پیدا خواهد کرد و آرزوی مؤمنان
در خصوص رفع کینه و عداوت میان مؤمنان برای همیشه از جامعه
مسلمانان رخت خواهد بست.

ارتباط بین آمال انبیاء علیهم السلام با غایت خلقت

بی شک آمال تقاضاشده انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام از آستان قدس

۱. «... وَ يُؤَلَّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يُعْصَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ...»؛ کمال الدین و تمام
النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵.

۲. «... يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ...»؛ دلائل الامامة، ص ۲۵۹.

۳. «يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ»؛ كشف الغمه، ج ۲،
ص ۴۶۹.

۴. ر.ک: «... لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي ... يَتَرَأَوْنَ فِي قُبُورِهِمْ وَ
يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

ربوبی، متناسب و نیز متناظر با مقتضیات تاریخی و شرایط اجتماعی زمانه آنها بوده است. حال اگر غایت انبیا الهی را در تحقق جامعه توحیدی بدانیم، خواهیم دید که چگونه با افزایش ظرفیت اجتماعی بشر از زمان حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، آرزوهای انبیاء (به ویژه اولوالعزم) از یک سیر تکاملی برخوردار بوده و در هر عصری متناسب با مردمان همان عصر این آرزوی تاریخی بشر تبیین شده است.

از سوی دیگر؛ حکمت الهی ایجاب می کند به تقاضاها و درخواست های انبیاء علیهم السلام و اولیای الهی جامعه عمل پوشانده شود که با عنایت به عدم تحقق و تجلی واقعی شرایط درخواستی ایشان در عصر خویشتن، باید منتظر تحقق آن در آینده بود.

نکته سوم در این باب مربوط به هدف خلقت می شود. ما می دانیم که هدف خلقت، رسیدن به جامعه عبودی بوده پس حتما زمین و زمینیان باید روزی به آن نائل شوند که تاکنون محقق نشده است.

بر این اساس آرزوهای انبیاء و اولیای الهی را می توان به دانه های تسبیحی تشبیه کرد که طلب و نیاز حقیقی انسان ها را در قالب آرزوهای سازنده مطرح و بدین ترتیب بین نیازهای بشر با اهداف اصلی الهی رابطه برقرار می کنند و آگاهانه بذراگاهی از مختصات آرمان شهر الهی را در ضمیر مومنان منتظر می کارند.

لذا آرزوهای قرآنی را می توان مهم ترین و متقن ترین ویژگی های مورد انتظار برای آرمان شهر الهی عصر مهدوی قلمداد کرد؛

آرمان شهری که در طول تاریخ همه انبیا و صالحان به گوشه‌ای از آن توجه کرده و طلب درک آن را از درگاه احدیت داشته‌اند و یادآوری آن‌ها توسط قرآن کریم مؤید این نکته است که هیچ یک از این ادعیه به نسل و زمانه‌ای خاص اختصاص نداشته و از آن جایی که اسلام آخرین دین الهی است و می‌باید نقشه حیات بشری را تا رسیدن به غایت تاریخ که همانا ایجاد جامعه آرمانی مهدوی است، ترسیم کند، در لابه‌لای آیات و سور نورانی قرآن مورد تأکید قرار داده است.

جمع بندی

با اتکا به آیات و روایات و نیز مطالب گفته شده، نتایج ذیل می‌تواند جمع بندی نهایی را به روشنی تبیین کند:

الف. از دیدگاه اسلام، آرزوها سازنده آینده حیات بشر هستند و اگر جنس این آرزوها به خوبی انتخاب شود، می‌توانند بشر را به سوی سعادت هدایت کنند.

ب. قرآن در مثال‌های مختلفی به آرزوهای سازنده و بازدارنده اشاره کرده تا بدین ترتیب، زمینه تعلیم و انتقال مفاهیم الهام بخش به آدمی را فراهم کند.

ج. با عنایت به این که بسیاری از آرزوهای سازنده مورد تأکید قرآن کریم در عالم واقع تاکنون محقق نشده و یا به طور کامل و حد مطلوب واقع نگشته، لذا بسیاری از مفسران بر این عقیده‌اند که ذکر این آرزوها عاری از نظر نبوده و قصد و هدفی را دنبال می‌کرده که نزدیک ترین هدف برای توجیه آن، ترسیم مختصات آرمان شهر مورد

تأیید اسلام است.

د. اندیشه منجی‌گرایی و روایات متعدد دینی مستند شده در این حوزه، اثبات‌کننده این نظر است که اگر قائل بر وجود اندیشه آرمان‌شهرگرایی در نظام الهی باشیم، قطع به یقین تحقق آن در عصر ظهور محقق خواهد شد.

ه. از منظر آموزه‌های اسلامی و به استناد آیه «وعد»، تاریخ بشر در غایت خود شاهد شکل‌گیری آرمان‌شهری خواهد بود که در آن آرزوهای مؤمنان و انبیای الهی به طور کامل محقق می‌شود.

البته وجه دیگری نیز در اثبات این ایده وجود دارد و آن اعتقاد به تطبیق سنت رفتاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با سبک زمامداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ به طوری که بنا به قول صحیح روایی، برنامه حضرت پس از ظهور بر اساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواهد بود. لذا از آن جایی که مسیر انبیاء علیهم السلام واحد بوده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین فرستاده الهی، تکامل یافته‌ترین روش و منش را ارائه کرده، پس عمل به سنت او نیز می‌تواند عمل به سنت تکامل یافته همه انبیاء باشد. لذا اگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سیره و سنت او، سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند»^۱، این بدان معناست که زمامداری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تجلی زمامداری مطلوب پیامبران الهی علیهم السلام و

۱. «وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ»
کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۱.

به خصوص پیامبر اسلام ﷺ خواهد بود که به دلیل محدودیت های مادی و زمانی هیچ گاه در تاریخ بشر فرصت جهانی شدن را نیافته، ولی در عصر ظهور محقق می شود و آنگاه، همه آرزوهای انبیا به منصه ظهور خواهد رسید.

کتاب نامه

- قرآن کریم (ترجمه: حسین انصاریان، اسوه، قم، ۱۳۸۳).
- نهج البلاغه، ترجمه: علی شیروانی، نسیم حیات، قم، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
- آدی، آلبرت، سیر فلسفه در اروپا، ترجمه: علی اصغر حلبی، زوار، تهران، ۱۳۶۸.
- آریان پور، امیرحسین، جامعه شناسی هنر، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب الإسلامیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد الجزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد الطناحی و طاهر احمد السزای، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- —، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- —، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، العمدة، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر، شریف رضی، قم، ۱۳۷۰.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دار الفکر، بیجا، ۱۳۹۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- آدی، ویلیام، تفسیر الكنز الجلیل فی تفسیر الانجیل، مجمع الكنائس فی الشرق الادنی، بیروت، ۱۹۷۳.
- ایربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱.
- اصیل، حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، نی، تهران، ۱۳۷۱.
- افلاطون، جمهور، ترجمه: فؤاد رحمانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- امرسون، راجرال، فرهنگ اندیشه سیاسی (اتوپیا)، ترجمه: خشایار دیهیمی، نی، تهران، ۱۳۸۷.
- انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین (شرح کمال الدین عبدالرزاق قاسانی)، تحقیق و تعلیق: محسن بیدارفر، بیدار، قم، ۱۳۸۵.
- بارتون، بروس و دیگران، تفسیر التطبیقی للعهد الجدید، شرکت ماستر مدیا، قاهره،

- ۱۹۹۵.
- پورافکاری، نصرت الله، فرهنگ جامع روانشناسی روانپزشکی، فرهنگ معاصر، تهران، چاپ دوم، بی تا.
- جعفری، محمدتقی، عرفان اسلامی، مؤسسه نشر و تدوین آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۷۸.
- جمعی از مؤلفان، فرهنگ و بینش یهود، سال سوم متوسطه انجمن کلیمیان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- جوادى آملی، عبدالله، امام مهدی، موعود موجود، اسراء، قم، ۱۳۸۷.
- مجموعه سخنرانی‌ها پیرامون ولایت فقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البيت ﷺ، قم، ۱۴۰۹ق.
- حسینی خاتون آبادی، محمدباقر اسماعیل، ترجمه اناجیل اربعه، نقطه، تهران، ۱۳۸۱.
- حقانی زنجانی، حسین، نظام اخلاقی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- خمینی، سید روح الله، طلب و اراده، ترجمه و شرح: سید احمد فهری، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.
- داوری اردکانی، رضا، اوتویی و عصر تجدد، ساقی، تهران، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- دوانی، علی، مهدی موعود، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۸.
- راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: نجف دریابندری، کتاب پرواز، تهران، ۱۳۷۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۶ق.
- روحانی، محمود، المعجم الإحصائی للالفاظ القرآن الکریم، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶.
- روحی بعلبکی، المورد (قاموس عربی انگلیسی)، بیروت، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ نوزدهم، ۲۰۰۵.
- روویون، فردریک، آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه: عباس باقری، نی، تهران، ۱۳۸۵.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، المنیر فی العقيدة و الشریعة و المنهج، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۸ق.

- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- سهروردی، شهاب الدین، آواز پر جبرئیل، تصحیح و تقدیم: سید حسین نصر، تقدیم و تحلیل: هانری کربن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- سیوطی، جلال الدین، العرف الوردی، دار الکوثر، دمشق، ۱۴۲۲ق.
- سیوطی، عبدالرحمن، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- شیرازی، احمد امین، آیین بلاغت (شرح مختصر المعانی)، فروغ قرآن، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، سیده المعصومه (س)، قم، ۱۴۲۱ق.
- صدر المتألهین (صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی)، المفاتیح الغیب، ترجمه: محمد خواجهوی، تقدیم: علی عابدی شاهرودی، مولی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
- —، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة، تصحیح: محمد خامنه‌ای و غلامرضا اعوانی، بنیاد صدرا، تهران، ۱۳۸۳.
- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، قومس، تهران، ۱۳۷۴.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: مترجمان، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، دار الذخائر للمطبوعات، قم، بی تا.
- طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبة، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- عثمان، عبدالکریم، روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۶ق.
- عروسی هویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
- عسگری، ابو هلال، فروق اللغویه، تحقیق: محمد باسل عیون السود، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ چهارم، ۲۰۰۶.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰.

- فارابی، ابونصر محمد، فصول المنتزعه، ترجمه: حسن ملکشاهی، سروش، تهران، ۱۳۸۲.
- ——— اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه و تحشیه: سیدجعفر سجادی، طهوری، تهران، ۱۳۶۱.
- ——— سیاست مدینه، ترجمه: سید جعفر سجادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
- فروم، اریک، روان‌کاوی در دین، ترجمه: آرسن نظریان، مروارید، تهران، ۱۳۸۸.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، صدر، تهران ۱۴۱۵ق.
- قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه‌های اقتصادی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
- قرشی، سید علی اکبر، أحسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
- قطب‌الدین راوندی، ابی‌الحسن سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- قمی علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، دارالاسوه، قم، ۱۳۷۵.
- کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۹.
- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- کاظمی، سیدمصطفی، بشارة الاسلام فی علامات المهدی، بی‌نا، نجف، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- کهن، أبراهام، خدا - جهان - انسان و ماشیح در آموزه‌های یهود، ترجمه: امیر فریدونی گرگانی، نخست، دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۸۲.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی، کنز العمال، الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ترجمه: علی اکبر

- غفاری، شركة الرضوان، قم، ۱۳۹۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، وفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- محمود، منصور و دیگران، لغت نامه روانشناسی، بی جا، بی تا.
- مدرسی، عباس، تمدن در عصر ظهور مهدی علیه السلام، ترجمه و نگارش: لطیف راشدی، حضور، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
- مرعشی نجفی، شهاب الدین، ملحقات الاحقاق، مكتبة آيت الله مرعشي نجفی، قم، ۱۴۱۵ق.
- مزلو، ابراهام اچ، انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.
- المسیری، عبدالوهاب، دائرة المعارف يهود، يهوديت و صهيونيسم، ج ۵، مطالعات پژوهش های خاورمیانه، تهران، ۱۳۸۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، قم، ۱۳۹۰.
- —، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- —، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۸.
- —، اخلاق در قرآن، مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه، قم، ۱۳۷۸.
- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰.
- —، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، دائرة العامة للمراكز والعلاقات الثقافية، ایران، ۱۳۶۹.
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار عليهم السلام، مجموعه آثار، بی جا، تهران، بی تا.
- معین، سعیده، بررسی تطبیقی آرمان شهر در اندیشه شیعه و یهود، استاد راهنما: غلامرضا بهروز لك، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۶.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی، معین، تهران، ۱۳۸۱.
- —، فرهنگ معین، امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
- —، الرسالة الثالثة فی الغيبة، تحقیق: علاء آل جعفر، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.

- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴.
- مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷.

- مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی فارابی، کتاب قم، قم، ۱۳۸۰.
- مور، توماس، اتوپی، ترجمه: داریوش آشوری و نادر افشار، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳.
- نصر، سید حسین، نیاز به علم مقدس، ترجمه: حسن میاننداری، طه، تهران، ۱۳۸۲.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

مقالات

- بیاری، علی اکبر، «ظهور موعود پاسخی به عدالت خواهی بشر»، حدیث زندگی، شماره ۱۷، ۱۳۸۳.
- پوراحمد، احمد و لیلا حبیبی، «نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی»، باغ نظر، شماره ۲۱، ۱۳۹۱.
- شمشادی، خدیجه، «اندیشه عدالت و حکومت نخبگان در آرمان شهر افلاطون»، حکمت سینوی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.
- شوخط، ایمانوئل، «ماشیح: ناجی جهان»، بینا، شماره ۴، ۱۳۷۸.
- عبدیائی، نرجس، «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، انتظار موعود، شماره ۳۰، ۱۳۸۸.
- محمدی منفرد، بهروز، «چیستی اتوپیا»، کلام و عرفان، شماره ۵، ۱۳۸۷.
- مطلبی، مسعود، «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، مطالعات سیاسی، شماره ۶، ۱۳۸۸.
- نظری، نجمه، «مقایسه آرمان شهر فردوسی و سعدی»، زبان و ادب فارسی، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- نظیری پور، روحیه، «رویکرد فلسفی به ادبیات بر اساس نگاه فارابی به مدینه های غیرفاضله»، فلسفه و کلام، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- ولز، اچ. جی، «یوتوپیاها»، ترجمه: ع. فخر یاسری، ارغنون، شماره ۲۵، ۱۳۸۳.